

سُورَةُ النَّبَاِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾ عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ ﴿٢﴾ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْلِفُونَ ﴿٣﴾ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ وَخَلَقَ كُرًّا مَّرْجًا ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾

سوره نبأ

هماهنگی دنیا و آخرت، نشانه حقانیت روز جزاست

معرفی سوره

سوره مبارکه نبأ از سوره‌های مکی قرآن است. «نبأ» به معنای خبر دقیق و مهم است. سوره نبأ، در پاسخ به موضع‌گیری‌های ستیزه جویانه کافران درباره معاد نازل شده، به بیان این حقیقت می‌پردازد که خداوند، نظامی حکیمانه در جهان ایجاد کرده است. در این نظام، دنیا و آخرت مکمل یکدیگرند و اگر آخرت نباشد، دنیا نیز بی‌معنا و بیهوده است. بنابراین هیچ راهی برای گریز از واقعیتی به نام معاد و سرای دیگر وجود ندارد. پس به جای سهل‌انگاری و ستیزه‌جویی با روز رستاخیز، خود را برای رویارویی با آن روز آماده نمایید. سوره نبأ از یک مقدمه و سه گفتار تشکیل شده است:

مقدمه

نکوش کافران به‌خاطر انکار قیامت

به نام خداوند بخشنده مهربان

با وجود همه اهمیتی که توجه به مسئله قیامت در زندگی انسان دارد، مشرکان به‌جای توجه به آن و آماده کردن خود برای چنین روزی، به مجادله و کشمکش درباره آن پرداخته، سوالات و شبهات مختلفی در این رابطه مطرح می‌کنند. به‌راستی آنها توجه دارند که «از چه چیز مهمی پرسش می‌کنند؟» ﴿١﴾ «آنها درباره خبر بزرگ و پراهمیتی بحث می‌کنند.» ﴿٢﴾ «و درباره وجود روز رستاخیز و امکان برپایی آن با مؤمنان اختلاف دارند.» ﴿٣﴾ اما به‌زودی کافران متوجه خواهند شد که سخت در اشتباهند، زیرا «دبری نمی‌گذرد که با فرا رسیدن زمان مرگشان، از وجود سرای دیگر آگاه خواهند شد» ﴿٤﴾ و پس از آن، با برپاشدن قیامت، «به‌طور کامل از حقیقت روز رستاخیز آگاه می‌شوند.» ﴿٥﴾

گفتار اول

نمونه‌هایی از پدیده‌های هماهنگ و مکمل در نظام آفرینش

کسانی که روز رستاخیز را انکار می‌کنند، باید به این حقیقت توجه نمایند

که دنیا بدون آخرت، امری پوچ و بی‌معناست و اگر آخرتی در کار نبود، دنیا نیز وجود نداشت. زیرا دنیا مقدمه آخرت است و به‌گونه‌ای آفریده شده که تنها با ضمیمه شدن سرای دیگر به آن، نظام حکیمانه موجود در جهان هستی تکمیل می‌شود. رابطه دنیا و آخرت مانند رابطه پدیده‌های مختلفی است که مکمل یکدیگرند و هر یک بدون دیگری نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. برای مثال به چهار نمونه زیر توجه نمایید:

نمونه اول، رابطه بین زمین و کوه‌هاست. بخش عمده‌ای از آمادگی زمین برای سکونت و بهره‌مندی انسان از آن، به‌خاطر وجود کوه‌ها در آن است. کوه‌ها همچون زرهی، پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی و تأثیر جاذبه ماه از بیرون حفظ می‌کنند و از شکل‌گیری طوفان‌های عظیم جلوگیری به عمل می‌آورند و کانونی برای ذخیره آب‌ها و انواع معادن گرانبها هستند. «ایا ما زمین را مکانی مناسب برای زندگی انسان قرار ندادیم؟» ﴿٦﴾ به‌وجود آمدن این مکان مناسب به‌خاطر آن است که «کوه‌ها را همانند میخ‌های محکم در درون آن قرار دادیم.» ﴿٧﴾

دومین نمونه از پدیده‌هایی که رابطه متقابل با یکدیگر دارند، زن و مرد هستند. هر یک از زن و شوهر با وجود دیگری احساس آرامش می‌کند و به‌وسیله آن دو، نسل انسان‌ها بر زمین باقی می‌ماند و از جهات مختلف مکمل هم هستند. آری، «ما شما انسان‌ها را به‌صورت جفت و زوج‌ها آفریدیم.» ﴿٨﴾ تا بدانید دنیا هم برای تکمیل شدن خود، به وجود سرای دیگر نیازمند است.

نمونه سوم، هماهنگی میان شب و روز با پدیده خواب است. از آنجا که انسان برای تجدید قوا و ادامه زندگی به خواب نیاز دارد، «ما خواب را مایه آرامش و آسایش شما قرار دادیم.» ﴿٩﴾ اما بهره‌مندی کامل از موهبت خواب، تنها با فرا رسیدن تاریکی و سکوت شب میسر است. ازاین‌رو «تاریکی شب را پوششی بر زمین قرار دادیم» تا انسان آرامش خویش را با خواب شبانه بازآید. ﴿١٠﴾

سوره
نبأ

جزء
۳۰

نبا

هماهنگی دنیا و آخرت، نشانه حقانیت روز جزاست

مقدمه
تکوهش کافران به خاطر انکار قیامت
(۱-۵)

گفتار سوم:
جزای روز رستاخیز، حکیمانه
و حتمی است
(۳۷-۴۰)

نکته اول

عذاب کافران
و پاداش مؤمنان
حکمی عادلانه است
(۳۷-۳۸)

نکته دوم

خود را برای روز
رستاخیز آماده نمایید
(۳۹-۴۰)

گفتار دوم:
نشانه‌های مکمل بودن دنیا
و آخرت
(۱۷-۳۶)

نشانه اول

قرار گرفتن آخرت و
روز حساب در لحظه
پایان یافتن دنیا
(۱۷-۲۰)

نشانه دوم

هماهنگی بین جزای
اخروی و اعمال دنیوی

۱. هماهنگی عذاب
سرکشان با اعمال آنان
(۲۱-۳۰)
۲. هماهنگی پاداش اهل
تقوا با اعمال آنان
(۳۱-۳۶)

گفتار اول:
نمونه‌هایی از پدیده‌های هماهنگ
و مکمل در نظام آفرینش
(۶-۱۶)

نمونه اول

هماهنگی آفرینش
زمین و کوه‌ها
(۶-۷)

نمونه دوم

هماهنگی آفرینش
زن و مرد
(۸)

نمونه سوم

هماهنگی ویژگی‌های
شب و روز با پدیده خواب
(۹-۱۱)

نمونه چهارم

هماهنگی پدیده‌های
آسمانی برای تأمین
خوراک انسان
(۱۲-۱۶)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿١٣﴾
وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾ إِنَّ يَوْمَ
الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتَنَا ﴿١٧﴾ يَوْمَ يُفْخَفُ فِي الصُّورِ فَنَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ
أَبْوَابًا ﴿١٩﴾ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾ لِلطَّاغِينَ مَنَابًا ﴿٢٢﴾
لِيَلْثِمْنَ فِيهَا أَخْقَابًا ﴿٢٣﴾ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا بِرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾ جَزَاءً
وَفَاقًا ﴿٢٦﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾ وَكُلُّ شَوْءٍ
أَخْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾ فَذُقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾

در این هنگام، «درهای آسمان ملکوت گشوده می‌شود و جهان آدمیان به جهان فرشتگان می‌پیوندد.» ﴿١٩﴾ این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که پیش از آن، «کوه‌ها به حرکت درآمده، به سرابی تبدیل شده‌اند.» ﴿٢٠﴾

دومین نشانه وجود رابطه بین دنیا و آخرت، این است که هر عمل خوب یا بدی که انسان در دنیا انجام می‌دهد، نتیجه آن را به‌صورت پاداش یا کیفری که کاملاً هماهنگ با عملش است، در سرای آخرت مشاهده می‌کند.

هماهنگی بین عذاب طغیانگران با اعمالشان چنین است که در آن روز، «جهنم کمین‌گاه فرشتگانی است که مأمور عذاب گناهکاران هستند.» ﴿٢١﴾ «آنجا جایگاه افراد سرکش و نافرمان است.» ﴿٢٢﴾ «چنین افرادی روزگار درازی در جهنم می‌مانند.» ﴿٢٣﴾ «در آنجا هیچ خبری از خنکی و آسودگی نیست» ﴿٢٤﴾ «و نوشیدنی آنها فقط آب جوشان و چرک و خونی است که از زخم اهل دوزخ جاری می‌شود.» ﴿٢٥﴾ «این کیفر با عقاید آنان و گناهانی که در دنیا مرتکب شدند، کاملاً هماهنگ و مطابق است.» ﴿٢٦﴾ زیرا «آنها امیدی به حساب و ترسی از عقاب خداوند نداشتند» ﴿٢٧﴾ و همین بی‌اعتنایی به حساب و روز جزا، باعث طغیان و سرکشی آنها شد و تا آنجا پیش رفتند که «آیات بیدارگر الهی را کاملاً انکار کردند» ﴿٢٨﴾ و همه ارزش‌های انسانی و قوانین دینی را زیر پا گذاشتند.

«البته ما هم تمامی عقاید و اعمال آنها را شمارش کرده‌ایم» و امروز به همان اندازه آنها را مجازات می‌کنیم. ﴿٢٩﴾ چون آنها هیچ گاه دست از رفتارهای زشت خود برنداشتند، امروز نیز هیچ گاه از عذاب آنها کاسته نخواهد شد و به آنان گفته می‌شود: «پس کیفر اعمال زشتان را بچشید و بدانید که در اینجا خبری از آسودگی و آسایش وجود ندارد و دائماً بر عذاب شما افزوده خواهد شد» و در پی هر عذابی، عذاب دیگری برای شما در نظر گرفته خواهد شد. ﴿٣٠﴾ اما هماهنگی بین اعمال اهل تقوا و پاداش آنها چنین است که «برای کسانی که از گناه اجتناب کرده و تقوا پیشه کنند، رستگاری و دستیابی به خیر و نعمت کامل است.» ﴿٣١﴾

از سوی دیگر، خوابی برای بدن مفید و ارزشمند است که پس از تلاش و خستگی جسم باشد، در غیر این صورت، موجب کسالت و افسردگی است. از این رو «روز را برای تلاش و گذران زندگی مقرر داشتیم» ﴿١١﴾ تا انسان با تلاش روزانه، از خواب شبانه بیشترین بهره را ببرد.

نمونه چهارم، هماهنگی پدیده‌های مختلف برای تأمین خوراک انسان است. ما به این منظور طبقات مختلف جو، گرمای خورشید، ابرها و خاک زمین را با یکدیگر هماهنگ نموده‌ایم. به این ترتیب که «ما طبقات هفت‌گانه آسمان را که از فضای بالای سر شما شروع شده، تا محل قرار گرفتن ستاره‌ها ادامه می‌یابد، به بهترین شکل ساختیم» ﴿١٢﴾ و در هر یک، عناصر، فشار و دمای خاصی قرار دادیم تا با مجموع آنها، زمینه تولید نیازهای خوراکی انسان را فراهم کنیم. از طرف دیگر، «خورشید را چراغی گرم و پرفروغ قرار دادیم» ﴿١٣﴾ تا با گرمای خود، آب دریاها را تبخیر کند و ابرهای بارانی بسازد. آن گاه «از ابرهای مترکبم و باران‌زا آب فراوانی فرستادیم.» ﴿١٤﴾ این همه برای این است «تا به‌وسیله باران، از زمین دانه‌های خوراکی [مانند گندم و برنج] و گیاهان خوردنی [مانند سبزی‌ها] برآوریم.» ﴿١٥﴾ «و نیز بوستان‌هایی با درختانی [از انواع میوه‌ها] به‌وجود آوریم.» ﴿١٦﴾

کفتار دوم

نشانه‌های مکمل بودن دنیا و آخرت

با مطالعه این نمونه‌ها متوجه می‌شویم همان گونه که خدا هر پدیده‌ای را با پدیده دیگر تکمیل می‌کند تا با هم هدف واحدی را تأمین کنند، دنیا و آخرت را هم به‌گونه‌ای آفریده که مکمل یکدیگر بوده، هدف از آفرینش انسان را تأمین کنند. دو امر نشان می‌دهد که دنیا و آخرت مکمل یکدیگرند.

نشانه اول این است که «روز رستاخیز و روز جدایی حق از باطل، پایان زمانی است که برای این جهان معین شده است.» ﴿١٧﴾ «این روز زمانی فرا می‌رسد که در شیپور مرگ جهان دمیده می‌شود، آن‌گاه شما انسان‌ها گروه گروه از قبرها خارج می‌شوید و به صحنه قیامت می‌آید.» ﴿١٨﴾

حَدَاقٍ وَأَعْنَبًا ﴿٣٢﴾ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾ وَكَأْسَادٍ هَاقًا ﴿٣٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا ﴿٣٥﴾ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَتَابًا ﴿٣٩﴾ إِنَّا أَنذَرْتَكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا ﴿٤٠﴾

سوره نبا

در روز رستاخیز، همه موجوداتی که مأمور اداره جهان به امر خدا هستند، به حکمت و عدالت خدا در تعیین پاداش و کیفر برای انسان‌ها گواهی می‌دهند.

«در آن روز روح - که موجودی برتر از فرشتگان است - و همه فرشتگان، خاضعانه در مقابل خدا به صف می‌ایستند» و به فرمان او، وظایف خود را در برابر مؤمنان و کافران انجام می‌دهند. در این هنگام، هیچ یک از آنها درباره کیفر کافران و پاداش مؤمنان «سخن نمی‌گویند و حق شفاعت ندارند، مگر آنکه خدایی که رحمت او شامل حال همگان است، به او اجازه شفاعت دهد. در این صورت هم آن فرشته به حق سخن می‌گوید» ﴿٣٨﴾ و تنها کسی را شفاعت می‌کند که بر اساس حکمت و عدالت خدا، شایسته شفاعت باشد.

آری! «روز رستاخیز، واقعیتی به تمام معنا حق است» و چنین روزی قطعاً تحقق می‌یابد و هر حکمی که در آن شود، بر اساس عدالت و حکمت است. پس «هر کس بخواهد در آن روز راهی به سوی بهره‌مندی از الطاف بی‌کران پروردگارش بیابد، باید عزم خود را جزم کند و از امروز در این مسیر تلاش نماید.» ﴿٣٩﴾

در پایان باید توجه داشت که روز رستاخیز بسیار نزدیک است و «ما (خداوند) به شما هشدار می‌دهیم که غذایی حتمی و قریب‌الوقوع در انتظار شماست. در آن روز آدمی جزای اعمالش را [به صورت بهشت یا جهنم] مشاهده می‌کند» و هنگامی که مؤمن در بهشت غرق سرور و شادی است، «کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم!» ﴿٤٠﴾ و ای کاش هرگز به دنیا نیامده بودم تا گناهانی را مرتکب شوم که امروز تاب تحمل عذاب آن را نداشته باشم!

جزء ۳۰

برای آنان «باغ‌هایی خرم و تاکستان‌هایی از انواع انگور» ﴿٣٢﴾ و همسرانی جوان و فرمانبردار که همه در اوج خوبی و زیبایی‌اند؛ ﴿٣٣﴾ «و جام‌هایی پر و لبریز از شراب بهشتی» ﴿٣٤﴾ وجود دارد، و لذت‌ها و نعمت‌های آنها هیچ گاه قطع نمی‌شود.

افزون بر این نعمت‌های مادی، نعمت‌های معنوی فراوانی نیز برای بهشتیان در نظر گرفته شده است. از جمله آنکه «آنان از هر سخن یا عملی که لغو و بی‌هوده باشد و انسان را از یاد خدا و عمل به وظایف عبودیت و بندگی غافل کند، دورند و هیچ کس سخن و اعتقاد دیگری را نادرست نمی‌شمارد و خاطر او را آزرده نمی‌کند.» ﴿٣٥﴾ در بهشت به اهل تقوا گفته می‌شود: همه «این پاداش‌ها از جانب پروردگار تو است و بخششی است که از روی حساب داده می‌شود» و متناسب با اعمال نیک و عقاید توحیدی تو است. ﴿٣٦﴾

کفتر سوم

جزای روز رستاخیز حکیمانه و حتمی است

با توجه به رابطه میان دنیا و آخرت، تحقق روز رستاخیز امری حق و هماهنگ با حکمت و تدبیر الهی است. همچنین هم عذاب سهمگین کافران و هم پاداش بزرگ مؤمنان؛ همه بر اساس عدالت و رحمت خداست. زیرا خدایی که عطایای بزرگ خود را به اهل تقوا می‌دهد، همان کسی است که «تدبیر کننده آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست می‌باشد» و پیش از آن، رحمت فراگیر خود را شامل حال همه انسان‌ها کرده، راه سعادت را به همگان نشان داده بود. آری، «او همان خدای مهربانی است که هیچ انسان با ناصافی به عدالت او اعتراض نمی‌کند.» ﴿٣٧﴾

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۝۱ وَالنَّشِيطَاتِ شَطَاطًا ۝۲ وَالسَّيِّحَاتِ سَبَعًا ۝۳ فَالْسَّيِّقَاتِ
 سَبَقًا ۝۴ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ۝۵ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۝۶ تَتَّبِعُهَا الرَّاكِبَةُ ۝۷ قُلُوبٌ
 يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۝۸ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ۝۹ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ
 ۝۱۰ أَيْنَا ذَاكُنَا عِظْمًا خَيْرَةً ۝۱۱

سوره نازعات

پاسخ به شبهات کافران پیرامون قدرت خدا در برپایی قیامت

معرفی سوره

به زودی زمانی فرا می‌رسد که گروهی از این فرشتگان، به فرمان خدا مأمور می‌شوند نظم کنونی جهان را بر هم زده، قیامت را برپا کنند. «در آن روز» فرشته‌ای به نام اسرافیل به فرمان خدا، در شیپور خود می‌دمد و «با بانگی بلند، جهان را به لرزه در می‌آورد» و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، می‌میزند ۶. «و از پی آن، بانگی دیگر برمی‌خیزد» و روز رستاخیز و زندگی جدید انسان‌ها آغاز می‌شود. ۷.

«در آن روز، کسانی که خود را برای مواجهه با این رخداد آماده نکرده‌اند، بسیار دل‌نگران و مضطرب هستند» ۸. این اضطراب به قدری شدید است که آثار آن در تمام وجودشان ظاهر می‌شود و «چشم‌های آنان از شدت ترس فرو می‌افتد» ۹. با آنکه چنین فرجام دلت‌باری در انتظار منکران قیامت است، اما آنان به جای آنکه خود را برای آن روز آماده کنند، با غرور و جهالت به انکار روز رستاخیز می‌پردازند و در این رابطه، چهار شبهه مطرح می‌کنند.

شبهه اول

چگونه استخوان‌های پوسیده زنده می‌شوند؟

یکی از شبهات منکران قیامت این است که «می‌گویند: آیا ممکن است که ما پس از مرگ، به حالت اول بازگردانده شده، دوباره زنده شویم؟» ۱۰. آن گاه برای آنکه محال بودن این امر را ثابت کنند، با حالت انکار می‌گویند: «آیا بهراستی آن گاه که چند استخوان پوسیده و توخالی گشتیم، دوباره زنده می‌شویم؟» ۱۱.

شبهه دوم

چه کسی می‌تواند قدرتمندان را خوار و ذلیل کند؟

سران ثروتمند و مغرور قریش باور نداشتند روزی فرا رسد که آنان با همه قدرت و ثروتشان به خاک ذلت بیفتند، از این رو وقوع چنین روزی را بعید و محال می‌شمردند.

سوره مبارکه نازعات از سوره‌های مکی قرآن است. کلمه «نازعات» به معنای از جای برکنیدن چیزی است و مراد از آن، فرشتگانی هستند که به هنگام صدور فرمان خدا، از جا کنده شده و برای انجام فرمان خدا، آماده حرکت می‌شوند.

سوره نازعات به چهار شبهه کافران درباره امکان برپایی روز رستاخیز پاسخ می‌دهد و با ارایه دلایل عقلی و شواهد تاریخی، نشان می‌دهد که خداوند قدرت مجازات آنان را دارد و نه پوسیده شدن استخوان‌های آنها مانع تحقق اراده الهی است، و نه قدرت و ثروت دنیوی آنان در برابر خواست خدا چیزی به حساب می‌آید.

مقدمه

فرشتگان خدا با یک فرمان، قیامت را برپا می‌کنند.

به نام خداوند بخشنده مهربان

خدای سبحان فرشتگانی دارد که همیشه آماده اجرای فرمان او می‌باشند و به محض آنکه خداوند به آنها دستور دهد که کافران را مجازات کنند و یا روز قیامت را برپا کنند، بی‌درنگ فرمان خدا را اجرا می‌کنند.

سوگند به این فرشتگان که وقتی به انجام امری موظف می‌شوند، «به سرعت و با جدیت از جا برمی‌خیزند» و آمادگی خود را برای انجام مأموریت اعلام می‌کنند. ۱.

آن گاه برای انجام مأموریتی که به آنها واگذار شده است، «از جایگاه خود خارج می‌شوند» ۲. «و به سرعت، برای اجرای فرمان الهی روانه می‌شوند» ۳.

این فرشتگان آن چنان برای اجرای فرمان الهی آماده و مشتاقند که «هر یک بر دیگری سبقت می‌گیرد» ۴.

و وقتی به محل مأموریت خود می‌رسند، «به خوبی فرمان خدا را انجام داده، امور مربوطه را تدبیر می‌کنند» ۵.

نازحات

پاسخ به شبهات کافران پیرامون قدرت خدا در برپایی قیامت

مقدمه:

فرشتگان خدا با یک فرمان، قیامت را برپا می کنند
(۹-۱)

پاسخ:

احیای مردگان برای خدا
هیچ کاری ندارد و تنها یک
فرمان است
(۱۴-۱۳)

شبهه اول:

چگونه استخوان های پوسیده
زنده می شوند؟
(۱۱-۱۰)

پاسخ:

کیفر قدرتمندان پس از
اتمام حجت، سنت دایمی
خداست، همان گونه
که فرعون کیفر شد
(۲۶-۱۵)

شبهه دوم:

چه کسی می تواند قدرتمندان
را خوار و ذلیل کند؟
(۱۲)

پاسخ:

برای خداوندی که آسمان و
زمین را آفریده، آفرینش
مجدد انسان ها کاری ندارد
(۳۳-۲۷)
با وقوع قیامت، کیفر کافران
و پاداش مؤمنان حتمی است
(۴۱-۳۴)

شبهه سوم:

چگونه جسم انسان بازسازی
می شود؟

پاسخ:

قیامت زودتر از آنچه فکر
می کنند واقع می شود
(۴۶-۴۳)

شبهه چهارم:

قیامت چه زمانی فرا می رسد؟
(۴۲)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ أَن تَرْكِبَ ﴿١٨﴾ وَاهْدِكِ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرْبَهُ الْآيَةِ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَارِكُمْ الْآخِلَى ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٢٦﴾ أَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَيْنَهُمَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمْعَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾

سوره نازعات

خداست و او هرگونه تصرفی را که بخواهد، می‌تواند در جهان انجام دهد. اما عکس‌العمل فرعون در برابر سخنان منطقی و معجزه غیر قابل انکار موسی این بود که «رسالت او را انکار کرد و از فرمان خدا سرپیچی نمود». ﴿٢١﴾ سپس از جا برخاست و با خشم و غضب، جلسه را ترک کرد «و به موسی و دعوت توحیدی او پشت کرد و برای مبارزه با او، تلاش گسترده‌ای را آغاز نمود». ﴿٢٢﴾ «فرعون همه مردم را جمع کرد و در میان آنها به سخنرانی پرداخت» ﴿٢٣﴾ و گفت: ای مردم! هیچ کس بدون اجازه من حق ندارد به موسی ایمان بیاورد، زیرا «من خدا و فرمانروای بزرگ شما هستم». ﴿٢٤﴾ بدین ترتیب با آنکه حجت بر فرعون تمام شده بود، اما او دست از کفر و حق‌ستیزی بر نداشت. از این رو «خداوند در دنیا و آخرت او را به عذابی خوارکننده و عبرت‌آموز دچار ساخت». ﴿٢٥﴾ «فرجام شوم فرعون درس عبرتی برای همه کسانی است که از عاقبت خود هراسان‌کنند». ﴿٢٦﴾ سرانجام ذلت بار فرعون نشان می‌دهد که قدرت و ثروت کافران، مانع عذاب آنها نیست و باید هشدارهای پیامبران را جدی گرفت و از انکار روز رستاقیز دست برداشت.

شبه سوم

چگونه جسم انسان بازسازی می‌شود؟

یکی از شبهات منکران معاد این است که چگونه ممکن است خداوند بدن متلاشی شده انسان را با همه جزئیات و اعضای گوناگونش دوباره بسازد و انسان را برای زندگی دیگری حیات بخشد؟ در پاسخ، باید به آنها گفت: «آیا آفرینش جسم شما دشوارتر است یا آفرینش آسمان پرستاره که خدا آن را به شکلی دقیق و بسیار پیچیده ساخته است؟» ﴿٢٧﴾ «خداوند سقف آسمان را بسیار بالا برده است» و آن‌قدر ستاره در آن قرار داده که هر چه انسان نگاه می‌کند، نمی‌تواند نهایت آن را درک کند. «سپس همه این ستارگان را سامان بخشیده، نظم شگفت انگیزی بر کیهان حاکم کرده است. ﴿٢٨﴾

جمله ۳۰

«آنان می‌گفتند: اگر قرار باشد بار دیگر زنده شویم و زندگی جدیدی را آغاز نماییم، در این صورت این بازگشت برای ما بسیار زیانبار خواهد بود». ﴿١٢﴾ و در آن روز ما باید خوار و ذلیل باشیم. از آنجا که هیچ کس نمی‌تواند ما را خوار کند، پس فرا رسیدن چنین روزی محال است.

اما پاسخ شبهه نخست منکران معاد این است که زنده کردن انسانی که استخوان‌های او پوسیده شده باشد، برای خدا هیچ کاری ندارد و «حیات دوباره انسان‌ها تنها با یک بانگ و فرمان است». ﴿١٣﴾ با این فرمان آسمانی، یکباره همه چیز تغییر می‌کند و «تاگهان، همه انسان‌ها در محضر خدا و در صحرای محشر حاضر می‌شوند». ﴿١٤﴾

اما برای آنکه به شبهه دوم کافران پاسخ داده شود و آنها متوجه شوند بالاخره روزی فرا می‌رسد که مخالفان خدا و پیامبر با همه قدرت و ثروتشان، به ذلت و خواری دچار می‌شوند، باید به داستان موسی و فرعون توجه نمود.

«ای پیامبر! آیا از داستان موسی اطلاع داری؟» ﴿١٥﴾ «این داستانی از زمانی شروع شد که پروردگار موسی او را در سرزمین مقدس طوی - که میان «مدین» و «مصر» قرار دارد - به‌سوی خود فرا خواند» و او را به رسالت برگزید. ﴿١٦﴾ سپس به او گفت: «به‌سوی فرعون برو که از حدود خود طغیان کرده، ادعای خدایی می‌کند و در زمین تباهی و فساد پدید آورده است. ﴿١٧﴾

او با این کار، هم خود را به هلاکت انداخته، هم مردم را گمراه نموده است. از این رو از سر دلسوزی و خیرخواهی «به او بگو: آیا می‌خواهی از گناه شرک و کفر پاک شوی؟» ﴿١٨﴾ «آیا می‌خواهی تو را به‌سوی پروردگارت - که تدبیر همه امور تو به دست اوست - راهنمایی کنم» تا با شناخت خداوند، به عظمت و بزرگی او و فقر و ناچیزی خود پی ببری و «از مخالفت با او بترسی؟» ﴿١٩﴾

برای آنکه فرعون به ربوبیت خدا و نقش او در جهان هستی ایمان بیاورد، «موسی بزرگ‌ترین معجزه‌ای را که خدا به او داده بود، به فرعون نشان داد» ﴿٢٠﴾ و در مقابل چشمان او، عصای خود را به اژدهای بزرگی تبدیل نمود تا او بداند تدبیر همه جهان به دست

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءً هَارًا وَمَرَعَهَا ﴿٣١﴾
وَالْحَبَالَ أَرْسَهَا ﴿٣٢﴾ مِّنْعًا لِّكُرُولِ النَّعِمِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتْ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾
وَمُرِزَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ رَّىٰ ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾
وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
أَيَّانَ تُرْسُهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَىٰ ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّنْ يَحْشَسُهَا ﴿٤٥﴾ كَانَتْهُمْ
يَوْمَ بَرُوزِهَا أَلَمَ يَلْبِسُوا لِالْأَعْيَةِ أَوْصَحَهَا ﴿٤٦﴾

تقسیم می‌شوند: «آن کس که سرکشی کرده، از مرز بندگی خدا خارج شده است» ﴿٣٢﴾ و «و زندگی پست دنیا را برگزیده» ﴿٣٨﴾ و برای به دست آوردن آن، هر گناه و فساد را مرتکب شده است، «به یقین دوزخ جایگاه اوست» ﴿٣٩﴾ در مقابل، «کسی که به جایگاه خدا در جهان توجه داشته، او را به عنوان مالک و تدبیر کننده هستی شناخته باشد و از مخالفت با خدا هراس داشته، نفس خود را از هوا و هوس باز داشته است،» ﴿٤٠﴾ «به یقین جایگاه چنین کسی بهشت است.» ﴿٤١﴾

شبه چهارم

قیامت چه زمانی فرا می‌رسد؟

ای پیامبر! اکنون که همه شبهات منکران پیرامون قدرت خدا در برپایی قیامت پاسخ داده شده، آنها به‌جای پذیرش حق، با حالت تمسخر و انکار «به تو می‌گویند: اگر به‌راستی قیامتی وجود دارد، دقیقاً بگو در چه زمانی این اتفاق رخ می‌دهد؟» ﴿٤٢﴾ ای پیامبر! در پاسخ به این بهانه‌جویی منکران قیامت، به سه نکته توجه نما: نخست آنکه «تو نمی‌توانی به این پرسش پاسخ دهی؛» ﴿٤٣﴾ زیرا تنها خدا می‌داند که قیامت چه زمانی برپا می‌شود و «زمام امر قیامت تنها به دست پروردگار تو است.» ﴿٤٤﴾

دوم آنکه وظیفه تو درباره قیامت این است که «کسانی را که از سلامت عقلی و روحی برخوردارند و با شنیدن اخبار دوزخ و بهشت، ترس و دلهره به جانشان می‌افتد، هشدار دهی و آنان را برای آن روز آماده کنی.» ﴿٤٥﴾

سوم آنکه عمر دنیا بسیار کوتاه است و قیامت زودتر از آنچه کافران تصور می‌کنند فرا می‌رسد. «زمانی که کافران لحظه برپایی قیامت را مشاهده می‌کنند، احساس می‌کنند گویی مدت توقف آنها در این جهان، چندساعتی بیش نبوده است و به اندازه لحظات غروب آفتاب یا طلوع آن، در این دنیا درنگ کرده‌اند.» ﴿٤٦﴾ پس بیش از آنکه به فکر تعیین زمان وقوع قیامت باشند، بهتر است به فکر آماده کردن خود برای آن روز باشند؛ زیرا فرصت آنها بسیار اندک است.

یکی از شگفتی‌های کیهان، نظام مبادله نور بین اجرام آسمانی است. خداوند تاریکی و ظلمت را بر آسمان حکمفرما کرده، نور مورد نیاز برخی سیاره‌ها مانند زمین را از ستاره‌های همجوار مانند خورشید تأمین می‌کند، به این ترتیب «از یک سو آسمان را بسیار تاریک آفرید و از سوی دیگر، نور را در آن گسترش داد.» ﴿٢٩﴾

خداوند سبحان پس از آفرینش آسمان، زمین را آفرید و برای آنکه زمین برای زندگی آماده شود، سالیان متمادی در آن باران باراند. سپس این آب‌ها را به‌تدریج تبخیر کرد و خشکی‌ها از زیر آب سر برآوردند و به این ترتیب، «خداوند خشکی‌های زمین را روز به روز گسترده‌تر کرد» تا به وضع فعلی در آمد. ﴿٣٠﴾

با فراگیر شدن خشکی‌ها و آماده شدن پوسته زمین، «خداوند چشمه‌های آب را با شکافتن زمین به سطح آن رساند و گیاهان بسیاری روی زمین رویانید.» ﴿٣١﴾

آن‌گاه برای آنکه پوسته زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی و تأثیر جاذبه جزر و مد ماه از بیرون حفظ کند و زمین را برای زندگی انسان آماده نماید، «کوه‌ها را در آن استوار نمود.» ﴿٣٢﴾ خداوند این همه را برای آن آفرید تا «شما انسان‌ها بتوانید از زمین، نیازهای زندگی خود و حیواناتتان را برآورده سازید.» ﴿٣٣﴾

خداوندی که برای تأمین نیازمندی‌های مادی و محدود انسان، آسمان و زمین را با این عظمت و با همه ریزه‌کاری‌های آن طراحی و ساماندهی کرده است، به‌راحتی قادر است جسم انسان را برای زندگی در سرای دیگر دوباره بسازد. پس بدون تردید چنین روزی فرا خواهد رسید، اما آن روز بسیار سخت خواهد بود؛ زیرا «هنگامی که آن حادثه هولناک در رسد» ﴿٣٤﴾ و این جهان مادی به سرانجام خود برسد، «انسان از خواب غفلت بیدار شده، اعمال نیک و بد خود را به یاد می‌آورد.» ﴿٣٥﴾

در این هنگام جهنم برای هر کس که توان دیدن دارد، آشکار می‌شود. ﴿٣٦﴾ و همگان از مؤمن و مجرم آن را مشاهده خواهند کرد و دیگر هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند.

با مشاهده جهنم و فرو افتادن پرده‌ها و حجاب‌ها، انسان‌ها به دو گروه

سُورَةُ عَبَسَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۱ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۲ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ بُرِّئَ ۳ أَوْ يَدَّكَرُ فَنَنْفَعَهُ ۴ الَّذِي كَرَى ۵ أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى ۶ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ۷ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَرْكَبَ ۸ وَآمَنْ جَاءَكَ يَسْعَى ۹ وَهُوَ يَخْشَى ۱۰ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ۱۱ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۱۲ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۱۳ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۱۴

سوره عبس

متکبرانی که خود را از خدا بی‌نیاز می‌دانند، سخت در اشتباهند

معرفی سوره

«یا از شنیدن سخنان حق متذکر شود و این تذکر به حال او مفید باشد؟» ۴

مشکل اصلی تو این است که خیال می‌کنی موفقیت و پیروزی دین خدا در گرو ایمان آوردن ثروتمندان و افراد صاحب نفوذ جامعه است. از این رو «به کسی که خود را از دین خدا بی‌نیاز می‌داند و به ثروت و قدرت خود می‌نازد» ۵ «بسیار توجه می‌کنی و برای او احترام زیادی قایل هستی» ۶

در حالی که هیچ گاه خدا از تو نخواسته که برای گسترش دینش، دست به دامان این افراد مغرور بشوی. از این رو «اگر آنها ایمان نیاورند و به دنبال پاکی و تقوا نروند، کسی بر تو خرده نمی‌گیرد» ۷ به‌خاطر همین طرز تفکر غلط است که تو برای ایمان آوردن افراد ضعیف و فقیر هیچ ارزشی قایل نیستی و «به کسی که با علاقه نزد تو می‌آید» ۸ «و خدا در نظر او بزرگ است و از مخالفت با خدا هراس دارد» ۹ «توجه نمی‌کنی» ۱۰

اگر مؤمنان می‌پندارند با حمایت ثروتمندان متکبر و ایمان آوردن آنها دین اسلام گسترش می‌یابد، سخت در اشتباهند؛ زیرا قرآن از چهار ویژگی مهم برخوردار است که قدرتمندان متکبر و کافر چه بخواهند و چه نخواهند، این کتاب آسمانی راه خود را در جوامع انسانی باز می‌کند.

یکم: معارف قرآن با عقل و فطرت انسان کاملاً سازگار است و «معارف آن یادآور آموزه‌های فطری است» ۱۱ از این رو «کسی که از عقل و فطرت سالم برخوردار باشد، به تعالیم قرآن روی می‌آورد» ۱۲

دوم: آیات قرآن همگی از سوی خداست و خداوند آنها را در الواحی نگاشته، به دست فرشتگان وحی، به پیامبر رسانده است. «محتوای این الواح، تعالیمی سعادت‌بخش است که با حقیقت سازگار و از هرگونه سخن سست و نادرستی میراست» ۱۳

سوره مبارکه عبس از سوره‌های مکی قرآن است که در سال‌های نخست بعثت پیامبر نازل شده است. «عبس» فعل ماضی و به معنای «رو ترش کرد» است. گروهی از انسان‌ها به‌خاطر برخورداری از نعمت‌های مادی یا قدرت اجتماعی یا علم و دانش، تصور می‌کنند به قدرت و جایگاهی رسیده‌اند که دیگر هیچ نیازی به خدا و بندگی او ندارند. سوره مبارکه عبس به همه کسانی که خود را از خدا بی‌نیاز دانسته، حاضر به بندگی او نیستند، اعلام می‌کند که سخت در اشتباهند و سرانجام این غرور و تکبر، خواری و ذلت در روز قیامت است. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

دین خدا نیازی به ثروتمندان متکبر ندارد

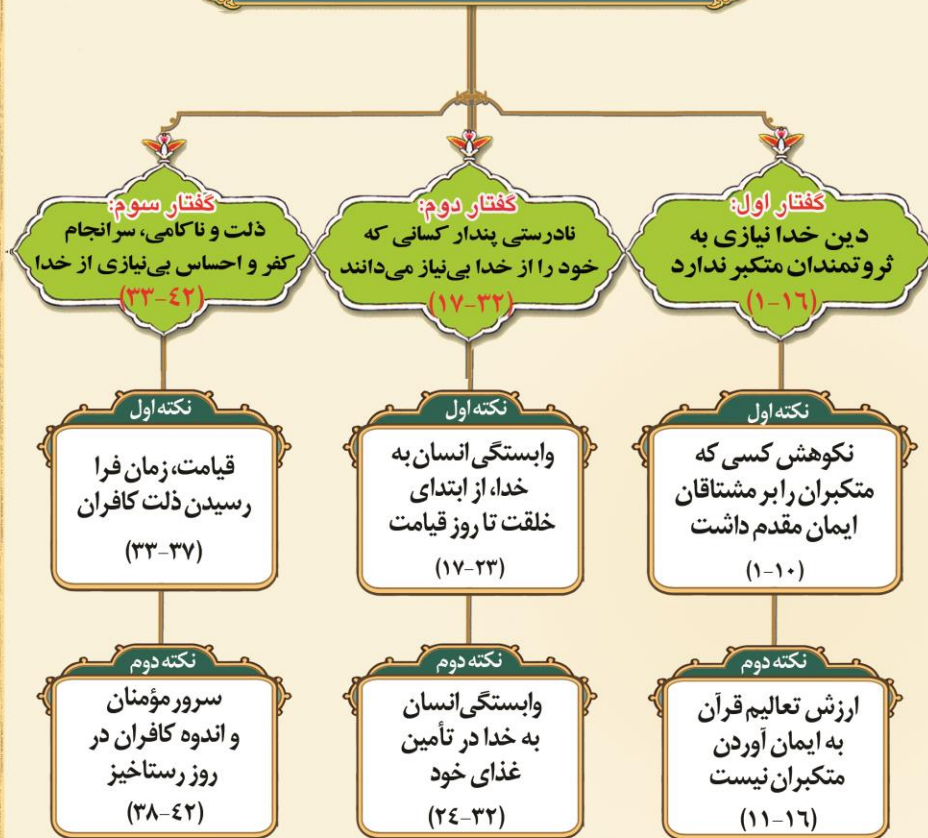
به نام خداوند بخشنده مهربان

روزی پیامبر در حال سخن گفتن با گروهی از سران قریش و دعوت آنها به اسلام بود. در این هنگام یکی از یاران نابینای پیامبر وارد شد و بدون توجه به حساسیت جلسه، سخنان پیامبر را به طور مکرر قطع کرد و از ایشان تقاضا نمود آیات جدیدی که نازل شده است را برای وی تلاوت کند. او با این کار خود، نظم جلسه را به هم ریخت و موجب شد مشرکان به تمسخر یاران پیامبر بپردازند. در این هنگام، یکی از اطرافیان پیامبر با انتقاد از رفتار این فرد نابینا، با حالتی اهانت آمیز نسبت به او بی‌توجهی کرده، «چهره خود را در هم کشید و از او روی برگرداند» ۱ او از این ناراحت بود که چرا در این شرایط حساس، «آن فرد نابینا به سراغ او آمده است» و با به هم زدن جلسه، امکان دعوت سران شرک را از بین برد. ۲

اما خداوند سبحان کسی را که به‌خاطر خوشایند سران مشرک مکه، به مسلمانی مخلص و مشتاق بی‌مهری کرده بود، به شدت مورد عتاب قرار داده، از او می‌پرسد: تو به چه حقی او را حقیر و کوچک دانستی؟ «تو چه می‌دانی، شاید او در جستجوی ایمان و پاکی و تقوا باشد؟» ۳

تکبر

متکبرانی که خود را از خدا بی‌نیاز می‌دانند، سخت در اشتباهند



﴿۱۳﴾ تَرَفُوعَهُ مُطَهَّرَةً ﴿۱۴﴾ يَآئِدِي سَفَرَهُ ﴿۱۵﴾ كَرَامَ بَرَرٍ ﴿۱۶﴾ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا أَكْفَرُهُ ﴿۱۷﴾ مِن أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿۱۸﴾ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ﴿۱۹﴾ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرُهُ ﴿۲۰﴾ ثُمَّ أَنَا هُوَ فَاقْفِرْهُ ﴿۲۱﴾ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشُرْهُ ﴿۲۲﴾ كَلَّا لَمَّا بَقِضَ مَا أَمَرَهُ ﴿۲۳﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿۲۴﴾ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿۲۵﴾ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ﴿۲۶﴾ فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿۲۷﴾ وَعَبَا وَقَضَّا ﴿۲۸﴾ وَزَيَّنَّاوَا نَخْلًا ﴿۲۹﴾ وَحَدَّيْنَاهُ عِلْبًا ﴿۳۰﴾ وَفَكَهْمَهُ وَأَبَا ﴿۳۱﴾ مَتَّعْنَاكُمْ وَلَآ تَعْمَلُكُمْ ﴿۳۲﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ ﴿۳۳﴾ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿۳۴﴾ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿۳۵﴾ وَصَحْبِهِ وَبَنِيهِ ﴿۳۶﴾ لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿۳۷﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿۳۸﴾ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿۳۹﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿۴۰﴾ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿۴۱﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿۴۲﴾

آری! «ما آب فراوانی از آسمان فرو ریختیم.» ﴿۲۵﴾ «سپس زمین را شکافتیم» ﴿۲۶﴾ و همه غذاهای مورد نیاز بدن انسان را از دل زمین بر آوردیم. از جمله «از زمین دانه‌های خوراکی مانند گندم و برنج روپانیدیم.» ﴿۲۷﴾ «همچنین انگور و سبزی بسیار» ﴿۲۸﴾ «و زیتون و نخل» ﴿۲۹﴾ «و باغ‌هایی با درختان تنومند» ﴿۳۰﴾ «و انواع میوه‌ها» را روپانیدیم. «حتی علف‌های مناسب برای حیوانات نیز به‌وجود آوردیم» ﴿۳۱﴾ تا به‌وسیله آنها، حیوانات پرورش یابند و انسان از گوشت آنها استفاده کند. خداوند همه این خوراکی‌ها را برای این آفریده است تا «نیاز شما و چهارپایان را برآورده سازد.» ﴿۳۲﴾ پس چرا خود را از او بی‌نیاز دانسته، به او کفر می‌ورزید؟

گفتار سوم

ذلت و ناکامی، سرانجام کفر و احساس بی‌نیازی از خدا

با فرا رسیدن روز رستاخیز، کافران متکبری که خود را از خدا بی‌نیاز دانسته، از بندگی خدا روی برمی‌تابند، متوجه می‌شوند که چقدر به خدا نیاز دارند و چگونه کفر و سرکشی، موجب ذلت و خواری آنها شده است. در آستانه قیامت، «صدایی بسیار کوبنده و هولناک بر می‌خیزد» ﴿۳۳﴾ و همه انسان‌ها را به صحرای محشر فرا می‌خواند. با برخاستن این صدا، انسان متوجه می‌شود که جز خدا، هیچ کس برای او سودی ندارد. از این رو «در آن روز، انسان از برادر خود فرار می‌کند» ﴿۳۴﴾ و همچنین «از مادر و پدرش» که به آنها عشق می‌ورزید. ﴿۳۵﴾ «و از همسر و فرزندان» که به شدت به آنها علاقمند بود نیز می‌گریزد. ﴿۳۶﴾ «در آن روز هر کس آن قدر به خود مشغول است که به دیگری نمی‌پردازد» و انسان فقط در این فکر است که با جلب رضایت خدا، خود را از ذلت و عذاب آن روز نجات دهد. ﴿۳۷﴾ در آن روز انسان‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه نخست مؤمنانی هستند که از کفر و گناه پرهیز کرده، به عبادت و بندگی خدا پرداخته بودند. آنان «در آن روز چهره‌های گشاده و نورانی دارند» ﴿۳۸﴾ و چون غرق در نعمت‌های بهشتی‌اند «خندان و مسرورند» ﴿۳۹﴾ گروه دوم کسانی هستند که تاریکی کفر و زشتی اعمالشان در چهره‌هایشان نمایان می‌گردد: گویی «بر چهره‌های آنان غبار غم و اندوه نشسته است» ﴿۴۰﴾ «و سیاهی و تاریکی، آنان را فرا گرفته است.» ﴿۴۱﴾ «اینان همان کسانی هستند که به خدا کفر ورزیده» «خیال می‌کردند هیچ نیازی به بندگی خدا ندارند و «گناهان بسیاری را مرتکب شدند» ﴿۴۲﴾

سوره عبس

جُود ۳۰

سوم: «خداوند معارف و الفاظ قرآن را بلندمرتبه و در حد اعجاز قرار داده است و آن را از دسترس ناهلان دور کرده، از هر سخن باطل و بیهودهای پاک نموده است.» ﴿۱۴﴾ چهارم: در این محتوای عالی و سعادت‌بخش، هیچ گونه تغییر و تحریفی به‌وجود نیامده است، زیرا «قرآن کریم به دست سفیرانی» ﴿۱۵﴾ «بزرگوار و نیکوکار که وظیفه خود را به درستی انجام می‌دهند، به پیامبر اکرم رسیده است.» ﴿۱۶﴾

گفتار دوم

نادرستی پندار کسانی که خود را از خدا بی‌نیاز می‌دانند

افرادی که با تکبر و غرور از بندگی خدا روی برمی‌تابند و خود را از خدا بی‌نیاز می‌دانند، افرادی بسیار نادان و ناسپاسند. به‌راستی «تقرین بر این انسان‌ها باد که چقدر کفر پیشه و ناسپاسند!» ﴿۱۷﴾ چنین فردی چرا به این حقیقت توجه نمی‌کند که انسان در همه مراحل زندگی به خدا نیازمند است. آیا «همی‌داند خداوند او را از چه چیزی آفرید» که این چنین مغرور است؟! ﴿۱۸﴾ خدا او را «از نطفه‌ای ناچیز و بی‌ارزش آفرید، سپس ویژگی‌های جسمانی و روحانی او را مقدر و مشخص نمود.» ﴿۱۹﴾ «آن‌گاه راه سعادت را به او نشان داد و با فرستادن انبیاء، پیمودن این راه را بر او آسان نمود.» ﴿۲۰﴾ پس از آنکه دوران زندگی‌اش به پایان رسید، «خداوند او را مقهور مرگ کرد و برای آنکه جسم او از گزند درندگان در امان باشد، برای او قبری آماده ساخت» و زمین را برای پذیرش بدن او آماده نمود. ﴿۲۱﴾ «سپس بنا بر مشیت حکیمانه‌اش، در زمان مناسب، او را دوباره زنده می‌کند و برای حسابرسی اعمال محشور خواهد کرد» ﴿۲۲﴾ با وجود آنکه انسان از پیش از تولد تا پس از مرگ نیازمند به خداست و خدا در همه حال تدبیر امور او به دست دارد، اما او حاضر نیست بندگی خدا را بپذیرد و باز هم به کفر و نافرمانی خود ادامه می‌دهد و «فرمان‌های خدا را به‌جا نمی‌آورد.» ﴿۲۳﴾ جلوه‌های دیگر از وابستگی انسان به خدا، در تأمین نیازهای خوراکی است. خداوند در چرخه‌ای گسترده و با نظمی شگفت، بسیاری از عوامل طبیعی را برای تأمین انواع خوراکی‌های مورد نیاز انسان هماهنگ کرده است، به گونه‌ای که اگر به یکی از عوامل مؤثر در این نظام لطمه‌ای وارد آید، انسان به‌کلی از تأمین غذای خود عاجز خواهد ماند. بنابراین اگر انسان می‌خواهد به لطف خدا و نیاز خود پی ببرد، «باید به غذای خویش بنگرد» که چگونه خداوند آن را فراهم می‌کند. ﴿۲۴﴾

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۝ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْعُشَّارُ
عُطِّلَتْ ۝ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝
وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُيِّتَتْ ۝ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُنِيتْ ۝ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ
كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ۝ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أُخْضِرَتْ ۝

سوره تکویر

مشاهده اعمال در روز قیامت

معرفی سوره

سوره تکویر در سال نخست بعثت بر رسول خدا نازل شده است. «تکویر» به معنای در هم پیچیدن است. در آیه نخست این سوره، سخن از در هم پیچیده شدن خورشید و از بین رفتن نور آن در آستانه قیامت است. هدف سوره مبارکه تکویر، اثبات حتمی بودن محاسبه اعمال است. این واقعیت با تأکید بر مشاهده اعمال در قیامت بیان می‌گردد. این سوره از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

قطعی بودن مشاهده اعمال در روز رستاخیز

به نام خداوند بخشنده مهربان

در روز قیامت همه انسان‌ها حقیقت اعمال خود را به‌صورت نعمت‌های بهشتی یا عذاب دوزخی مشاهده می‌کنند. پیش از آنکه چنین لحظه‌ای فرا رسد، دوازده حادثه رخ می‌دهد. شش حادثه نخست قبل از برپایی روز قیامت است. این حوادث که موجب فروپاشی نظام کنونی جهان مادی می‌گردد، به ترتیب عبارتند از:

۱. «طلقات خورشید در هم می‌پیچد و خورشید از بین می‌رود.» ۱
۲. با تاریک شدن خورشید، «سیارات منظمه شمسی که نور خود را از خورشید می‌گیرند نیز تیره و تار می‌شوند.» ۲
۳. سپس زمین که با نیروی جاذبه خورشید در مدار خاصی در حال حرکت بود، از مدار خود خارج می‌شود و آرامش و تعادل آن به‌هم می‌خورد و زلزله بزرگی در آن رخ می‌دهد و در اثر آن، «کوه‌ها از جا کنده شده، به حرکت در می‌آیند.» ۳
۴. وحشت آن روز به قدری است که هر انسانی نفیس‌ترین اموال خویش را فراموش می‌کند؛ آن گونه که بادیه‌نشینان «شترهای ده ماهه خود را رها می‌کنند.» ۴

۵. و «حیواناتی که در حال عادی از هم دور بودند و از یکدیگر می‌ترسیدند، از وحشت، گرد هم جمع می‌شوند.» ۵

۶. «و در آن هنگام، دریاها نیز برافروخته شده، طغیان می‌کنند» و آب سراسر زمین را فرا می‌گیرد. ۶

به این ترتیب، نظم کنونی جهان مادی به‌هم خورده، زمینه برپایی روز رستاخیز فراهم می‌شود.

پس از آن، شش حادثه دیگر به ترتیب زیر رخ می‌دهد تا انسان به مرحله مشاهده اعمال خود برسد.

۱. ابتدا «هر روحی به جسم خود باز می‌گردد» و مردگان حیات دوباره می‌یابند. ۷

۲. پس از آنکه انسان‌ها زنده شدند، به دادگاه عدل الهی فرا خوانده می‌شوند و به‌خاطر اعمال ناشایست و ظلم‌هایی که مرتکب شده بودند، محاکمه و مجازات می‌شوند. از جمله به گناه کسانی که دختران خود را زنده به گور می‌کردند، رسیدگی می‌شود و «از دختران زنده به گور شده سؤال شود» ۸ که «به کدامین گناه کشته شدند؟» ۹

۳. سپس «تمامه‌های اعمال گشوده می‌شود» و به حساب همگان رسیدگی می‌شود. ۱۰

۴. پس از آن، «پرده از روی آسمان ملکوت برگرفته شود» و همه مردم واقعیت‌های جهان دیگر را به عیان مشاهده می‌کنند. ۱۱

۵. با برافتادن پرده‌ها، مردم به راحتی بهشت و جهنم را می‌بینند و در این هنگام می‌بینند که «دوزخ برای پذیرش گناهکاران شعله‌ور می‌گردد» و حرارت و عذاب آن به بالاترین درجه ممکن می‌رسد. ۱۲

۶. از سوی دیگر، به احترام اهل ایمان، «بهشت را به‌سوی آنها می‌آورند.» ۱۳ وقتی کافران به سوی دوزخ رفتند و بهشت پذیرای اهل ایمان شد، در آنجا هر کس نتیجه اعمال خود را مشاهده می‌کند و «متوجه می‌شود که برای زندگی جاودانه خود چه چیزی را آماده کرده است.» ۱۴

تکویر

مشاهده اعمال در روز قیامت



فَلَا أَقْسِمُ بِالْخَنَاسِ ﴿١٥﴾ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقى الْمَيِّينِ ﴿٢٣﴾ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

کشاف دوم

حقانیت معارف قرآن درباره مشاهده اعمال

آنچه قرآن و پیامبر درباره مشاهده اعمال در روز قیامت می‌گویند، همگی حق و از جانب خداست، اما کافران این سخنان را باور نمی‌کنند و می‌گویند این مطالب ساخته ذهن خود پیامبر است و خدا بر هیچ انسانی، فرشته وحی را نازل نمی‌کند. اگر مخالفان قرآن و پیامبر به سه نکته توجه کنند، می‌فهمند که همه سخنان پیامبر و مطالب قرآن از جانب خداست و توسط فرشته وحی بر او نازل شده است.

نخست آنکه پدیده وحی مانند سایر ادراکات بشری نیست که همه مراحل آن برای انسان قابل درک باشد، بلکه مانند حرکت سیاره‌های سرگردان منظومه شمسی است. پنج سیاره زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد بر خلاف سایر اجرام آسمانی که در فاصله‌های منظم طلوع و غروب می‌کنند، دارای حرکات به ظاهر نامنظم هستند؛ یعنی مدتی سیر می‌کنند، بعد کمی برمی‌گردند، دوباره به سیر خود ادامه می‌دهند. از این جهت وضعیتی غیر عادی دارند. پس «سوگند به این اجرام آسمانی که در مسیر خود رفت و برگشت دارند» ﴿١٥﴾ «و یا آنکه همیشه در حال حرکتند، اما گاهی از دیده‌ها پنهان می‌شوند؛» ﴿١٦﴾ که پدیده وحی نیز چنین است و امری غیر عادی تلقی می‌شود و بخشی از مراحل آن برای انسان قابل درک نیست.

نکته دوم این است که نزول و ظهور معارف قرآنی تنها محدود به لحظه‌ای نیست که این مطالب از زبان پیامبر بیان شود، بلکه پیش از آن در مرحله‌ای که برای انسان‌های معمولی آشکار نیست، قرآن توسط فرشته وحی بر پیامبر خوانده می‌شود. از این جهت نزول قرآن مانند مراحل طلوع خورشید در سیه‌دهم است. طلوع خورشید از اواخر شب و هنگامی که هوا هنوز تاریک است، شروع می‌شود و هنگام صبح به تدریج نور آن آشکار می‌گردد. بنابراین دارای دو مرحله پنهان و آشکار است. پس «سوگند به شب، هنگامی که رو به آخر می‌رود» و مراحل نخست طلوع خورشید در آن آغاز می‌شود. ﴿١٧﴾ «و سوگند به صبح، هنگامی که می‌دمد» ﴿١٨﴾ و نور خورشید را آشکار می‌کند؛ که «این قرآن، سخن فرشته‌ای به نام جبرئیل است که فرستاده خداست و بسیار ارجمند و بزرگوار است.» قبل از آنکه سخنی بر زبان پیامبر جاری شود، همان مطالب توسط او به پیامبر القا می‌شود. ﴿١٩﴾ جبرئیل «دارای قوت و قدرت بسیار زیادی است» و امر رسالت خویش را با قاطعیت و توانایی

پیش می‌برد و «تزد خداوندی که صاحب عرش است و جهان را تدبیر می‌کند، دارای مقام و منزلت است.» ﴿٢٠﴾

مقام جبرئیل آن قدر بالاست که خداوند در عرش خود، اداره بخشی از عالم ملکوت را به او واگذار کرده است و «گروهی از ملائکه، فرمانبردار او هستند.» افزون بر همه اینها، «او فرشته امینی است» که در رساندن وحی، خیانت و دخل و تصرفی نمی‌کند. ﴿٢١﴾

سومین نکته‌ای که برای تبیین اصالت وحی و الهی بودن آیات قرآن باید به آن توجه نمود، این است که شخصی مانند پیامبر اکرم که به عقل و درایت شهرت دارد، به خدایی بودن آن گواهی می‌دهد. آری! هیچ تردیدی در این حقیقت نیست که «رسول خدا که سال‌ها با شما مردم مکه دوست و همنشین بوده است و کاملاً با عقل و درایت او آشنا هستید، مبتلا به جنون نیست» ﴿٢٢﴾ و آنچه بر زبان می‌آورد مطابق عقل و منطق است.

بنابراین باید سخن او را بپذیرید و وقتی می‌گوید فرشته وحی را دیده است، بدانید که راست می‌گوید و «واقعاً فرشته وحی را در آن افق روشن [و عالم ملکوت که جایگاه فرشتگان است] مشاهده کرده است.» ﴿٢٣﴾ از مقدمات گفته شده دو نتیجه به دست می‌آید: نخست آنکه مطالبی که پیامبر درباره معاد و سایر حقایق دینی بیان می‌کند، بدون هیچ کم و کاستی از جبرئیل گرفته است و «او در ابلاغ پیام‌های غیبی کوتاهی نکرده است.» ﴿٢٤﴾

نتیجه دوم اینکه اگر پیامبر می‌فرماید آنچه دیده، فرشته وحی بوده و هیچ ارتباطی با اجنه و شیاطین ندارد، و هیچ یک از تعالیم خود را از آنان نگرفته است، واقعاً چنین است و «آیات قرآن، سخن شیاطین رانده شده از درگاه خدا نیست.» آری! با این همه دلایل روشن، به راستی شما با انکار اصالت قرآن به دنبال چه هستید و «به کجا می‌روید؟» ﴿٢٦﴾ قرآن کریم نه تنها دارای اصالت است و همه مطالب آن از سوی خداست، بلکه سخنی است که بر پایه عقل و فطرت آدمی و «برای هدایت و راهنمایی همه جهانیان نازل شده است.» ﴿٢٧﴾

اما از میان شما انسان‌ها «تنها کسی می‌تواند از هدایت قرآن بهره‌مند شود که در زندگی خود به دنبال راهی استوار و درست باشد» و سعادت خود را در زندگی پاک و دور از انحرافات و مفاسد فردی و اجتماعی جستجو کند. ﴿٢٨﴾ البته باید توجه داشت که گرایش انسان به سوی درستکاری و تقوا نیز خود موهبتی الهی است «و شما به دنبال کمالات و پیمودن راه مستقیم نخواهید رفت، مگر آنکه خدایی که پروردگار جهانیان است بخواهد.» و اگر انسان به خوبی‌ها گرایش دارد، برای این است که خداوند میل به کمالات و زیبایی‌ها را در نهاد او قرار داده است. ﴿٢٩﴾

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَرَتْ ۝ وَإِذَا الْآلِهَةُ فُجِرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ
بُعِثَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝ يَأْتِيهَا الْإِنْسُنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ
۝ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوِّكَ فَعَدَلَكَ ۝

سوره انفطار

حسابرسی دقیق اعمال در روز قیامت

معرفی سوره

سوره انفطار از سوره‌های مکی قرآن است. «انفطار» در لغت به معنای ایجاد تحول در چیزی است، به گونه‌ای که حالت اولیه‌اش را از دست بدهد و حالت جدیدی پیدا کند.

سوره انفطار به این حقیقت مهم اشاره می‌کند که در روز رستاخیز، حسابرسی اعمال با دقت بسیار زیادی انجام می‌شود، به گونه‌ای که کوچک‌ترین اعمال انسان نیز محاسبه می‌گردد، حتی عملی که پس از مرگ انسان نیز تأثیر اندکی در هدایت و گمراهی دیگران داشته است در پرونده اعمال او ثبت شده، به حساب آن رسیدگی می‌شود. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

آگاهی انسان از حساب دقیق همه اعمال در آخرت

به نام خداوند بخشنده مهربان

به زودی، زمانی فرا می‌رسد که انسان از نتیجه همه اعمالی که انجام داده، باخبر می‌شود. این اتفاق در زمانی واقع می‌شود که نظام کیهانی و به ویژه نظام موجود در منظومه شمسی به هم ریخته، «نظام آسمان دگرگون می‌شود.» ۱

در اثر این حادثه، «ستارگان و سیارات از مدار خود خارج شده، هر یک به سویی پراکنده می‌شوند.» ۲

از جمله زمین نیز از مدار خود خارج می‌شود و زلزله‌ای سهمگین در آن پدید می‌آید. در اثر این زلزله، «دریاها طغیان می‌کنند و همه خشکی‌ها را فرا می‌گیرند.» ۳ در نتیجه هیچ انسانی در زمین زنده نمی‌ماند و به این ترتیب، دنیا به سرانجام خود می‌رسد.

پس از فرو پاشیدن نظم عالم، جهان دیگری با نظم نوین برپا می‌شود. «در این هنگام، قبرها زیر و رو می‌شود» و هر که در قبر قرار دارد، زنده شده، به دادگاه عدل الهی فرا خوانده می‌شود. ۴

گفتار دوم

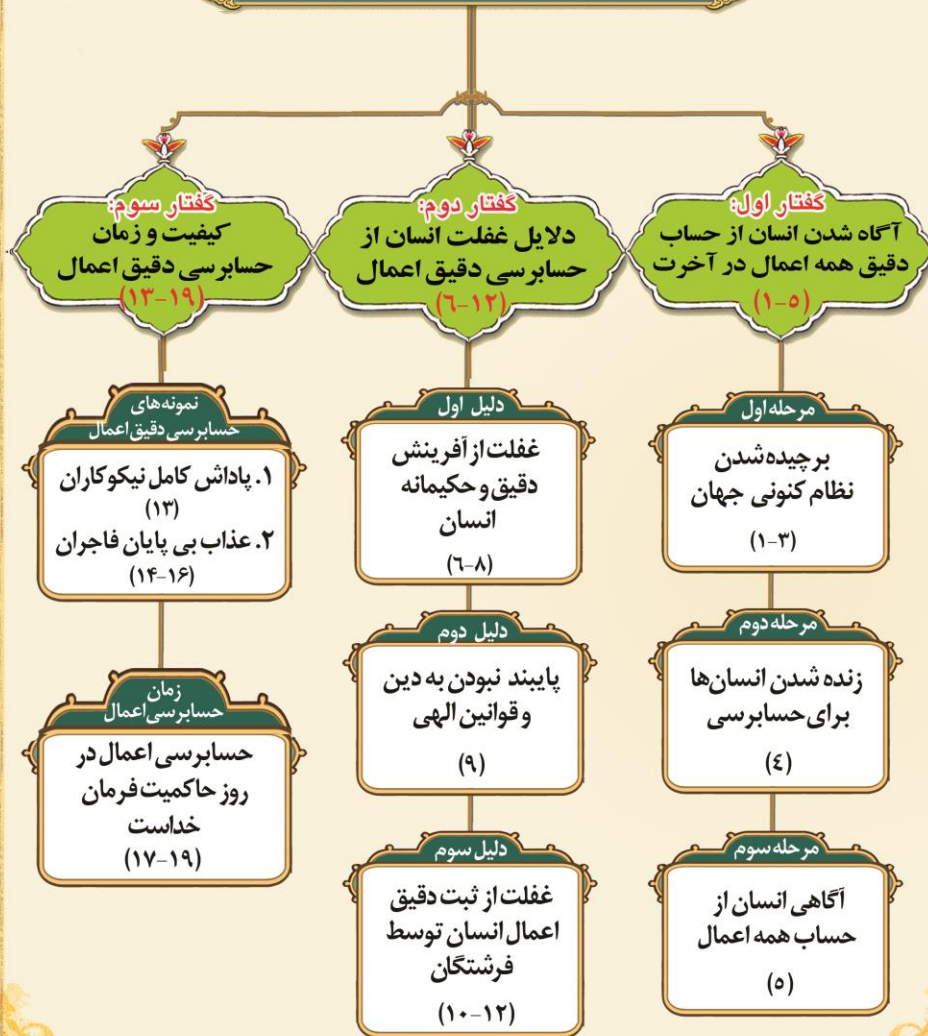
دلایل غفلت انسان از حسابرسی دقیق اعمال

فرا رسیدن روزی که انسان نتیجه همه اعمال خود را مشاهده کند و در برابر دادگاه عدل الهی پاسخگو باشد، امری است که هر وجدان آگاه و بیداری بدان اعتراف می‌کند. اما برخی از انسان‌ها از پذیرفتن آن سر باز می‌زنند. دلایل انکار این امر مهم سه چیز است. نخست آنکه انسان به دقت خارق‌العاده‌ای که در آفرینش او به کار رفته است توجه نمی‌کند. اگر به این امر توجه کند، به این حقیقت اعتراف می‌کند که خدایی که این همه دقت و حکمت را در آفرینش انسان به کار برده است، توانایی آن را هم دارد تا شرایطی فراهم کند که دقیق‌ترین و جزئی‌ترین اعمال انسان ثبت و ضبط شود. از این رو باید از کسانی که روز قیامت و حسابرسی دقیق آن را انکار می‌کنند، سؤال کرد: «ای انسان! چه چیز باعث شده که از آفرینش و تدبیر خدایی که با کرامت و بزرگواری همه شئون وجودی تو را تدبیر کرده است، غافل بمانی؟» و با جسارت، قدرت او را بر محاسبه و ثبت اعمال خود انکار کنی؟ ۵

«خداوند همان کسی است که تو را از هیچ آفرید و هنگام آفرینش هر عضو، دقیق‌ترین و ظریف‌ترین نکات را رعایت کرد و اعضای بدن را در بهترین شکل ممکن سامان داد، آن گاه اعضای بدن را با هم هماهنگ کرد و تو را موجودی متعادل قرار داد.» برای نمونه، شکل و اندازه دست و پاها و حرکات آنها را با هم هماهنگ کرد تا انسان بتواند به‌طور متعادل راه برود. ۶

انفطار

حسابرسی دقیق اعمال انسان در روز قیامت



فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾
 كِرَامًا كُنِينٍ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي حِمِيمٍ ﴿١٤﴾
 يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الذِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الذِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ
 مَا يَوْمُ الذِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

سوره انفطار

آخرت، هر کس به طور کامل به پاداش یا کیفر اعمال خود می‌رسد. در نتیجه «افراد نیکوکاری که وظیفه خود را در برابر خدا به درستی انجام داده‌اند، در بهشتی پر از نعمت جای می‌گیرند.» ﴿۱۳﴾ «و کسانی که پرده حیا را دریده، از برنامه و مقررات خدا تجاوز کرده‌اند و به فسق و طغیان گراییده‌اند، به کیفر اعمال پلیدشان، در بخشی از دوزخ که حرارت و عذاب آن بسیار زیاد است، گرفتار می‌شوند.» ﴿۱۴﴾

«آنان در روزی که همه در برابر دین و فرمان خدا تسلیم می‌شوند، وارد دوزخ می‌شوند.» ﴿۱۵﴾ و پس از آن، «دیگر هرگز از آن خارج نمی‌شوند.» ﴿۱۶﴾

روزی که همه در برابر دین و فرمان خدا تسلیم می‌شوند، روز قانون خدا نام دارد. این روز بسیار مهم و هولناک است. «نه تو و نه هیچ کس دیگر نمی‌داند که روز قانون خدا چقدر مهم و بزرگ است!» ﴿۱۷﴾ آری، ابعاد حوادث هولناک قیامت آن قدر گسترده و عظیم است که با هیچ بیانی قابل توصیف نیست و «نه تو و نه هیچ کس دیگر نمی‌داند که روز قانون خدا چقدر مهم و بزرگ است!» ﴿۱۸﴾ «آن روز، همان روزی است که روابط حاکم میان انسان‌ها از بین می‌رود و دیگر هیچ کس توانایی انجام کاری برای دیگری ندارد.» در آن روز همه امور به‌دست خداست «و تنها فرمان و اراده خدا اجرا می‌شود.» ﴿۱۹﴾

آری! همان خدایی که هنگام آفرینش شما آن دقت و ظرافت را به کار برد و همان خدایی که فرشتگانی را برای ثبت دقیق‌تر اعمال شما مأمور کرد، همان خدا در روز رستاخیز حاکم بلامنازع است و بر اساس فرمان او، کوچک‌ترین اعمال انسان محاسبه شده، با رعایت عدالت کامل، هر کس به جزای اعمالش می‌رسد.

افزون بر این، «خداوند همه اعضای تو را در یک دستگاه بزرگ‌تر به نام بدن هماهنگ کرده، آنها را صورت‌بندی نموده است و شکل نهایی تو را آن گونه که اراده کرده بود، پدید آورد.» ﴿۸﴾ اکنون با توجه به قدرت و دقت خدا در آفرینش انسان، از مرکب غرور و غفلت پایین بیا و به توانایی خدا در ثبت اعمال و نیت انسان اعتراف کن.

ارتکاب گناهان و مقید نبودن به دستورات دینی، دومین عامل انکار حسابرسی دقیق اعمال در روز جزاست. زیرا پذیرش چنین امری به معنای اعتراف به نادرستی همه اعمال و رفتارهایی است که شخص گناهکار بدان‌ها خو گرفته است. با توجه به این حقیقت مهم، باید به کسانی که روز جزا را انکار می‌کنند گفت: «مشکل اصلی شما این است که دین خدا را قبول ندارید» و به آن عمل نمی‌کنید. ﴿۹﴾ سومین دلیل انکار حسابرسی دقیق روز حساب این است که برخی نزد خود می‌گویند: چه کسی می‌تواند این همه اعمال ریز و درشت و حتی حالات درونی و نیت قلبی میلیاردها انسان را در طول هزاران سال ثبت و ضبط کند و به حساب همه رسیدگی کند؟ در پاسخ به این شبهه باید گفت: «فرشتگانی از سوی خدا مراقب اعمال شما هستند.» ﴿۱۰﴾

«این فرشتگان که در کار خود بسیار دقیق و امین هستند، اعمال شما را می‌نگارند.» ﴿۱۱﴾ و «به همه اعمال شما آگاه هستند» و هیچ عملی را از قلم نمی‌اندازند. ﴿۱۲﴾

گفتار سوم کیفیت و زمان حسابرسی دقیق اعمال

نتیجه ثبت دقیق اعمال و حسابرسی به آنها این است که در سرای

سُورَةُ الْمَطْفِفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَذْرِكَ مَا سِجِّينَ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيَلَّيْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدِلٍ أَمِينٍ ﴿١٢﴾ إِذَا نُتِلَّى عَلَيْهِ الْأَنْبَاءُ أَلَّا سَاطِرًا أَلَّوِينَ ﴿١٣﴾

سوره مطففین

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق مادی و معنوی دیگران

معرفی سوره

سوره مطففین آخرین سوره‌ای است که در مکه نازل شده است. «مطفف» به معنای کم‌فروش است و به کسی می‌گویند که هنگام فروش کالا، حقوق خریدار را رعایت نمی‌کند. سوره مطففین در آخرین روزهای حضور پیامبر در مکه نازل شده است. در این ایام، مشرکان مکه و سران قریش که خود را در اوج قدرت می‌دیدند، از هیچ اقدامی برای مبارزه با اسلام و تحقیر مسلمانان کوتاهی نمی‌کردند و می‌پنداشتند که همیشه برتری خود را حفظ خواهند کرد و هیچ‌گاه در برابر خدا پاسخگو نخواهند بود. به همین دلیل، حقوق انسان‌ها را پایمال کرده، احکام و قوانین الهی را نادیده می‌گرفتند. از جمله هنگام تجارت، کم‌فروشی می‌کردند و مسلمانان را آزار و اذیت نموده، آنها را تمسخر می‌کردند.

سوره مطففین با برشمردن خصلت‌های زشت کافران در نادیده گرفتن حقوق مادی و معنوی دیگران، ریشه رفتار آنها را بی‌توجهی و عدم اعتقاد به روز قیامت می‌داند و با تأکید بر اینکه سنت قطعی خداوند، کيفر نمودن گناهکاران و پاداش دادن به ابرار و نیکان است، آنان را از ادامه رفتارهای زشت خود برحذر می‌دارد. سوره مطففین از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق مادی دیگران

به نام خداوند بخشنده مهربان

یکی از رفتارهای زشت اجتماعی که باعث به هم خوردن تعادل جامعه می‌شود، کم‌فروشی و رعایت نکردن حقوق دیگران در فعالیت‌های اقتصادی است. کم‌فروشان مورد خشم و غضب خدا هستند و خداوند درباره آنها می‌فرماید: «فَرِینَ» عذاب بر کم‌فروشان باد که از پیمان‌ها و ترازو می‌کاهند! ^۱ کم‌فروشان «افرادى هستند که زمان خریدن کالا از مردم، آن را به‌طور کامل و دقیق حساب می‌کنند» ^۲

«و هنگام فروختن به مردم، از گوشه و کنار آن می‌زنند و کالا را به صورت ناقص و کمتر از وزن واقعی به مردم می‌فروشند.» ^۳ اگر آنان به روز رستخیز ایمان داشتند، هرگز چنین ستمی را روا نمی‌داشتند. «آیا به‌راستی آنان نمی‌دانند که برای محاسبه اعمالشان برانگیخته می‌شوند؟» ^۴ «این امر در روزی واقع می‌شود که بسیار بزرگ و مهم است.» ^۵ «در آن روز، همه انسان‌ها برای پاسخگویی به اعمالشان در برابر پروردگار جهانیان قرار می‌گیرند.» ^۶ ممکن است کم‌فروشان ستمکار فرا رسیدن چنین روزی را انکار کنند یا کاملاً به آن بی‌توجه باشند، اما آنها سخت در اشتباهند و «باید بدانند که سرنوشت قطعی گناهکارانی که از مسیر بندگی خدا خارج شده‌اند، این است که در «سجین» قرار گیرند.» ^۷ «سجین» زندانی بسیار تنگ و پست است که رهایی از آن میسر نیست و «کسی چه می‌داند که عذاب سجین چقدر بزرگ است؟» ^۸ «سجین سرنوشت حتمی و تخلص‌ناپذیر همه گناهکاران فاجر است.» ^۹ وقتی وقوع چنین عذابی حتمی است، بدون شک اگر کسی آن را تکذیب نماید و خود را برای مواجهه با آن آماده نکند، در هنگام وقوع آن حادثه، با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد. پس «وای بر تکذیب کنندگان!» ^{۱۰} «همان کسانی که روز کيفر و پاداش را دروغ انگاشته، خود را برای آن روز آماده نکرده‌اند.» ^{۱۱} علت انکار روز جزا این نیست که دلایل و استدلال‌های مربوط به معاد آنها را قانع نکرده است، بلکه مشکل اصلی این است که آنان به گناه و تجاوز به حقوق دیگران عادت کرده‌اند و گناه، شیوه عادی زندگی‌شان شده است. آری! «تنها افراد تجاوزکار و گناه‌پیشه، روز رستخیز را انکار می‌کنند.» ^{۱۲} به همین دلیل نه تنها روز جزا، بلکه آیات الهی را نیز انکار می‌کنند و هنگامی که آیات قرآن بر آنها تلاوت شود، می‌گویند: اینها افسانه‌هایی است که پیشینیان ساخته و پرداخته‌اند و واقعیت ندارند.» ^{۱۳}

مطافین

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق مادی و معنوی دیگران

گفتار دوم:

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق معنوی دیگران
(مانند تمسخر و اهانت به دیگران)
(۲۹-۳۶)

نکته اول

نمونه‌هایی از برخورد اهانت‌آمیز با مؤمنان
(۲۹-۳۳)

نکته دوم

برتری مؤمنان بر کافران در قیامت
(۳۴-۳۶)

گفتار اول:

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق مادی دیگران
(مانند کم‌فروشی)
(۱-۲۸)

نکته اول

عدم اعتقاد به روز قیامت، منشأ رفتار ظالمانه کم‌فروشان
(۱-۶)

نکته دوم

نادرستی عقیده منکران روز قیامت
۱. حتمی بودن عذاب گناهکاران (به علت تکذیب معاد و قرآن) (۷-۱۷)
۲. حتمی بودن پاداش نیکان و توصیف نعمت‌های بهشتی آنان (۱۸-۲۸)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُورُونَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُونَ ﴿١٨﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْآبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّيْنَ ﴿١٩﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿٢٠﴾ كِتَابٌ مَرْفُوعٌ ﴿٢١﴾ يَشْهَدُهُ الْمُرْفُوعُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الْآبْرَارِ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٣﴾ عَلَى الْأَرَاكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٤﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٥﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْحُومٍ ﴿٢٦﴾ خَتَمَهُمْ مِنْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٧﴾ وَمِنْ أَرْجَائِهِمْ تَسْنِيمٌ ﴿٢٨﴾ عَيْنَايَا شَرِبَ بِهَا الْمُعْمَرُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٣٠﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣٢﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَصَالُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا أَزْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٤﴾ تَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٥﴾

تفسیر دوم

تأثیر تکذیب روز جزا در نادیده گرفتن حقوق معنوی دیگران

افراد گناهکار و کافری که به روز رستخیز ایمان ندارند، نه تنها حقوق مادی دیگران، بلکه شخصیت انسانی آنان را نیز رعایت نمی‌کنند. از جمله به کسانی که با آنان هم عقیده نیستند، اهانت کرده و در برخورد با آنان، چهار رفتار زشت را از خود نشان می‌دهند.

نخست آنکه «این افراد گناهکار و بی‌ایمان، پیوسته از مقایسه خود با اهل ایمان بر خود می‌بالند و خود را برتر از آنها دانسته، در دل به آنان می‌خندند.» ﴿۲۹﴾ دوم آنکه «هنگامی که بر گروهی از مؤمنان می‌گذشتند با اشاره چشم و ابرو، آنان را مسخره می‌کردند.» ﴿۳۰﴾ آنان از این عمل زشت و ناهنجار خود نه تنها احساس شرم و ناراحتی نمی‌کردند، بلکه «وقتی نزد خانواده و دوستان خود می‌رفتند، با افتخار و سرور از آن یاد می‌کردند و از اینکه مؤمنان را مسخره کرده بودند، خوشحال بودند.» ﴿۳۱﴾

کافران به این مقدار هم بسنده نمی‌کردند، بلکه «هر جا مؤمنان را می‌دیدند، با سروسدا و جار و جنجال اعلام می‌کردند که اینها گمراه و منحرفند.» ﴿۳۲﴾ آنان آن‌چنان با شدت و حرارت به دنبال آزار و اذیت مؤمنان بودند که گویی کسی به آنها مسؤولیت داده، به آنها گفته است کاملاً مراقب مسلمانان باشند که مبادا گمراه شوند؛ «در حالی که هیچ مسؤولیتی در برابر هدایت و گمراهی مؤمنان به آنان داده نشده است.» ﴿۳۳﴾ بنابراین هیچ شکی باقی نمی‌ماند که دلیل این همه آزار و اذیت، چیزی جز خودخواهی و پیروی از هوای نفس نیست.

کسانی که مؤمنان را تمسخر می‌کنند، باید بدانند سنت خداوند چنین است که هر گناهی، کفیری همانند خودش دارد. از این‌رو همان گونه که امروز کافران خود را برتر از مؤمنان دانسته، در دل به آنها می‌خندند، بالاخره روزی فرا می‌رسد که مؤمنان به‌خاطر برخورداری از نعمت‌های بهشتی، در مقابل کافران مسرور و خوشحال خواهند بود. «در چنین روزی مؤمنان به کافران می‌خندند.» ﴿۳۴﴾ «این در حالی است که مؤمنان بر تخت‌های آراسته تکیه زده، کافران و عذاب آنها را نگاه می‌کنند.» ﴿۳۵﴾

در آن روز همگان متوجه می‌شوند که «یا کافران کاملاً به سزای اعمال خود رسیده‌اند» یا به حال خود رها شده‌اند؟ ﴿۳۶﴾ به این ترتیب، کافران نتیجه اعمال خود را مشاهده می‌کنند و به‌سختی مجازات می‌شوند.

علت به زبان آوردن این سخنان یاوه نیز این است که «آثار گناهان موجب تیره شدن دل‌هایشان شده است.» به همین دلیل بدیهی‌ترین حقایق را منکر شده، ابتدایی‌ترین ارزش‌های انسانی را زیر پا می‌گذارند. ﴿۱۴﴾

در نتیجه از هدایت در پرتو آیات قرآن محروم مانده‌اند و «در آخرت نیز از درک رحمت خاص الهی که همان بهشت است، محرومند.» ﴿۱۵﴾ و به‌جای بهشت، «وارد آتش دوزخ می‌شوند.» ﴿۱۶﴾ و در آنجا «به آنها گفته می‌شود: این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید.» ﴿۱۷﴾ این سرانجام گناهکاران است، «اما سرنوشت نیکان این است که در «علیون» قرار گیرند.» ﴿۱۸﴾ «علیون» بالاترین مراتب قرب به خداست و به‌راستی «کسی چه می‌داند که علیون چه مقام ارزشمندی است؟» ﴿۱۹﴾ اما هر چه هست، «قرار گرفتن نیکان در این مقام، امری حتمی و مشخص شده است.» ﴿۲۰﴾

نشانه حتمی بودن آن این است که از هم‌اکنون «کسانی که از مقربان درگاه الهی هستند [مانند پیامبر و اولیاء الله]، می‌توانند این مقام را مشاهده کنند.» ﴿۲۱﴾ «در این مقام، نیکان از نعمت‌های مادی و معنوی بسیاری برخوردارند.» ﴿۲۲﴾

از جمله آنکه با آرامش و آسایش کامل «بر تخت‌های بهشتی تکیه زده، نظاره‌گر زیبایی و خرمی نعمت‌های بهشت می‌شوند.» ﴿۲۳﴾ آنان از دیدن این همه نعمت بهشتی و الطاف ربوبی، آن‌چنان شادمان و مسرور می‌شوند که به‌راستی «می‌توانی طراوت و خرمی و نشاط نعمت را در چهره آنها ببینی.» ﴿۲۴﴾

افزون بر این، آنان «از شرابی بسیار زلال و خالص بهره‌مند می‌شوند» و با سیراب شدن از شراب ناب بهشتی، به اوج لذت و بهجت می‌رسند. ﴿۲۵﴾ نشانه خلوص شراب بهشتی این است که «آنچه در ظرف شراب آنها ته‌نشین می‌گردد - که باید ناخالص‌ترین قسمت شراب باشد از مشک است» که خود در اوج خوش‌طعمی و خلوص است. و به‌راستی انسان‌ها به‌جای آنکه برای دستیابی به نعمت‌های زودگذر و فانی دنیا حرص بزنند و به مکر و کم‌فروشی بپردازند، «باید با بندگی خدا، برای رسیدن به چنین نعمت‌هایی، از هم سبقت بگیرند.» ﴿۲۶﴾

به‌ویژه که «این شراب با آب چشمه تسنیم آمیخته شده است.» ﴿۲۷﴾ تسنیم چشمه‌ای بهشتی است «که فقط مقربان درگاه الهی، یعنی انبیا و اولیاء الله از آن می‌نوشند.» ﴿۲۸﴾ ابرار با نوشیدن اندکی از آن، از مقام خود بالا رفته و به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

سُورَةُ الْأَنْشِقَاقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ۝ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ۝ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ يَتَأَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدًّا ۖ فَمَا مَنِ أَوْفَىٰ كِتَابِهِ بِمِثْلِهِ ۖ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا سَعِيرًا ۝ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ وَأَمَّا مَنْ أَوْفَىٰ كِتَابِهِ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۖ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا ۝ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝

سوره انشقاق

ملاقات با خدا، آخرین مرحله زندگی انسان

معرفی سوره

سوره انشقاق از سوره‌های مکی قرآن است. «انشقاق» به معنای دوتکه شدن و ایجاد شکاف در چیز سخت است. هدف سوره انشقاق، بیان این مسئله مهم است که زندگی انسان محدود به دنیا نیست و او در آخرین مرحله زندگی خود، باید به دیدار خدا بشتابد و پاسخگوی اعمال خود باشد. سوره انشقاق از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

حتمی بودن ملاقات انسان با خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوند برای هر موجودی آغاز و پایانی قرار داده است و هر پدیده‌ای باید طبق قوانین الهی، سیر طبیعی خود را از ابتدا تا انتها طی کند. این قانون در همه هستی جاری است. بر این اساس، ستارگان آسمان و سیاره زمین که میلیاردها سال پیش به وجود آمدند، روزی به سرانجام خود می‌رسند.

در آستانه قیامت روزی فرا می‌رسد «که نظم آسمان به هم می‌خورد» و منظومه شمسی از کهکشان راه شیری جدا می‌شود. ﴿۱﴾

هنگامی که ستارگان آسمان یکی پس از دیگری از بین می‌روند، در حقیقت «فرمان تکوینی پروردگارشان را اجرا می‌کنند و باید چنین کنند؛ ﴿۲﴾ زیرا قانونی را که خدا برای جهان هستی وضع کرده است، تخلف ناپذیر است.

پس از جدا شدن منظومه شمسی از کهکشان و خاموش شدن خورشید، نوبت به زمین می‌رسد. در این هنگام نیروی جاذبه‌ای که زمین را در مدار خود نگه داشته بود، از بین می‌رود «و زمین به‌سوی کشیده می‌شود». ﴿۳﴾

این امر موجب می‌گردد که آرامش زمین به هم خورده، دچار لرزش‌های شدید گردد، در نتیجه «زمین مواد داخلی خود را از هر سو بیرون می‌ریزد و از درون تهی می‌گردد». ﴿۴﴾

در این جریان، زمین نیز مانند آسمان مطیع امر پروردگار است و از قانون خدا پیروی می‌کند. آری، «زمین فرمان پروردگار را اجرا می‌کند و باید چنین کند». ﴿۵﴾

همان گونه که آسمان و زمین به فرمان خدا سیر طبیعی خود را طی می‌کنند تا به وضعیت نهایی خود برسند، روزی هم نوبت انسان فرا می‌رسد تا به آخرین مرحله حیات خود برسد. از این رو باید به همه انسان‌ها اعلام نمود که «ای انسان! به یقین تو نیز در یک سیر طبیعی و جبری به‌سوی پروردگارت در حرکتی و سرانجام او را دیدار می‌کنی» و روزی باید در دادگاه عدل الهی حضور یافته، پاسخگوی اعمالت باشی. ﴿۶﴾

انسان‌ها در روزی که با خدا ملاقات می‌کنند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: «گروه اول کسانی هستند که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود» ﴿۷﴾ تا بدانند خداوند از آنها راضی است و از مجازات الهی رهایی‌دهند. «به حساب این گروه به‌سرعت رسیدگی می‌شود و بر آنان سخت نمی‌گیرند» ﴿۸﴾ و سرانجام «شادمان و خوشحال، نزد یاران بهشتی خود می‌روند». ﴿۹﴾

اما گروه دوم «کسانی هستند که نامه اعمالشان را از پشت سر به آنها می‌دهند» تا بدانند خدا از آنها راضی نیست و به‌زودی به عذاب الهی دچار می‌شوند. ﴿۱۰﴾

آنان وقتی عذاب دوزخ را مشاهده می‌کنند، متوجه می‌شوند که تا ابد باید این عذاب دردناک را تحمل کنند. از این رو «بر خود نفرین کرده، از خدا هلاکت و نابودی خود را تقاضا می‌کنند». ﴿۱۱﴾

اما این درخواست مورد موافقت قرار نمی‌گیرد و «در آتش سوزان وارد می‌گردند» و تا ابد در آنجا می‌مانند. ﴿۱۲﴾

علت عذاب او این است که با ارتکاب گناهان مختلف، «زندگی را با سرمستی و شادمانی ناشی از گناه، در میان دوستان و خانواده خود سپری کرده است». ﴿۱۳﴾

انشقاق

ملاقات با خدا، آخرین مرحله زندگی انسان



إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أَقْسَمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

گفتار دوم

اثبات سیر تکاملی انسان تا ملاقات با خدا

جزء
۳۰سوره
انشقاق

پس از دیگری خواهید پیمود» تا سرانجام به ملاقات خدا رفته، به جزای اعمال خود می‌رسید. ﴿۱۹﴾ با آنکه دلایل گفته شده برای اثبات این حقیقت کافی و گویاست، اما باز هم کافران حاضر به پذیرش آن نیستند. به راستی «اینها را چه می‌شود که به وجود روز قیامت ایمان نمی‌آورند؟!» ﴿۲۰﴾ چرا «هنگامی که آیات قرآن [مبنی بر حتمی بودن چنین تحولی] بر آنان خوانده می‌شود، در برابر آن تسلیم نمی‌شوند؟» ﴿۲۱﴾ پاسخ روشن است. مسئله این است که «کسانی که این آموزه قرآنی را انکار می‌کنند و به آن کفر می‌ورزند، به مخالفت با حقیقت خو گرفته‌اند.» ﴿۲۲﴾ و «خداوند هم از نیات و اهداف آنان و کفری که در دل‌های خود پنهان نموده‌اند، آگاه است» و به‌زودی کیفر آنها را می‌دهد. ﴿۲۳﴾ پس ای پیامبر! به آن منکران لجوج بگو چه این عذاب را قبول کنید یا انکار نمایید، بدان دچار خواهید شد. بدین ترتیب «آنها را به فرا رسیدن عذابی دردناک بشارت ده.» ﴿۲۴﴾ تنها کسانی از این عذاب در امانند که «به خدا ایمان آورده، کارهای شایسته انجام دهند؛ برای آنان پاداشی جاودان و ابدی است.» ﴿۲۵﴾

کسی که ملاقات با خدا را در جهان دیگر انکار می‌کند، می‌بندارد زندگی دنیا پایان زندگی انسان است و «گمان می‌کند هرگز به‌سوی پروردگار باز نمی‌گردد.» ﴿۱۴﴾ اما او به دو دلیل در اشتباه است: نخست آنکه «پروردگارش که او را آفریده و به سرشت او آگاه است، از وقوع این حادثه خبر داده و در کتاب خود اعلام کرده است که سیر حیات انسان بدون حضور در جهان دیگر به پایان نمی‌رسد؛ پس بدون تردید چنین حادثه‌ای روزی رخ خواهد داد.» ﴿۱۵﴾ دلیل دوم این است که انسان بخشی از پدیده‌های متحول جهان مادی است. پس همان‌گونه که همه پدیده‌ها مانند شب برای رسیدن به نقطه نهایی خود باید مراحل طی نمایند، انسان نیز پس از مرحله دنیا، باید مسیر خود را ادامه دهد تا به منزلگاه نهایی خود برسد. پس «سوگند به سرخی افق هنگام غروب.» ﴿۱۶﴾ و «سوگند به شب، وقتی که گسترده شود، و سوگند به ستارگانی که شب آنها را دور هم گرد می‌آورد.» ﴿۱۷﴾ «و سوگند به ماه، هنگامی که فروغش کامل شود و بدر تمام گردد» و تاریکی شب در آن زمان کاملاً گسترده می‌شود. ﴿۱۸﴾ که «شما انسان‌ها نیز در حرکت خود به‌سوی خدا، مراحل را یکی

سُورَةُ الْبُرُوجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝۱ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝۲ وَشَاهِدٍ مُّشْهُودٍ ۝۳ قُلْ أَصْحَابُ الْأَحْزَادِ ۝۴
 النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ۝۵ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝۶ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۝۷ وَمَا نَقَمُوا
 مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝۸ الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝۹ إِنَّ الَّذِينَ فَنَوُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
 وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝۱۰

سوره بروج

مجازات دشمنان دین و آزادی اندیشه

معرفی سوره

سوره بروج از سوره‌های مکی قرآن است. «بروج» به معنای «ستارگان درخشان» می‌باشد. این سوره در سال‌های نخست دعوت پیامبر نازل شده است. در این سال‌ها، مشرکان مکه کسانی را که به پیامبر ایمان آورده بودند، سخت آزار و شکنجه می‌دادند تا دست از ایمان و عقاید خود بردارند؛ تا آنجا که برخی از مؤمنان همانند یاسر و همسرش سمیه، در زیر شکنجه‌های کافران به شهادت رسیدند.

دلیل این همه شکنجه و آزار تنها این بود که مسلمانان به آیین جدیدی ایمان آورده بودند و عقیده‌ای برخلاف عقاید مشرکان مکه برگزیده بودند. در این شرایط سوره بروج نازل شد و به نكوهش اقدامات غیرانسانی دشمنان دین و آزادی اندیشه پرداخت و برای تقویت روحیه مؤمنان، به آنان یادآور شد که بهزودی قدرت و شوکت این زورگویان درهم خواهد شکست و در دنیا و آخرت به ذلت و خواری دچار خواهند شد. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

حتمی بودن مجازات دشمنان دین و آزادی اندیشه

به نام خداوند بخشنده مهربان

سران قریش و همه کسانی که با تکیه بر قدرت سیاسی و اجتماعی خود می‌خواهند هرگونه اندیشه توحیدی را از بین ببرند و در این راه از تهدید، فشار، سرکوب و کشتار انسان‌ها ایایی ندارند، باید بدانند که خداوند به سختی آنها را کیفر و مجازات خواهد کرد.

آری! «سوگند به آسمان که دارای ستارگانی آشکار و بلندمرتبه است» و توجه به عظمت و زیبایی آنها، برای درک علم و قدرت خدا و اثبات ناتوانی کافران در مقابل قدرت خدا کافی است. ۱

«و سوگند به روز رستاخیز؛ روزی که خدا وعده داده در آن روز، دشمنان دین و انسانیت را به کیفر اعمالشان برساند.» ۲

«و سوگند به کسانی که امروز شاهد اعمال جنایت‌بار این ستمکاران هستند» و در فردای قیامت بدانچه دیده‌اند، شهادت می‌دهند. و سوگند به کیفری که به جزای این رفتار ظالمانه برای آنها در نظر گرفته شده «و در روز قیامت، همگان آن را مشاهده خواهند کرد» ۳

که خداوند این ستمکاران را به سختی کیفر خواهد نمود. همان‌گونه که یهودیان متعصبی که خداپرستان راستین را به جرم ایمانشان در گودالی از آتش می‌سوزنداند، کیفر داد، به راستی «مرگ و نفرین خدا بر این جنایتکاران باد که کوره‌های آدم‌سوزی داشتند.» ۴

«آنان آتشی بزرگ با شعله‌های سرکش برافروختند» ۵ و افرادی بسیار بی‌رحم و ستمگر بودند و با خونسردی تمام، «کنار گودال‌های آتش می‌نشستند» ۶ و با لذت، «بلایی را که بر سر مؤمنان می‌آوردند، تماشا می‌کردند.» ۷

این جنایتکاران، اهل ایمان را نه به‌خاطر آنکه در شهر آشوب کرده یا قتل و غارتی کرده باشند شکنجه می‌دادند، بلکه «مؤمنان را تنها به این دلیل مجازات می‌کردند که به خدای برتر و شکست‌ناپذیری که دارای همه صفات پسندیده است، ایمان آورده بودند.» ۸

«همان خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و بر هر چیزی شاهد و ناظر است.» ۹ بی‌تردید کسی که چنین سنگدل و بی‌رحم باشد و بدون هیچ دلیلی اهل ایمان را آزار و اذیت کند، مستحق شدیدترین عذاب‌هاست.

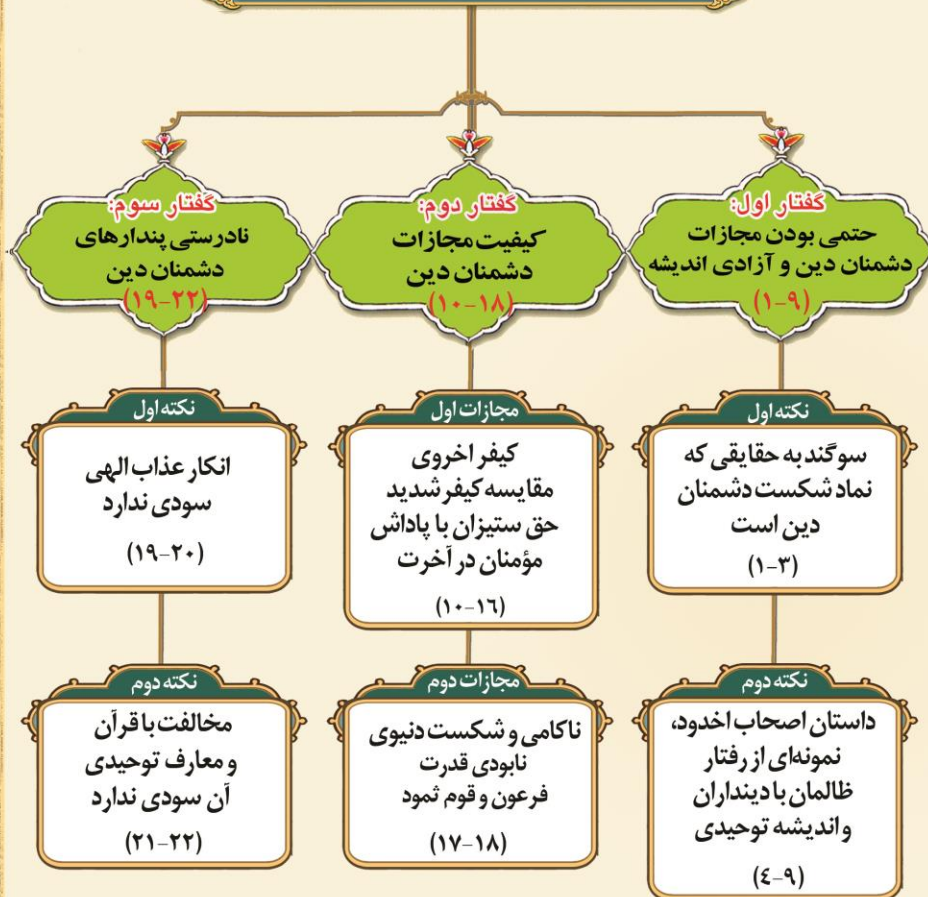
گفتار دوم

کیفیت مجازات دشمنان دین

«جنایتکارانی که با قساوت و سنگدلی، مردان و زنان مؤمن را شکنجه کرده، آنها را آزار و اذیت می‌کنند، هم در آخرت به عذاب الهی دچار خواهند شد، و هم در دنیا خوار و ذلیل می‌شوند.» اگر آنان از جنایات خود دست برندارند و به درگاه خدا توبه نکنند، در قیامت به انواع عذاب‌های جهنم و آتش سوزان آن مبتلا می‌شوند. ۱۰

بررسی

مجازات دشمنان دین و آزادی اندیشه



إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ يَدْعُو وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ ﴿١٤﴾ ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ ﴿١٥﴾ فَعَالٍ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أُنَبِّئُكَ حَدِيثَ الْجَنَّاتِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قَرِيبٌ أَنْ تُجِيبَ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

که هر دو دارای امکانات مادی و اجتماعی زیادی بودند؛ اما پیامبران خدا را تکذیب کرده و به کسانی که ایمان آورده بودند، ستم می کردند. اما خداوند آنها را با عذابی آسمانی هلاک کرد و سرنوشت آنها را عبرتی برای دیگران قرار داد.

کشاف سوم

نادرستی پندارهای دشمنان دین

مشركان مکه و «کسانی که به خدا کفر ورزیده و با دین او مخالفت می کنند، وعده کيفر الهی را باور نکرده و آن را تکذیب می کنند» و تصور می کنند همیشه در اوج قدرت باقی خواهند ماند و همیشه می توانند به ظلم و ستم خود ادامه دهند. ﴿١٩﴾

اما آنها باید بدانند تکذیب وعده خدا سودی به حال ایشان ندارد و آنها گریزی از عذاب قطعی خدا ندارند؛ زیرا «خداوند از هر جهت بر آنان مسلط است» و سرانجام آنها را به کيفر اعمالشان در دنیا و آخرت می رساند. ﴿٢٠﴾

آنان نه تنها وعده کيفر الهی را انکار می کردند، بلکه سایر آموزه های قرآن را نیز نادرست می خواندند. اما این پندار آنها نیز نارواست، زیرا قرآن دارای سه ویژگی مهم است که نشانه حقانیت و درستی آن است. نخست آنکه قرآن «کتابی است که خداوند آن را بر پیامبر خود خوانده است» و از سوی خدایی است که مالک و فرمانروای همه جهان است. دوم آنکه «در این کتاب مطالبی بسیار ارزشمند بیان شده است» ﴿٢١﴾ که راه سعادت و نجات انسان را نشان می دهد. سوم آنکه قرآن از هرگونه تحریف و تغییری محفوظ است و هیچ سخن باطلی به آن راه نمی یابد؛ زیرا «کلامی است که در لوح محفوظ ثبت است». ﴿٢٢﴾

با توجه به این ویژگی ها، کافران دیگر هیچ بهانه ای برای مخالفت با این کتاب آسمانی ندارند و باید وعده ها و تهدیدهای آن را جدی گرفته، دست از شکنجه دادن مسلمانان بردارند؛ در غیر این صورت منتظر عذاب خدا در دنیا و آخرت باشند.

و اگر توبه کنند، پاداش آنان مانند همه «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، این است که بوستان هایی با درختانی انبوه که از زیر آنها آبی زلال جاری است، به آنان داده خواهد شد. به راستی که دستیابی به چنین بهشتی، پیروزی و سعادت بزرگ است.» نه فرمانروایی بر انسان ها و ظلم و ستم به مؤمنانی که جز خدا هیچ کس را ندارند. ﴿١١﴾

ای پیامبر! دشمنان تو بدانند که «خشم و انتقام خدای تو بسیار شدید است» و مجرمان را به سخت ترین شکل ممکن مجازات می کند. ﴿١٢﴾ زیرا «او کسی است که هم می تواند موجودات را از ابتدا پدید آورد، و هم می تواند آنها را پس از آنکه نابود شدند، به حالت نخستشان برگرداند.» ﴿١٣﴾ بنابراین هم می تواند ستمگران را پس از مرگ دوباره زنده کند تا آنها را به مجازات برساند، و هم می تواند جسم آنها را که بر اثر حرارت آتش دوزخ از بین رفته، دوباره بازسازی کند تا هیچ گاه عذاب آنان به پایان نرسد و آنان را به عذابی که فوق تصور است، مبتلا کند.

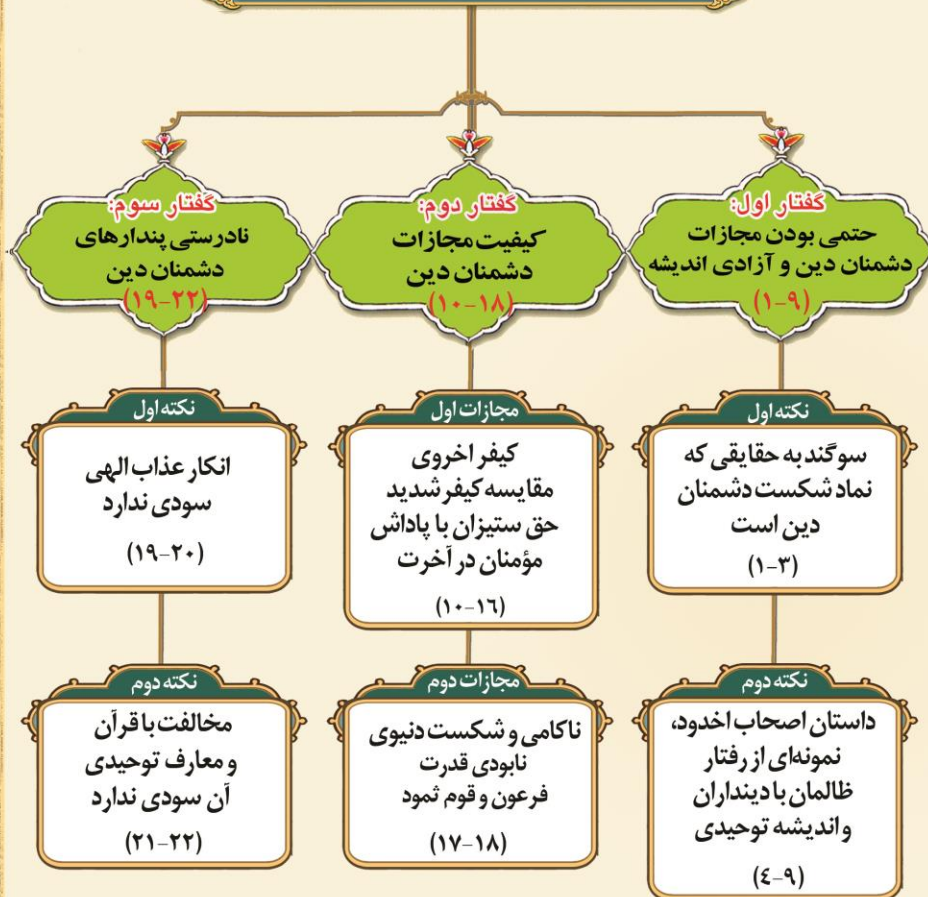
البته همان گونه که خدا می تواند کافران را به سختی عذاب کند، می تواند مؤمنان را نیز به بالاترین نعمت های بهشتی برساند؛ «زیرا او آموزنده مؤمنان و دوستدار آنان است» و می تواند همه گناهان و اشتباهاتشان را ببخشد و هر نعمت و کمالی را که بخواهد، به آنان بدهد. ﴿١٤﴾

آری! «خداوند تدبیر همه امور جهان را به عهده دارد و هیچ حدی برای مجد و قدرت او نیست.» ﴿١٥﴾ در نتیجه «هر کاری را که اراده کند، می تواند انجام دهد.» ﴿١٦﴾ پس می تواند کافران ستمگر را به سخت ترین عذاب ها دچار کند و برای مؤمنان بهترین نعمت ها را در نظر بگیرد.

آنچه گفته شد، عذاب اخروی کافران بود، اما در دنیا نیز خداوند آنها را به حال خود رها نمی کند و چنین نیست که تا هر زمان بخواهند، بتوانند به ظلم و ستم خود ادامه دهند. برای نمونه «آیا از جریان نابودی لشکرهای بزرگی که در برابر پیامبران خدا صف آرایی کردند خبر داری؟» ﴿١٧﴾ مانند «لشکریان فرعون و قوم ثمود» ﴿١٨﴾

بررسی

مجازات دشمنان دین و آزادی اندیشه



سُورَةُ الطَّارِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَالْهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

سوره طارق

اثبات معاد جسمانی

معرفی سوره

سوره مبارکه طارق مکی است. «طارق» به معنای «ستاره شبگرد» است. هدف اصلی سوره طارق، اثبات معاد جسمانی و بازگشت دوباره روح به بدن مادی است. این سوره از دو گفتار و یک نتیجه گیری تشکیل شده است.

جزء
۳۰

گفتار دوم

اثبات بازسازی مجدد جسم انسان

خداوند نه تنها قادر است روح انسان را حفظ کند، بلکه می تواند برای او جسم دیگری نیز بسازد. هر انسانی که در قدرت خدا برای بازسازی دوباره جسم مادی تردید دارد، کافی است به دو استدلال زیر توجه کند:

نخست آنکه به شرایطی که طی آن خدا او را برای بار نخست خلق کرد توجه کند و به این نکته «بیندیشد که خدا روز نخست او را از چه چیزی آفریده است.» ﴿٥﴾ او باید بداند «خداوند جسم انسان را از آبی جهنده و دور ریختنی آفرید.» ﴿٦﴾ «آن گاه او را از میان قسمت های سخت و نرم بدن عبور داد» ﴿٧﴾ و بدین ترتیب، از کم ارزش ترین ماده و در سخت ترین شرایط جسم انسان را به شکل فعلی ساخت. «چنین خدایی قطعاً بار دیگر می تواند جسم انسان را بازسازی کند و روح را به آن بازگرداند.» ﴿٨﴾ البته بازسازی دوباره جسم انسان در این دنیا واقع نمی شود، بلکه «این حادثه در روزی واقع می شود که باطن انسان و اثر اعمال او به صورت نعمت های بهشتی یا عذاب های دوزخی آشکار می شود.» ﴿٩﴾ در آن روز انسان کاملاً مقهور اراده خداست و نمی تواند حکم خدا را تغییر دهد؛ زیرا «ته خود نیرو و توانی دارد، و نه کسی به یاری او می شتابد.» ﴿١٠﴾

گفتار اول

اثبات بقای روح انسان

به نام خداوند بخشنده مهربان

برای آنکه به بقای روح انسان پس از مرگ ایمان بیاورید، باید به رفت و آمد ستارگان توجه نمایید. پس «سوگند به آسمان پرستاره و آن ستارگان شبگرد.» ﴿١﴾ «آیا می دانی ستارگان شبگرد چه هستند؟» ﴿٢﴾ این ستارگان در روز دیده نمی شوند و گویی اصلاً وجود ندارند، اما «در شب طلوع کرده و درخشندگی خیره کننده دارند.» ﴿٣﴾ همان گونه که خداوند این ستارگان شبگرد را حفظ می کند تا بار دیگر در آسمان ظاهر شوند، «برای هر روحی نگهداری قرار داده شده تا آن را از فنا و نیستی حفظ کند» و در روز موعود، دوباره جسمی به آن تعلق گیرد و انسان حیات دوباره پیدا کند. ﴿٤﴾

سوره
طارق

طارق

اثبات معاد جسمانی



وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا هَزْلٌ
 ﴿١٤﴾ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُودًا ﴿١٧﴾

سوره
طارق

اما با توجه به دو دلیل ذکر شده دیگر هیچ شکی نمی ماند که سخنان پیامبر و آیات قرآن درباره معاد جسمانی و احیای مجدد انسانها سخنی حکیمانه و خدشه ناپذیر است و «قرآن معیار تشخیص حق از باطل است». ﴿۱۳﴾ «و هیچ گونه سستی و ضعف در آن وجود ندارد» ﴿۱۴﴾ بنابراین تلاش کافران برای شبهه افکنی در معاد جسمانی و زیر سؤال بردن قدرت خدا و نظام حکیمانه او بی حاصل است. از این رو هر چند «کافران با شبهه افکنی در حقیقت معاد به سختی تلاش می کنند تا راهی برای ضربه زدن به دین خدا بیابند». ﴿۱۵﴾

اما باید بدانند که «من که خدای آنها هستم نیز برای خنثی کردن تلاشها و برنامه های آنان چاره ای اندیشیده ام» و با بیان حقایق، نادرستی سخنان آنان را آشکار کرده و با فرا رسیدن روز قیامت همه آنها را عذاب می کنم. ﴿۱۶﴾ البته تا زمانی که نقشه خدا درباره آنها به طور کامل عملی شود، باید منتظر ماند. از این رو ای پیامبر خدا «فعلاً اندکی به کافران مهلت بده» تا حقیقت بر همگان آشکار شود و زمان عذاب آنها فرا رسد. ﴿۱۷﴾

جَنُودِ
۳۰

دلیل دومی که نشان می دهد جسم انسان دوباره بازسازی می شود، قانون «برگشت پذیری پدیده های مادی» است. بر اساس این قانون، همه پدیده های مادی دارای چرخه مرگ و حیات هستند؛ روزی از بین رفته و دوباره ایجاد می شوند. پس همان گونه که اجرام آسمانی برگشت پذیر هستند و دارای تولد و مرگ و طلوع و غروبند، و همان گونه که زمین خاصیت شکافته شدن دارد، در نتیجه موجوداتی مانند گیاهان یا حیوانات از آن سر برمی آورند و دوباره به آن باز می گردند؛ جسم انسان نیز بار دیگر ساخته شده و روح به آن باز می گردد. پس «سوگند به آسمانی که ستارگانش باز می گردند». ﴿۱۱﴾

«و سوگند به زمینی که شکافته می شود» ﴿۱۲﴾ که حیات مجدد انسان حقیقتی غیر قابل انکار است.

نتیجه

معارف قرآن حق و کید کافران باطل است

مخالفتان قرآن و منکران روز قیامت به هیچ وجه حاضر نیستند معاد جسمانی انسان و حیات مجدد را باور کنند و به بیان های مختلف در این حقیقت آشکار شبهه می کنند.

سُورَةُ الْأَعْلَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝ **۱** الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۝ **۲** وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝ **۳** وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝
۴ فَجَعَلَهُ غَاشَاءً أَحْوَى ۝ **۵** سُنُقِرُكَ فَلَ تَسْقَى ۝ **۶** إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ۝
۷ وَيَنْسِرُكَ لِلْإِسْرَى ۝ **۸** فَذَكِّرْ لِن نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝ **۹** سَيَذَكِّرْكَ مَنْ يُخَشَى ۝ **۱۰**

سوره اعلی

ابعاد، آثار و دلایل ربوبیت خدا

معرفی سوره

سوره اعلی از سوره‌های مکی قرآن است. این سوره در سال نخست بعثت نازل شده است. «اعلی» به معنای «برتر» است.

مشرکان معتقد بودند که خداوند فقط خالق جهان است و هیچ نقشی در تدبیر جهان و انسان ندارد و پس از آفرینش جهان، اداره آن را به عهده بت‌ها یا موجودات دیگری مانند فرشتگان نهاده است؛ از این رو باید به جای خدا، موجودات دیگری که تدبیر جهان را به عهده دارند، اطاعت شده، مورد پرستش قرار گیرند. سوره اعلی به همگان اعلام می‌نماید که آفرینش و اداره جهان هستی تنها به دست خداست و نباید در کنار نام خدا، نام بت‌ها و یا هر موجود دیگری را به عنوان کسی که تدبیر بخشی از جهان را به عهده گرفته است، قرار داد. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

رسالت پیامبر در تبیین ابعاد ربوبیت الهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! تو باید ابعاد و گستره ربوبیت خدا را برای همگان روشن نمایی، اما پیش از آن، خود «نام پروردگار بلند مرتبهات را از هر گونه نقص و کاستی منزّه بدار» و هنگام بر زبان آوردن اسم خداوند، به شأن و عظمت او توجه کن و از به کار بردن عباراتی که بیانگر ضعف یا جهل خدا باشد، اجتناب کن **۱** تا دیگران نیز این روش را از تو بیاموزند.

برای آنکه بدانید خدا از هر موجودی برتر است و اداره همه جهان را به عهده دارد، به کیفیت آفرینش و تدبیر جهان توسط خدا توجه نمایید. خدا «کسی است که موجودات را آفریده و سپس اجزای آنها را با هدفی که برای آن آفریده شده‌اند، هماهنگ کرده است» و هر عضوی را در بهترین جای ممکن قرار داده است. **۲**

خداوند نه تنها آفرینش موجودات، بلکه هدایت و راهبری آنها را نیز به عهده دارد. «او برای هر موجودی غریزه و سرشت خاصی را

مشخص کرده، سپس آنان را بدان سو هدایت نموده است.» **۳** خداوند پس از آفرینش، در همه مراحل تکامل و مرگ موجودات نیز آنها را اداره می‌کند؛ همان گونه که «او سبزی چراگاه‌ها را به وجود آورد.» **۴** سپس آنها را رشد داده و در نهایت، «این سبزی‌ها را خشک و تیره‌گون ساخت.» **۵**

ای پیامبر! تو وظیفه داری این حقایق را به اطلاع همگان برسانی و آنها را با حقیقت ربوبیت و فرمانروایی خدا بر جهان آشنا کنی. در این راه ما نیز از تو جهت از تو حمایت می‌کنیم: نخست آنکه «قدرت درک و فهم کامل وحی و معارف دینی را به تو خواهیم داد؛ به گونه‌ای که هیچ گاه آن را فراموش نخواهی کرد.» **۶** البته از این معارف بلند «تنها آنچه که اراده خدا بدان تعلق گرفته باشد را به تو یاد خواهیم داد؛ زیرا تنها خداست که همه چیز را می‌داند و از هر چه آشکار و پنهان است، آگاه است.» **۷**

حمایت دوم ما این است که زمینه پذیرش این حقایق را در بین مردم فراهم می‌سازیم و «به تو چنان استعدادی می‌دهیم که آسان‌ترین راه را برای فراخوانی مردم برگزینی.» **۸**

ای پیامبر! اکنون که حقیقت ربوبیت خدا را دانستی و خداوند راه تبلیغ آن را نیز برای تو هموار کرد، زمان آن فرا رسیده است که «این حقایق توحیدی را به هر کس که زمینه پذیرش حق را دارد و اندرز در او تأثیر دارد، یادآوری کنی.» **۹**

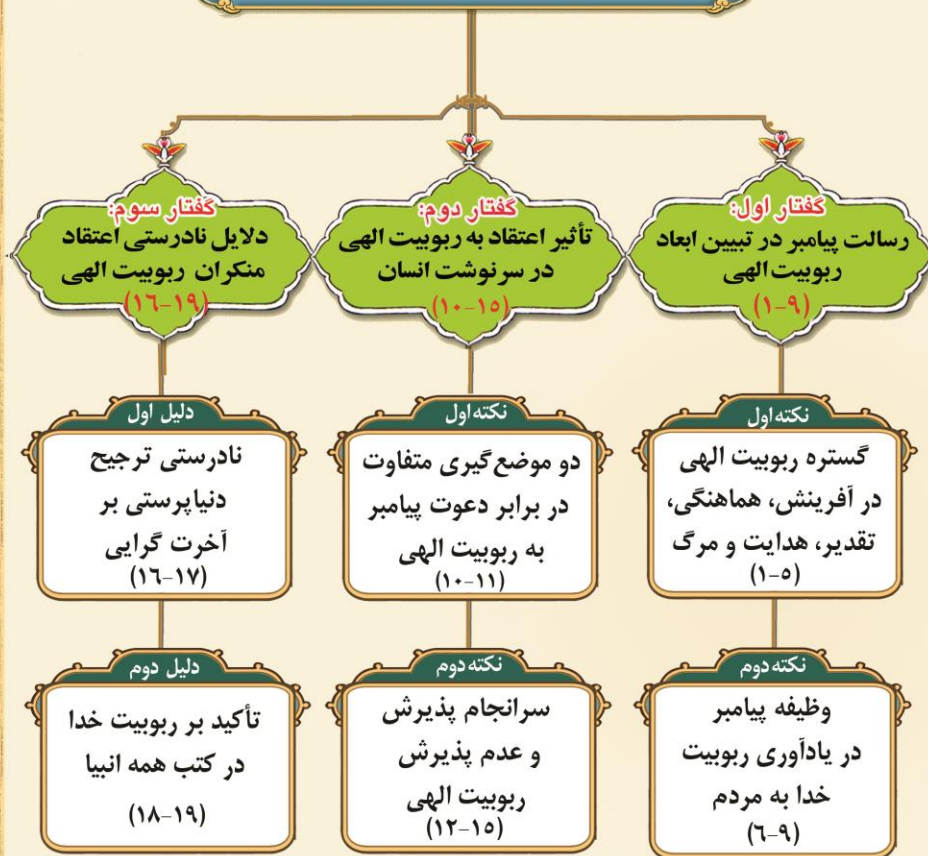
گفتار دوم

تأثیر اعتقاد به ربوبیت الهی در سرنوشت انسان

وقتی پیامبر مردم را به سوی خدا دعوت کند، با دو موضع‌گیری متفاوت مواجه خواهد شد. گروهی که از عقل و فطرت سالم برخوردار بوده «و از عواقب شرک و بی‌ایمانی هراسانند، از این سخنان پند می‌گیرند» و به پیامبر ایمان می‌آورند. **۱۰**

اعلی

ابعاد، آثار و دلایل ربوبیت خدا



وَيَجْنِبُهَا الْأَشْفَى ﴿١٣﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٤﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٥﴾ قَدْ أَفْلَحَ
 مَنْ تَزَكَّى ﴿١٦﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٧﴾ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٨﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ
 وَأَبْقَى ﴿١٩﴾ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿٢٠﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿٢١﴾

گفتار سوم

دلایل نادرستی اعتقاد منکران ربوبیت الهی

ای کسانی که خدا را اداره کننده جهان نمی‌دانید و به دنبال کسب سعادت خود از طریق بندگی خدا نیستید؛ پندار و رفتار شما از دو جهت نادرست است: نخست آنکه ریشه پندار شما این است که از خدا و آخرت کاملاً غفلت کرده و «زندگی پست دنیا را [بر آخرت] ترجیح داده اید» ﴿۱۶﴾ و سعادت خود را در به دست آوردن مال و ثروت دنیا می‌بیند؛ در حالی که «زندگی آخرت به مراتب ارزشمندتر و پایدارتر از دنیاست» ﴿۱۷﴾ زیرا لذت‌های آن نامحدود است و هیچ درد و رنجی به همراه ندارد. دومین دلیل بر نادرستی عقاید شما این است که «این حقیقت که تنها خدا پروردگار و آفریدگار جهان است، در کتاب‌های آسمانی پیشین نیز بیان شده است» ﴿۱۸﴾ از جمله «در کتاب ابراهیم و کتاب موسی ذکر شده است» ﴿۱۹﴾ بنابراین اگر شما نمی‌خواهید به سخنان قرآن و پیامبر اسلام گوش فرا دهید، پس دست‌کم به سخنان انبیای پیشین که ادعای پیروی از آنان را دارید، عمل کنید و از پیروی خدایان باطل دست بردارید.

اما کسانی که با ارتکاب گناهان، سرمایه عقل و فطرت خود را از دست داده‌اند و به «شقی‌ترین و بدبخت‌ترین انسان‌ها [تبدیل شده‌اند]، از پذیرش راهنمایی‌های پیامبر اجتناب کرده» و به ربوبیت خدا ایمان نمی‌آورند. ﴿۱۱﴾

فرجام کسانی که ربوبیت و تدبیر خدا را بر جهان باور دارند، با فرجام کسانی که آن را انکار می‌کنند، تفاوت بسیاری دارد. «انسان تیره‌بختی که خدا را باور ندارد، به آتشی که بزرگ‌تر از آن قابل تصور نیست وارد می‌شود» ﴿۱۲﴾ عذاب این آتش بی‌پایان است و «کسی که به آن دچار می‌شود، نه با آن می‌میرد تا از عذاب رهایی یابد، و نه شرایط زندگی او تغییر می‌کند تا به یک زندگی راحت دست یابد» ﴿۱۳﴾

اما «کسی که اندیشه و رفتار خود را از پلیدی شرک و گناه پاک نماید» ﴿۱۴﴾ و به ربوبیت خدا ایمان آورد و «در هر حال به یاد خدا بوده و نام پروردگارش را یاد کند و بندگی او را به‌جا آورده و برای او نماز بخواند؛ به سعادت و رستگاری می‌رسد» ﴿۱۵﴾

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ **۱** وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ ۝ **۲** عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۝ **۳** تَصَلَّى نَارًا
 حَامِيَةً ۝ **۴** تُشْفَى مِنْ عَيْنٍ أَينِيَةٍ ۝ **۵** لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۝ **۶** لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ
 جُوعٍ ۝ **۷** وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۝ **۸** لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝ **۹** فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ **۱۰** لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِلْغِيَةِ
 ۝ **۱۱** فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ **۱۲** فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۝ **۱۳**

سوره غاشیه

فراگیر بودن عذاب و پاداش خدا

معرفی سوره

سوره مبارکه غاشیه از سوره‌های مکی قرآن است. «غاشیه» به معنای پوشش فراگیر است، سوره غاشیه درباره فراگیر بودن عذاب و پاداش الهی سخن می‌گوید و این بحث را از دو جهت مورد بررسی قرار می‌دهد: نخست آنکه جزای اعمال، همه انسان‌ها اعم از کافر و مؤمن را در بر می‌گیرد، و دوم آنکه نعمت‌های بهشتی و عذاب دوزخی برای اهل آن همه‌جانبه و فراگیر است. این سوره از یک مقدمه و سه گفتار تشکیل شده است.

مقدمه

تأکید بر فراگیر بودن حادثه قیامت

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره غاشیه با طرح یک سؤال پیرامون وقوع حادثه‌ای مهم و گسترده آغاز می‌شود و از پیامبر و همه انسان‌ها می‌پرسد: «آیا خبر آن رویداد فراگیر به تو رسیده است؟» **۱**

گفتار اول

دو نمونه از عذاب و پاداش فراگیر الهی

وقتی این رویداد فراگیر و گسترده فرا برسد، انسان‌ها دو گروه می‌شوند گروهی خوار و زیبوند و «آثار خواری در چهره‌هایشان نمایان است.» **۲**
 علت دچار شدن آنها به این عذاب آن است که در دنیا از انجام اعمال نیک و بندگی خدا اجتناب کرده‌اند، از این رو «از تلاش‌های دنیایی‌شان چیزی جز رنج و محنت برایشان باقی نمانده است.» **۳**

این افراد در روز قیامت از هر جهت شکنجه و عذاب می‌شوند. از جمله آنکه محل زندگی آنها «آتش سوزانی است که در نهایت حرارت و گرمی است.» **۴**
 نوشیدنی آنها «آب چشمه‌ای بسیار داغ است که در گلوئی آنها می‌ریزند.» **۵**
 «خوراکی آنها غذایی بسیار بدبو و خشک مانند خارهای بیابان است که به آن ضریع می‌گویند» و هر گاه آن را می‌خورند، به فریاد و تضرع می‌افتند. **۶**

هر چند خوردن این طعام خود عذاب بزرگی محسوب می‌شود، اما اگر اندکی از گرسنگی آنان را برطرف می‌کرد، باز هم قابل تحمل بود، اما «این خوراکی نه فایده غذایی دارد، و نه گرسنگی را چاره می‌کند» و تنها موجب افزایش عذاب آنها می‌شود. **۷** بدین سان عذابی فراگیر و همه‌جانبه، اهل دوزخ را فرا می‌گیرد.
 گروه دیگر اهل ایمانند، «آنها در آن روز غرق نعمت بوده و بسیار خرم و شادانند.» **۸**

علت برخورداری از این نعمت‌ها، اعمال نیک و خالصانه‌ای است که در دنیا انجام داده‌اند. در نتیجه در روز قیامت «از نتیجه تلاش‌های خود راضی و خشنودند.» **۹**

آنها از هر جهت در آسایش و نعمت قرار دارند. محل زندگی آنها «بوستانی است که از جهت برخورداری از نعمت‌های مادی و معنوی برترین مکان است.» **۱۰**

در آنجا همیشه به یاد خدا هستند «و سخنان بی‌ارزش و لغو به گوششان نمی‌رسد.» **۱۱**

برای سیراب شدن آنها «در بهشت چشمه‌هایی روان است.» **۱۲**
 و برای استراحت‌شان «تخت‌هایی بلند قرار دارد» که از فراز آنها، همه بهشت را با چشم‌انداز زیبایی مشاهده می‌کنند. **۱۳**

خلاصه

فراگیر بودن عذاب و پاداش الهی

مقدمه:
تأکید بر فراگیر بودن حادثه قیامت
(۱)

گفتار سوم:
وظیفه پیامبر در یادآوری
جزای فراگیر الهی
(۲۱-۲۶)

نکته اول

یادآوری معارف
دینی به همگان، به
جز حق سستیزان
(۲۱-۲۳)

نکته دوم

تأکید بر حتمی بودن
عذاب حق سستیزان
(۲۴-۲۶)

گفتار دوم:
اثبات فراگیر بودن
عذاب و پاداش خدا
(۱۷-۲۰)

اثبات ربوبیت گسترده
الهی با دعوت به دقت
در نعمت‌های فراگیر
مانند:
۱. آفرینش شتر
(۱۷)
۲. برافراشته شدن آسمان
(۱۸)
۳. استواری کوه‌ها
(۱۹)
۴. گسترده بودن زمین
(۲۰)

گفتار اول:
دو نمونه از عذاب و
پاداش فراگیر الهی
(۲-۱۶)

نمونه اول

کیفر فراگیر کافران
(۲-۷)

نمونه دوم

پاداش فراگیر مؤمنان
(۸-۱۶)

وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَمَنَارِقٌ مَّصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾ أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

و برای آنکه به راحتی به آب چشمه‌ها دست یابند، «در کنار چشمه‌ها جام‌هایی پر از شراب نهاده شده است.» ﴿۱۴﴾ و برای تکیه زدن اهل بهشت و جمع شدن آنها به دور هم، «بالش‌هایی پهلوی هم چیده شده است.» ﴿۱۵﴾ و برای نشستن آنها، «فرش‌هایی زربافت که همیشه گسترده و آماده‌اند، در نظر گرفته شده است.» ﴿۱۶﴾ و بدین سان در بهشت هر چه برای آرامش و آسایش اهل ایمان لازم است، فراهم آمده و پاداشی گسترده و فراگیر در انتظار آنان است.

جزء
۳۰

گفتار سوم

وظیفه پیامبر در یادآوری جزای فراگیر خدا

پس از ترسیم عذاب و پاداش فراگیر خدا و اثبات آن با تکیه بر ربوبیت گسترده خداوند، در انتهای سوره از پیامبر اکرم(ص) می‌خواهد که این حقایق را به همگان یادآور شود و می‌فرماید: «این حقایق را به مردم تذکر بده که وظیفه تو تذکر دادن است.» ﴿۲۱﴾ و از آنجا که راه کمال باید با میل و اراده پیموده شود، «تو نمی‌توانی آنها را به پذیرش این حقایق مجبور کنی.» ﴿۲۲﴾ «بنابراین لزومی ندارد افرادی را که از حق روی گردانده، به آن کفر ورزیده‌اند را تذکر دهی؛ زیرا آنها حاضر نیستند با اراده و اختیار خود حق را قبول نمایند.» ﴿۲۳﴾ به‌خاطر حق‌ستیزی این افراد، «خداوند آنها را به بزرگ‌ترین عذاب مجازات می‌کند.» ﴿۲۴﴾ البته اهل ایمان نباید در حتمی بودن عذاب آنان ذره‌ای تردید نمایند. زیرا «بازگشت کافران به‌سوی ماست» ﴿۲۵﴾ و «حساب اعمالشان بر عهده ما خواهد بود.» ﴿۲۶﴾ بنابراین هنگامی که نزد ما آمدند به حساب همه آنها رسیدگی کرده، آنان را به‌سختی مجازات می‌کنیم.

گفتار دوم

اثبات فراگیر بودن عذاب و پاداش خدا

پاداش و عذاب فراگیر اخروی جلوه‌ای از ربوبیت گسترده خدا در این دنیاست. بنابراین چون نعمت‌های خدا همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد، حساب و کتاب خدا نیز همگان را شامل می‌شود. انسان‌هایی که روز قیامت و عذاب فراگیر آن را باور ندارند، اگر در آفرینش موجوداتی که فواید گسترده و همه‌جانبه دارند، مطالعه و دقت کنند، به ربوبیت گسترده خدا پی می‌برند و همگانی بودن معاد را نیز باور می‌کنند. به‌راستی «آیا منکران معاد در ویژگی‌های شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟» خدا در جسم این حیوان فواید و خواص بسیاری برای همه انسان‌ها قرار داده است. ﴿۱۷﴾ «آیا به آسمان و طبقات مختلف آن نمی‌نگرند که چگونه برافراشته شده است» و هر طبقه بخشی از نیازهای انسان را برآورده می‌کند؟ ﴿۱۸﴾ «و آیا به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه در جای خود محکم شده‌اند» و منشاء فواید بسیاری از جمله تأمین آب و استحکام زمین و تأمین مواد معدنی و هزاران فایده دیگرند؟ ﴿۱۹﴾

سوره
غاشیه

سُورَةُ الْفَجْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝۱ وَلَيْلٍ عَشْرِ ۝۲ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝۳ وَاللَّيْلِ إِذَا سَرَى ۝۴ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي
 حِجْرِ ۝۵ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝۶ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝۷ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ
 ۝۸ وَثُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝۹ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْنَادِ ۝۱۰ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ۝۱۱
 فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝۱۲ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝۱۳

سوره فجر

ثروت نشانه خوشبختی و توجه خدا به انسان نیست

معرفی سوره

سوره فجر از سوره‌های مکی قرآن است. فجر به معنای «سپیده دم» است. هنگامی که سوره فجر نازل شد، مسلمانان تحت فشار دشمنان اسلام قرار داشتند و از نظر مالی و اجتماعی از طبقات پایین جامعه به حساب می‌آمدند. از این رو این سؤال برای برخی از افراد ساده اندیش مطرح شده بود که اگر پیامبر و یاران او حق هستند، پس چرا در فشار اقتصادی و اجتماعی قرار دارند؟ سوره مبارکه فجر به بررسی این دیدگاه پرداخته و به طور خلاصه می‌فرماید: برخورداری از نعمت‌های دنیوی، معیار درستی برای سنجش مهر و قهر خدا یا خوشبختی و بدبختی انسان‌ها نیست، بلکه نعمت‌ها و محنت‌ها همه وسیله آزمون الهی است. این سوره از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

نمونه‌هایی از مساوی نبودن لطف خدا با برخورداری از دنیا

به نام خداوند بخشنده مهربان

اگر می‌خواهید به این حقیقت پی ببرید که خداوند لطف و محبت خود را تنها با دادن مال و ثروت نشان نمی‌دهد، به عنایات و بهره‌های معنوی که در روزها و شب‌های دهه اول ذی حجه به حاجیان می‌دهد توجه کنید. «پس سوگند به سپیده دم [روز عید قربان]». ۱ «و سوگند به شب‌های ده گانه [اول ماه ذی حجه]». ۲ به‌ویژه سوگند به روزهای هشتم تا دهم ذی حجه که اوج توجه و لطف خدا به حاجیان است. آری! سوگند به روز هشتم ذی حجه؛ همان روزی که به ایام حج «ضمیمه شده» و در آن روز حاجیان برای رفتن به عرفه آماده می‌شوند و سوگند به روز عرفه؛ آن روز «جدا و منفرد» از سه روز توقف در سرزمین منا. ۳ سوگند به شب مشعر الحرام، «آن گاه که به‌سوی صبحگاهان و روشنایی روز پیش می‌رود». ۴

سوگند به این ایام که در لحظه لحظه آن حاجیان مورد لطف و عنایت خاص خداوند قرار دارند، بدون آنکه خداوند چیزی از ثروت دنیا را به آنان بدهد.

«آیا به‌راستی این سوگندها برای خردمندان کافی نیست» تا بدانند چه کسانی مورد لطف و عنایت خدا هستند و بدانند توجه خدا به انسان مساوی با بهره‌مندی از دنیا نیست؟ ۵ اکنون اگر می‌خواهید به این حقیقت پی ببرید که همیشه برخورداری از مواهب دنیا نشانه این نیست که فرد یا جامعه ثروتمند مورد تأیید و حمایت خداست، به سرنوشت سه قوم متمن توجه کنید که خداوند قدرت و ثروت بسیاری به آنها داد اما سرانجام آنها را هلاک کرد. نمونه اول قوم عاد است. «آیا ندیدی پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟» ۶ قوم عاد شهرهای آباد و زمین‌های خرم و سرسبز و کاخ‌های عظیم داشتند. یکی از آبادترین شهرهای آنها «ارم» بود. «شهر ارم دارای قصرهای بلند و ستون‌های کشیده بوده است». ۷ این شهر آن قدر زیبا و باشکوه بود که «تا آن زمان، نمونه آن در هیچ کشوری به وجود نیامده بود». ۸

دومین نمونه، قوم ثمود است. «آیا ندیدی خدا با قوم ثمود که در دامنه کوه‌ها برای ساختن بناهای استوار و محکم، تخته سنگ‌ها را می‌بریدند، چه کرد؟» ۹

سومین نمونه، تمدن مشهور مصر است که حدود سه هزار سال قبل از میلاد مسیح در کنار رود نیل شکل گرفت. نمونه‌ای از ساختمان سازی های پیشرفته و پیچیده مصریان، اهرام ثلاثه مصر است که هنوز بسیاری از اسرار آن آشکار نشده است. «آیا ندیدی که خدا با فرعون که دارای ساختمان‌های محکم و مرتفع بود، چه کرد؟» ۱۰

این اقوام متمن به‌رغم پیشرفتی که در جنبه‌های مادی و ظاهری نموده بودند، اما از نظر اعتقادی از مسیر توحید و خداپرستی منحرف شده، «از حدود خود تجاوز کردند و در شهرهای خود، آیین شرک و بت‌پرستی را ترویج می‌کردند». ۱۱ و از نظر اخلاقی و اجتماعی «در این شهرها ظلم و فساد فراوانی به بار آوردند». ۱۲ به‌خاطر این فسادها و سرکشی‌ها، «خداوند تازیانه عذاب را بر آنها فرود آورد». ۱۳

فجر

ثروت، نشانه خوشبختی و توجه خدا به انسان نیست

گفتار اول:

نمونه‌هایی از مساوی نبودن
لطف خدا با برخورداری از دنیا
(۱-۱۴)

نکته اول

سوگند به ایام حج؛
معنوی ترین
لحظات زندگی
(۱-۵)

نکته دوم

دنیا دارانی که
به عذاب الاهی
 دچار شدند
(۶-۱۴)

گفتار دوم:

نادرستی اندیشه تساوی
سعادت و برخورداری از دنیا
(۱۵-۳۰)

نکته اول

برداشت نادرست از
معیار برخورداری از
لطف و خشم خدا
(۱۵-۱۶)

نکته دوم

دنیا پرستی، عامل گرفتار
شدن به خشم خدا
(۱۷-۲۶)
۱. چهار خصلت دنیا پرستان
۲. افسوس دنیا گرایان در
روز رستاخیز

نکته سوم

خدا پرستی، عامل
برخورداری از لطف خدا
(۲۷-۳۰)
۱. سه خصلت خدا پرستان واقعی
۲. سه لطف ویژه خدا به
خدا پرستان

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْلَلَهُ رُبَّهُ فَكَرَّمَهُ وَفَعَّلهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾
وَأَمَّا إِذَا مَا ابْلَلَهُ فَقَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا بَلْ لَأَنْكُرُ مُوْنِ الْيَتِيمِ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحْضُوتُ
عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثُ أَكْثَلًا لَمَّا ﴿١٩﴾ وَتَحْبُوتُ أَلْمَالَ حُبًّا
جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِئَ يَوْمَئِذٍ
بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَبُدُّكُمْ أَكْرًا لِلنَّاسِ وَأَقْبَلُ لَكَ الذِّكْرُ ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ
لَّا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُؤْتِقُ وِثَاقُهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَكَايُنُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجِعِي
إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَُرْضِيَةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلْ فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلْ جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

سوره
فجر

پس دادگاه عدل الهی برپا می‌شود و «فرمان پروردگارت در می‌رسد» و با صدور فرمان الهی، فرشتگانی که مأمور عذاب دوزخیان یا خدمتگزاری به بهشتیان هستند، گرداگرد حاضران در محشر را گرفته‌اند «و در صفوف مختلف، آماده اجرای فرمان خدا می‌شوند». ﴿۲۲﴾ «و دوزخ را کسان کشان به‌سوی کافران می‌آورند؛ آن روز انسان متوجه می‌شود» که نعمت‌ها و محنت‌ها همه وسیله آزمون الهی بوده است، نه نشانه محبت خدا، «ولی این توجه در آن هنگام، دیگر چه سودی برای او دارد؟» ﴿۲۳﴾

آری! هنگامی که انسان مجرم صحنه‌های دهشتناک قیامت را می‌بیند، تکان می‌خورد و بیدار می‌شود و از اعمال خود سخت پشیمان می‌گردد، اما زمان توبه سپری شده است و تنها می‌تواند افسوس بخورد و با اندوه و حسرت بگوید: «ای کاش برای این زندگی‌ام که زندگی حقیقی است، کار شایسته‌ای انجام داده بودم!» ﴿۲۴﴾
«در آن روز انسان متوجه می‌شود که هیچ کس مانند خدا عذاب نمی‌کند» و علت همه مصیبت‌ها، اعمال و رفتار بد خودش است. ﴿۲۵﴾ «و هیچ کس مانند خدا کسی را دریند نمی‌کشد» و خود او عامل محروم شدنش از نعمت‌های اخروی می‌باشد. ﴿۲۶﴾
اما ویژگی افراد خوشبخت که مورد لطف و عنایت پروردگار هستند، این است که جز به بندگی خدا، به چیزی نمی‌اندیشند و از این راه، به سعادت و آرامش واقعی دست می‌یابند، به همین دلیل خداوند آنها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «ای کسی که دلت به یاد خدا آرام گرفته است!» ﴿۲۷﴾ من برای تو سه پادشاه بزرگ در نظر گرفته‌ام: نخست آنکه تو تحت تربیت خاص من هستی و تو را در دنیا و آخرت تأمین می‌کنم. «پس اکنون به‌سوی پروردگارت باز گرد و از لطف خاص او بهره‌مند شو؛ درحالی‌که به‌خاطر بهره‌مندی از نعمت‌های بیکران، از خدا خشنودی و خدا به‌خاطر انجام وظایف بندگی، از تو خشنود است.» ﴿۲۸﴾ دوم آنکه «تو در زمره بندگان خاص من یعنی اولیاءالله داخل شو.» ﴿۲۹﴾ سوم آنکه «به بهشتی که خود من میزبانش هستم وارد شو» و در آن، از نعمت‌هایی استفاده کن که نه گویی شنیده، و نه چشیده دیده است. ﴿۳۰﴾

«آری! پروردگار تو در کمین است» ﴿۱۴﴾ و اگر به کسی نعمت دهد و او، آن را در مسیر نادرست به‌کار گیرد، سرانجام او را به کیفر خواهد رساند. پس ثروت ثروتمندان برای آزمایش آنهاست، نه نشانه محبت خدا به آنان.

گفتار دوم

نادرستی اندیشه تساوی سعادت و برخورداری از دنیا

تکته اول: برداشت نادرست از معیار برخورداری لطف و خشم خدا
بسیاری از انسان‌ها فکر می‌کنند اگر خدا کسی را دوست داشته باشد، او را از نعمت‌های دنیوی بهره‌مند کرده، مشکلات مادی و اجتماعی او را برطرف می‌کند. «زاین‌رو هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد، با خوشحالی می‌گوید: خداوند مرا دوست داشته است!» ﴿۱۵﴾ «اما هنگامی که برای آزمایش زندگی، روزی را بر او تنگ بگیرد، اندوهگین شده و می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده و مرا دوست ندارد!» ﴿۱۶﴾

تکته دوم: دنیاپرستی، عامل گرفتار شدن به خشم خدا
برداشت این گروه از مردم از خوشبختی و توجه خدا به انسان، برداشتی نادرست و سطحی است، اما حق این است که شما چون دارای ویژگی‌های زیر هستید، مورد خشم و غضب خدا قرار دارید؛ هر چند از مال و ثروت بسیار برخوردار باشید.
نخستین ویژگی شما این است که به اقشار ضعیف و ناتوان جامعه محبت نمی‌کنید «و یتیم را گرامی نمی‌دارید.» ﴿۱۷﴾
دوم آنکه نسبت به آسیب‌ها و معضلات اجتماعی بی‌تفاوت هستید «و حتی حاضر نیستید کسی را برای غذا دادن به افراد درمانده، ترغیب و تشویق کنید.» ﴿۱۸﴾
سومین ویژگی شما این است که «اموال دیگران را تصاحب کرده، بدون توجه به حلال و حرام بودن اموال، آنها را می‌خورید.» ﴿۱۹﴾
و چهارمین خصلت شما این است که «مال را بسیار دوست می‌دارید.» ﴿۲۰﴾
شما دنیاپرستان به‌خاطر داشتن این ویژگی‌ها، به‌شدت مورد خشم خدا هستید. «زاین‌رو» آن‌گاه که در آستانه قیامت، زمین به‌شدت خرد و ریز ریز می‌شود.» ﴿۲۱﴾

جُزء
۳۰

سُورَةُ الْبَلَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝ وَالْوَالِدُ وَمَا وَلَدَ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝
 أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بَلَدًا ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝
 ۝ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝ ۝ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ۝ ۝ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝ ۝

سوره بلد

عوامل سستی در راه بندگی خدا

معرفی سوره

سوره بلد در شهر مکه و در سال سوم یا چهارم بعثت بر پیامبر خدا نازل شده است. «بلد» به معنای سرزمین یا شهر است. در سال‌های نخست بعثت پیامبر اکرم، گروهی از نومسلمانان تصور می‌کردند که خدا پرستی تنها به این است که به یگانگی خدا شهادت دهند و پس از آن، دیگر هیچ وظیفه‌ای در برابر دین خدا ندارند و لازم نیست برای حمایت از دین، از جان و مال خود هزینه کنند. در این شرایط سوره بلد نازل شد و با اشاره به اهمیت تحمل سختی‌ها در راه خدا، راحت‌طلبان را نکوهش کرده و به بررسی ریشه‌های این پندار نادرست پرداخت. در این سوره پس از یک مقدمه، به دو عامل سستی در راه بندگی خدا اشاره می‌شود.

مقدمه

برای رسیدن به کمال باید سختی‌ها را تحمل کرد

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره بلد با سوگند به کسانی که در راه خدا با همه وجود تلاش کردند، آغاز می‌شود و می‌فرماید: «سوگند می‌خورم به این شهر». ۱
 این شهری که «تو اکنون در آن سکونت داری» و با تحمل همه سختی‌ها، به تبلیغ دین خدا می‌پردازی. ۲
 «سوگند به آن پدر فرزانه یعنی ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل؛ که بنیانگذار شهر مکه بودند و در راه خدا سختی‌های زیادی را تحمل کردند». ۳

سوره بلد

عامل اول

پندار نازوا درباره علم و قدرت خدا

برخی انسان‌ها می‌پندارند هر چه دارند، از تلاش خودشان است، در نتیجه وقتی می‌خواهند در راه خدا هزینه کنند، اندوهناک شده و یا بر خدا منت می‌گذارد. از چنین انسانی باید پرسید: به راستی «آیا می‌پندارد که هیچ کس از او برتر نیست»؟ ۴ و هر چه دارد از زور و بازوی خودش دارد که وقتی مال اندکی در راه خدا می‌دهد، با اندوه و تأسف «می‌گوید مالی را که به زحمت به دست آورده بودم، بی‌جهت از بین بردم؟»؟ ۵
 آیا «گمان می‌کند که هیچ کس او را نمی‌بیند»؟ ۶ و هزینه‌ها و زحمات او در مسیر ایمان و بندگی خدا نادیده گرفته شده و هیچ پاداشی برای او در نظر گرفته نخواهد شد که چنین می‌گوید؟ اما همه این پندارها نادرست است، زیرا اگر او به موفقیت اجتماعی یا اقتصادی دست یافته است، همه در پرتو نعمت‌هایی است که خدا به او عنایت کرده است. «آیا ما به او دو چشم ندادیم تا با آنها ببیند؟» ۸ «آیا به او زبان و دو لب ندادیم تا با آنها سخن گوید؟» ۹ آری! «ما قدرت تشخیص خوب و بد را به او عنایت کردیم تا در امور مادی و معنوی بتواند راه موفقیت را تشخیص دهد». ۱۰

بهد

عوامل سستی انسان در راه بندگی خدا

مقدمه

برای رسیدن به کمال، باید سختی‌ها را تحمل کرد
(۱-۴)

عامل دوم:

درک نادرست از شیوه
بندگی خدا
(۱۱-۳۰)

نکته اول

عبور نکردن انسان
کاهل از گردنه دشوار
بندگی خدا
(۱۱-۱۲)

نکته دوم

چهار شرط بندگی واقعی
خدا
(ایثار، ایمان، توصیه به
صبر و مهربانی)
(۱۳-۱۷)

نکته سوم

تأثیر رعایت شرایط
بندگی در سعادت انسان
(۱۸-۲۰)

عامل اول:

پندار ناروا درباره علم و
قدرت خدا
(۵-۱۰)

نکته اول

پندارها
۱. پندار عدم وجود
اراده ای برتر از اراده انسان
۲. پندار عدم آگاهی خدا
از اعمال انسان
(۵-۷)

نکته دوم

پاسخ
اثبات علم و قدرت
خدا بر بندگان
(۸-۱۰)

فَلَا أَقْنَحُمُ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُ رَقَبَةً ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمْتُ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَصَّوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَنَبَّهْنَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

سوره
بلد

«با آنکه در زمان قحطی و گرسنگی شدید، از غذای خود بگذرند» ﴿١٤﴾ و آن را «به یتیمی که از خویشاوندانشان است بدهند» ﴿١٥﴾ «با آن مسکین درمانده‌ای را که از شدت ناتوانی خاک نشین شده است، سیر کنند» ﴿١٦﴾ «افزون بر انجام این تکالیف، به‌راستی به خدا ایمان آورده و دیگران را نیز به صبر در مسیر بندگی خدا و مهربانی به خلق سفارش کنند» ﴿١٧﴾ کسانی که دارای این ویژگی‌ها باشند، بندگان واقعی خداوند و هم «خود خیر و برکت دارند، و هم باعث گسترش خیر و نیکی در جامعه می‌شوند» ﴿١٨﴾ اما کسانی که پیرو شهوات و هواهای نفسانی هستند و از ایمان به خدا و خدمت به خلق روی برگردانده‌اند «و با دستورات خدا مخالفت می‌کنند، آنها باعث بدبختی خود و جامعه‌اند» ﴿١٩﴾ و به سزای این کفر و گمراهی، در قیامت «به آتش سوزانی که کاملاً بر آنها احاطه دارد و هیچ راه گریزی از آن ندارند، دچار می‌شوند» ﴿٢٠﴾

جُزء
۳۰

آیا اگر خدا این نعمت‌ها را به انسان نمی‌داد، او می‌توانست به ثروت و قدرت برسد؟ پس چرا تصور می‌کند که هر چه دارد، تنها نتیجه تلاش‌های خودش است؟ و چرا از انفاق آنچه که خدا به او داده است، بخل می‌ورزد؟

عامل دوم

درک نادرست از شیوه بندگی خدا

اگر کسی اعمال کوچک خود را بزرگ می‌بیند و با انفاق مبلغ اندکی به خود می‌بالد، برای این است که درک نادرستی از بندگی واقعی خدا دارد و «هنوز بر گردنه صعب‌العبور بندگی خدا گام نهاده است» ﴿١١﴾ «آیا می‌دانی آن گردنه چیست» و چگونه می‌توان از آن عبور کرد؟ ﴿١٢﴾ کسانی توان بالا رفتن از گردنه سخت بندگی خدا را دارند که «از دارایی خود برای آزاد کردن بردگان استفاده کنند» ﴿١٣﴾

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۝۱ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ۝۲ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ۝۳ وَاللَّيْلُ إِذَا بَغَشَّهَا ۝۴ وَالسَّمَاءُ
وَمَا بَيْنَهَا ۝۵ وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَّهَا ۝۶ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّهَا ۝۷ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝۸ قَدْ
أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝۹ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝۱۰ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝۱۱ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝۱۲
فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝۱۳ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ
رَبُّهُم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝۱۴ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝۱۵

سوره شمس

پیامدهای تزکیه نکردن نفس

معرفی سوره

سوره شمس از سوره‌های مکی قرآن است. «شمس» به معنای خورشید است. سوره شمس از دو گفتار تشکیل شده است و درباره پیامدهای فردی و اجتماعی تزکیه نکردن نفس سخن می‌گوید.

گفتار اول

محرومیت از رستگاری ابدی

به نام خداوند بخشنده مهربان

رستگاری انسان در گرو پاکی نفس است. برای پاک کردن نفس خود از آلودگی‌ها باید گرایش‌های متضاد درونی را به‌سوی خوبی و بدی کنترل کرد. همان‌گونه که خداوند برای نظم دادن به جهان هستی، امور متفاوت را با هم هماهنگ کرده است. پس «سوگند به خورشید و زمانی که از افق بالا بیاید و نور آن همه جا را فرا گیرد.» ۱

«و سوگند به ماه [در موقعیتی کاملاً متفاوت با خورشید] که در شب‌های بسیار تاریک، بلافاصله پس از غروب خورشید آشکار می‌شود.» ۲

«و سوگند به روز، هنگامی که خورشید را آشکار می‌کند.» ۳ «و سوگند به شب، هنگامی که خورشید را می‌پوشاند.» ۴ که دو زمان کاملاً در مقابل هم هستند. «و سوگند به آسمان و عناصری که آسمان با آن ساخته شده است.» ۵ «و سوگند به [جهت مخالف آن یعنی] زمین و عواملی که آن را گسترانید.» ۶

«و سوگند به نفس آدمی و گرایش‌های متفاوت مادی و معنوی آن که خداوند آنها را تنظیم و هماهنگ کرده است.» ۷ «و به آدمی آموخته است چگونه نفس به‌سوی پلیدی و گناه می‌رود و چگونه می‌توان آن را از گناه و انحراف حفظ نمود.» ۸ آری! سوگند به همه پدیده‌هایی که با هم متفاوتند اما یک مجموعه منظم را به‌وجود می‌آورند که «هر کس نفس خود را از پلیدی‌ها پاک کرد، به سعادت می‌رسد.» ۹ «و هر کس آن را با گناه پوشاند، از دستیابی به سعادت محروم می‌ماند» و جز اندوه و حسرت چیزی برای او باقی نمی‌ماند. ۱۰

گفتار دوم فساد و هلاکت جامعه

انسان تزکیه نشده و آلوده به گناه نه تنها خود را از کمال و سعادت محروم می‌کند، بلکه چه بسا موجب گمراهی و هلاکت یک جامعه شود.

همان‌گونه که قوم متملن و پیشرفته ثمود به دلیل پیروی از فردی فاسد و شقی که نفس خود را تزکیه نکرده بود، به عذاب الهی دچار شده، نابود شدند.

قوم ثمود حاضر نبودند دستورات و قوانین خدا را در جامعه خود پیاده کنند و «تجاوز از حدود الهی، راهنمایی‌های پیامبران صالح را نادیده گرفتند.» زیرا «گمراه‌ترین و فاسدترین فرد قوم ثمود برای مخالفت با خدا و پیامبرش به پا خاسته بود» و آنها نیز از وی پیروی کردند. ۱۲

«پیامبر خدا به قوم ثمود هشدار داده بود که دستور خدا را درباره شتری که معجزه و حجتی از سوی خدا بود، به‌طور کامل رعایت کنند و مانع آب خوردن او در روز مقرر نشوند.» ۱۳

اما قوم ثمود به سخن او گوش ندادند و از وسوسه‌های همان شخص فاسد پیروی کردند، در نتیجه «ابتدا سخنان حضرت صالح را درباره رعایت حقوق این شتر تکذیب کردند و آن را بی‌اساس دانستند، سپس به شتر حمله کرده، او را از پای در آوردند.» وقتی خبر کشته شدن «شتر خدا» در شهر پیچید، حضرت صالح به قوم ثمود اعلام کرد که حجت خدا بر شما تمام شده، به زودی عذاب الهی فرا می‌رسد. اما قوم ثمود با آنکه نشانه‌های عذاب را دیدند، به‌جای توبه و اظهار پشیمانی، بر ادامه راه نادرست خود اصرار کردند. «خداوند هم به سبب نافرمانی و گناهی که انجام دادند، همه آنها را به هلاکت رساند و شهرشان را با ایجاد صدایی هولناک، با خاک یکسان نمود و احدی از آنان را زنده نگذاشت.» ۱۴

از آنجا که این عذاب عمومی پس از اتمام حجت بر همه قوم ثمود بود، «خداوند از اینکه می‌آدا به آنها ظلمی شده باشد، هیچ هراسی به خود راه نداد» ۱۵ و همه آنها را هلاک نمود.

شمس

پیامدهای تزکیه نکردن نفس

پیامد دوم:

فساد و هلاکت جامعه
(مانند قوم ثمود)

(۱۱-۱۵)

نکته اول

پیروی قوم ثمود
از گمراه‌ترین فرد
جامعه
(۱۱-۱۲)

نکته دوم

مخالفت قوم ثمود
با رسول خدا
و کشتن شتر
(۱۳)

نکته سوم

هلاکت و نابودی
قوم ثمود
(۱۴-۱۵)

پیامد اول:

محرومیت از رستگاری

(۱-۱۰)

نکته اول

سوگند به
پدیده‌هایی که
ویژگی‌های متفاوت
دارند
(۱-۶)

نکته دوم

سوگند به نفس
انسان که دارای
دو حالت پاکی
و پلیدی است
(۷-۸)

نکته سوم

تأثیر تزکیه نفس
در رستگاری
(۹-۱۰)

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۝
فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَانْفَكَّى ۝ وَصَدَقَ بِالْحَسَنَى ۝ فَنَسِيْبُهُ لِّلْغَنَى ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ
وَاسْتَعْتَنَى ۝ وَكَذَّبَ بِالْحَسَنَى ۝ فَنَسِيْبُهُ لِّلْغَنَى ۝ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۝

سوره لیل

تأثیر انفاق و بخل در سعادت انسان

گفتار اول

تأثیر انفاق و بخل در هموار شدن راه سعادت

سوره
لیل

برخی از افراد با آنکه به خدا اعتقاد دارند، اما حاضر به انفاق مال خود در راه خدا نیستند، برخی دیگر به راحتی انفاق می‌کنند و از مال و جان خود در راه خدا می‌گذرند. هر یک از این رفتارها تأثیر متفاوتی در روح و سرنوشت انسان دارد. «اما آن کس که در راه خدا به نیازمندان کمک می‌کند و آن‌گاه که انفاق می‌کند، دستورات خدا را [درباره خالص کردن نیت و اجتناب از منت‌گذاری و اذیت نیازمندان] رعایت کند.» ﴿۵﴾

«و وعده خدا درباره پادشاه‌های نیکو به انفاق کنندگان را باور کند،» و ﴿۶﴾ یقین داشته باشد که خدا کار او را بدون پادشاه نخواهد گذاشت؛ «بدون شک ما هم انجام کارهای شایسته و ورود به بهشت را برای او آسان خواهیم نمود.» ﴿۷﴾ و خداوند به او نورانیت و توفیقی می‌دهد تا مسیر بندگی و کمال معنوی را با سهولت بیشتری انجام دهد.

اما تأثیر بخل و بی‌تقوایی در زندگی انسان چنین است که «اگر کسی از بخشش مال خود بخل ورزد و با تکیه بر مال و ثروتش، خود را از خدا بی‌نیاز بداند» و خیال کند گردآوری مال دنیا برای او از بندگی خدا سودمندتر است، ﴿۸﴾ «و وعده‌های نیکوی خدا درباره انفاق کنندگان را دروغ بشمارد» و رسیدن به ثروت و قدرت دنیوی در نظرش ارزشمندتر از بهشت باشد؛ ﴿۹﴾ «پس ما نیز انجام عبادات را برای او سخت خواهیم کرد» ﴿۱۰﴾ و ارتکاب گناهان را برای او آسان می‌کنیم.

هنگامی که به خاطر بخل و دنیاپرستی، توفیق عبادت از انسان سلب شد، به تدریج معنویت و نورانیت ایمان را نیز از دست می‌دهد و سرانجام در آخرت به عذاب الهی دچار می‌شود «و در آن هنگام که در آتش دوزخ سقوط می‌کند، متوجه می‌شود که مال و ثروتش برای او کارساز نیست.» ﴿۱۱﴾

معرفی سوره

سوره مبارکه لیل از سوره‌های مکی قرآن است. «لیل» به معنای شب می‌باشد.

انفاق در راه خدا تأثیر بسزایی در تزکیه نفس انسان و رشد و تعالی آن دارد. در مقابل، بخل و دل‌بستگی به مال دنیا، زمینه رشد بسیاری از ردایل اخلاقی و دور شدن از کمالات معنوی را در انسان فراهم می‌کند. سوره مبارکه لیل برای آگاه نمودن انسان‌ها از این حقیقت بزرگ معنوی، به بیان تأثیر انفاق و بخل در سعادت انسان می‌پردازد. این سوره از یک مقدمه و دو گفتار تشکیل شده است.

مقدمه

بی‌هدف بودن تلاشی برخی انسان‌ها در زندگی

به نام خداوند بخشنده مهربان

بسیاری از انسان‌ها برای اصلاح نفس خود برنامه مشخصی ندارند و رفتارهای کاملاً متفاوتی انجام می‌دهند؛ رفتارهایی که به اندازه فاصله میان شب و روز و نر و ماده با هم متفاوت است. پس «سوگند به شب، آن‌گاه که همه چیز را بپوشاند.» ﴿۱﴾ «و سوگند به روز، آن‌گاه که پدیدار گردد.» ﴿۲﴾ «و سوگند به خدایی که نر و ماده را از ویژگی‌های متفاوت ساخته است.» ﴿۳﴾ سوگند به این امور که شما در زندگی خود از یک راه و روش واحد پیروی نمی‌کنید؛ گاه در مسیر توحید و بندگی خدا قرار دارید، و گاه در مسیر پیروی از هوای نفس؛ به این ترتیب، «سعی و تلاش شما در زندگی پراکنده و بی‌هدف است.» ﴿۴﴾

جزء
۳۰

لیل

تأثیر انفاق و بخل در سعادت انسان

مقدمه

بی‌هدف بودن تلاش برخی انسان‌ها در زندگی
(۱-۴)

گفتار دوم:

تأثیر انفاق و بخل در
سعادت اخروی
(۱۲-۲۱)

سوره
۹۲

نکته اول

سرانجام بخل
و رویگردانی
از خدا
(۱۲-۱۶)

نکته دوم

سرانجام انفاق
و جلب رضایت خدا
(۱۷-۲۱)

گفتار اول:

تأثیر انفاق و بخل در هموار
شدن راه سعادت
(۵-۱۱)

جزء
۳۰

نکته اول

تأثیر انفاق
در هموار شدن راه
سعادت
(۵-۷)

نکته دوم

تأثیر بخل، در هموار
شدن راه بدبختی
(۸-۱۱)

إِن عَلَيْنَا لَلْهُدَى ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى ﴿١٣﴾ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا
 الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾
 وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

کشاف دوم

تأثیر انفاق و بخل در سعادت اخروی

جزء
۳۰سوره
لیل

راه نجات از این آتش سوزان در تقوا و انفاق برای خداست، از این رو «کسانی که از دیگران باتقواترند، و افزون بر ارزش‌های انسانی، دستورات دینی را نیز رعایت می‌کنند، از عذاب دوزخ در امانند.» ﴿۱۲﴾

مهم‌ترین ویژگی چنین فردی این است که هیچ دلبستگی به دنیا ندارد و «دارایی‌اش را می‌بخشد تا بدین وسیله، از گناهان پاک شده و به کمالات معنوی دست یابد.» ﴿۱۸﴾

و هدفش از کمک به نیازمندان، جبران احسان آنان نیست، «زیرا هیچ کس بر گردن او حقی ندارد که جبران آن لازم باشد.» ﴿۱۹﴾ «بلکه انفاق او تنها برای دستیابی به خشنودی پروردگار بلندمرتبه‌اش است.» و امیدوار است به واسطه این انفاق، در دنیا

به نورانیت دورنی، و در آخرت به بهشت ابدی دست یابد. ﴿۲۰﴾ البته همان گونه که او برای رضای خدا کار می‌کرد، خدا نیز او را راضی می‌سازد و آن قدر از نعمت‌های معنوی و بهشتی به او عنایت می‌کند که «کاملاً راضی و خشنود شود.» ﴿۲۱﴾

کسانی که دچار صفت رذیله بخل شده‌اند، باید بدانند جز خودشان، هیچ کس دیگر نمی‌تواند سرنوشت آنها را تغییر دهد، زیرا «آنچه به عهده ماست، تنها هدایت انسان به سوی سعادت و نیکبختی است،» اما پیمودن مسیر سعادت به دست خود اوست. ﴿۱۲﴾

البته افراد بخیل باید بدانند ما هیچ نیازی به انفاق آنها نداریم، زیرا هستی از ابتدا تا انتها همه تحت مالکیت و قدرت ماست «و آخرت و دنیا همه از آن ماست.» ﴿۱۳﴾

اما به خاطر هدایت شما و از سر دلسوزی، «شما را از لهیب آتشی که زبانه می‌کشد و همیشه برافروخته و سوزان است، بیم دادم.» ﴿۱۴﴾

در این آتش «تنها کسانی وارد می‌شوند که از همه بدبخت‌تر و گمراه‌ترند» و هیچ توجهی به کسب کمالات معنوی ندارند و یکسره در شهوت و دنیا غرق شده‌اند. ﴿۱۵﴾

این افراد همان کسانی هستند که در زندگی دنیا، «خدا را انکار کرده، از قوانین و دستورات او روی برمی‌گردانند.» ﴿۱۶﴾

سُورَةُ الضُّحَىٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ ۝۱ وَاللَّيْلُ إِذَا سَجَىٰ ۝۲ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَاقَلَىٰ ۝۳ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ
مِنَ الْأُولَىٰ ۝۴ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝۵ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝۶
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۝۷ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝۸ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝۹
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝۱۰ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝۱۱

سوره ضحی

روش خدا در حمایت از بندگان

(با اشاره به حمایت خدا از پیامبر اکرم (ص))

معرفی سوره

سوره مبارکه ضحی از سوره‌های مکی قرآن است. «ضحی» به معنای زمان انتشار نور آفتاب بر زمین است. سوره ضحی در زمانی نازل شد که چند روزی نزول وحی بر پیامبر قطع شد و پیامبر به فکر فرو رفت که مبدا به‌خاطر این مسئله، موفق به انجام وظیفه خود نشود. در این سوره به این حقیقت اشاره می‌شود که خداوند هیچ‌گاه نظر لطف و عنایت خود را از بندگان دریغ نمی‌کند و آنها را به حال خود رها نمی‌سازد. به این منظور، به حمایت‌های خدا از پیامبر اکرم (ص) در طول دوران زندگی‌اش اشاره می‌فرماید. سوره «ضحی» از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

گستره حمایت خدا از پیامبر

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! از اینکه چند روزی است بر تو وحی نازل نمی‌شود نگران مشو، زیرا «سوگند به هنگامی که آفتاب برآید و همه جا را فرا گیرد.» ۱

«و سوگند به شب، در آن زمان که آرام گیرد و همه جا را در آرامش فرو برد.» ۲

که همان‌گونه که طلوع و غروب خورشید هر دو نمایاننده رحمت و تدبیر خداوند است، نزول وحی یا قطع موقت آن نیز بخشی از تدبیر خداست.

پس «پروردگارت هرگز تو را ترک نگفته و مورد بی‌مهری قرار نداده است.» ۳

و خدا از تو در دنیا و آخرت حمایت می‌کند. هر چند «جهان آخرت برای تو از این دنیا بهتر است.» ۴

آری، خداوند نه تنها دست از حمایت تو بر نمی‌دارد که بالاترین لطف‌ها و عنایت‌ها را نیز به تو خواهد کرد و «بزودی پروردگارت آن‌قدر به تو عطا می‌کند که خشنود شوی.» ۵

گفتار دوم

انواع حمایت‌های خدا از پیامبر

ای پیامبر! برای آنکه به لطف خدا و حمایت او از خودت دلگرم شوی، به حمایت‌های همه‌جانبه خدا از تو در طول دوران زندگی‌ات توجه کن. «ایا تو یتیم نبودی و خداوند بدون آنکه تو رنج یتیمی را احساس کنی، تو را به بهترین شکل ممکن تربیت و سرپرستی نمود؟» ۶

ایا به یاد داری هنگامی که تو هیچ آشنایی با احکام و عقاید دینی نداشتی، خداوند نور ایمان را در دلت قرار داد و سپس تو را به نبوت برگزید و به این ترتیب، «وقتی راهی به سوی دین حق نداشتی، به سوی ایمان هدایت کرد؟» ۷

ایا به یاد داری «هنگامی که تو در فقر و تنگدستی به سر می‌بردی، خداوند تو را از دیگران بی‌نیاز کرد» ۸ و تو را به استقلال مادی و اجتماعی رساند؟

گفتار سوم

عوامل مؤثر در استمرار حمایت خدا از پیامبر

ای پیامبر! اگر می‌خواهی لطف و حمایت خدا از تو همچنان ادامه داشته باشد، سه کار را همیشه انجام بده. نخست آنکه «هیچ یتیمی را از خود مران» و به آنها محبت نما. ۹

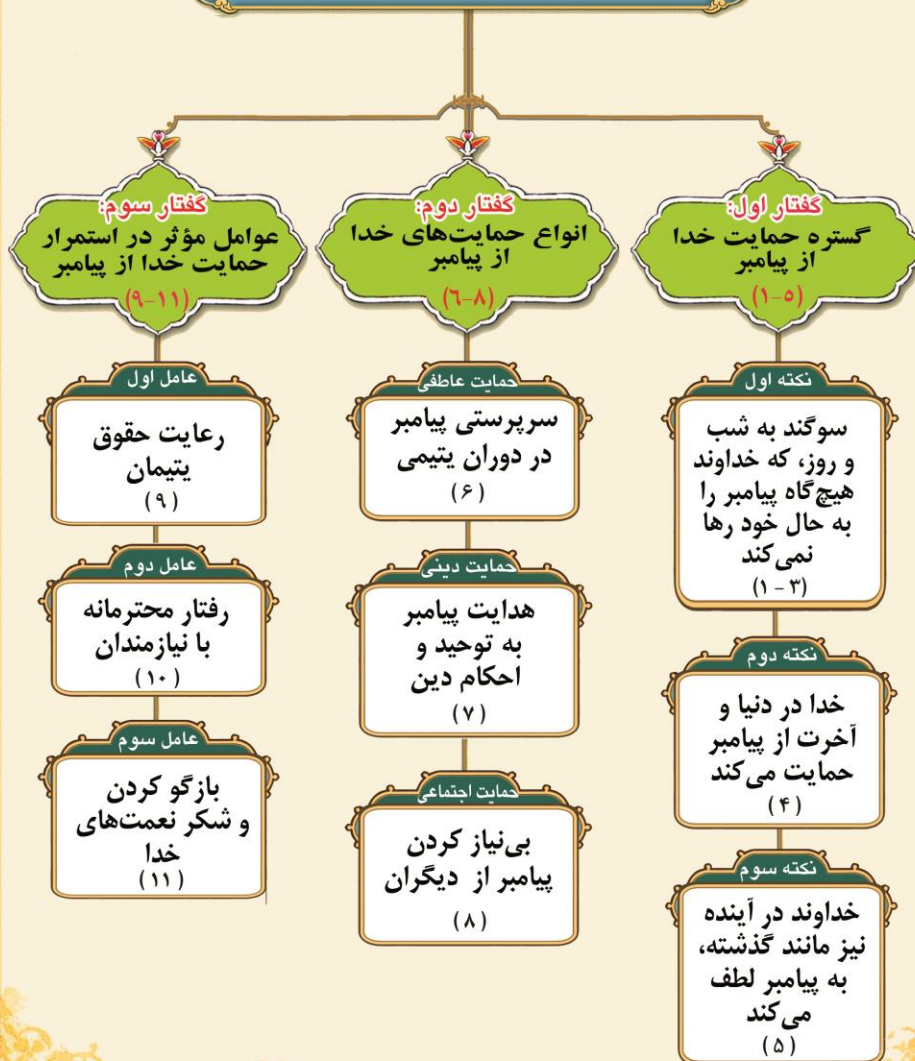
دوم آنکه «کسی را که از جهت مالی، علمی یا عاطفی به تو نیاز دارد و از تو کمک می‌طلبد، از خود مران و با او به احترام برخورد کن.» ۱۰

سوم آنکه برای برخورداری مستمر از لطف و عنایت الهی، «همیشه نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن و به دیگران اعلام کن آنچه داری، همه از لطف خداست.» ۱۱

ضحی

روش خدا در حمایت از بندگان

(با اشاره به حمایت خدا از پیامبر اکرم (ص))



سُورَةُ الشَّرْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾
 أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ
 مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ﴿٨﴾

سوره شرح

از رویارویی با مشکلات نهراسید

معرفی سوره

سوره «انشراح» یا «شرح» در نخستین سال بعثت پیامبر در مکه مکرمه نازل شده است. شرح به معنای «وسعت دادن» است. با ابلاغ دعوت توحیدی پیامبر، انبوهی از مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها از سوی مشرکان مکه متوجه پیامبر شد. حجم این مخالفت‌ها به قدری بود که پیامبر را به فکر فرو برد که مبادا نتواند بار سنگین مسؤولیت رسالت را تحمل کند و آن را به سرانجام برساند و تحمل این همه سختی، بی‌نتیجه و بی‌حاصل بماند!

سوره مبارکه شرح به این حقیقت مهم اشاره دارد که اگر انسان به‌خاطر هدف مقدسی به زحمت و مشقت افتاد، نباید نگران باشد، زیرا همین سختی‌ها باعث می‌شود که زمینه‌ها و امکانات جدیدی برای رشد و پیشرفت انسان به‌وجود آید که پیش از آن وجود نداشته است. از این رو نه تنها نباید از مشکلات هراسید، بلکه باید به استقبال آنها رفت. این سوره از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

آثار تحمل مشکلات رسالت

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول خدا! از مشکلات و سختی‌هایی که در راه انجام رسالت الهی خود با آن مواجه شده‌ای، هیچ اندوهی به دل راه نده و به یاد آور از زمانی که مسؤولیت تبلیغ دین خدا را به‌عهده گرفته‌ای، خداوند چه برکات و آثار بزرگی را برای تو رقم زده است. به‌راستی آیا از برکت تحمل این سختی‌ها، «ما به تو شرح صدر ندادیم» و قدرت روحی تو را افزایش ندادیم تا به حقایق توحیدی بیشتری دست یابی و مقام معنوی بالاتری را بتوانی کسب کنی؟ ﴿١﴾ آیا به‌رغم همه کارشکنی‌های مخالفان، زمینه پذیرش دعوت تو را فراهم نکردیم و «سنگینی بار رسالت را از دوش تو برنداشتیم»؟ ﴿٢﴾ «همان بار سنگینی که پشت تو را شکسته بود.» ﴿٣﴾

آیا به‌رغم خواست و تلاش مشرکان که می‌خواستند هیچ کس تو را نشناسد، «ما آوازه‌ات را بلند نگردانیدیم» و شرایطی را فراهم نکردیم که به سرعت نام تو در همه جا پیچید و همه برای شنیدن سخنان تو سوی تو آمدند؟ ﴿٤﴾

گفتار دوم

درس‌هایی از رویارویی با مشکلات رسالت

ای پیامبر! با توجه به آثار مثبتی که تحمل سختی‌های بار رسالت به دنبال داشته است، از آن، دو درس مهم می‌توان گرفت: نخست آنکه هر سختی، زمینه‌ساز موفقیت‌ها و عامل گشوده شدن افق‌های جدیدی در زندگی است و «بدون تردید، همراه هر سختی، گشایش و آسانی است.» ﴿٥﴾

آری! این سنت قطعی و تخلص ناپذیر خداست و «همراه هر سختی، گشایشی وجود دارد.» ﴿٦﴾

دوم آنکه با توجه به برکات و آثار مثبتی که تحمل سختی‌ها و مشکلات دارد، به‌ویژه که درون هر سختی و مصیبتی، گشایش و موفقیتی نهفته است؛ دیگر نباید از مشکلات و سختی‌ها بهراسیم، بلکه باید به استقبال سختی‌ها هم برویم. «پس هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی [و سختی‌های آن به پایان رسید]، به کار مهم دیگری بپرداز و رنج دیگری را تحمل کن.» ﴿٧﴾ «و همیشه برای خدمت به دین خدا، از خود رغبت و شوق نشان بده» و از سختی‌ها و مشکلات آن استقبال کن. ﴿٨﴾

شرح

از رویارویی با مشکلات نهراسید

گفتار دوم:

نتایج نظری رویارویی
پیامبر با مشکلات رسالت
(۵-۸)

نتیجه اول

با هر سختی،
گشایشی وجود
دارد
(۵-۶)

نتیجه دوم

به استقبال
مشکلات و سختی
ها بروید و از آنها
نهراسید
(۷-۸)

گفتار اول:

پیامدهای رویارویی پیامبر
با مشکلات رسالت
(۱-۴)

پیامد اول

افزایش ظرفیت
و تحمل روحی پیامبر
(شرح صدر)
(۱)

پیامد دوم

فراهم آمدن زمینه
پیشرفت دعوت
پیامبر
(۲-۳)

پیامد سوم

بالا رفتن نام
و آوازه پیامبر
(۴)

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

سوره تین

دین خدا، عامل سعادت انسان

معرفی سوره

سوره «تین» در مکه مکرمه نازل شده است. «تین» به معنای انجیر است. هنگامی که پیامبر اکرم به رسالت مبعوث شد، قوانین و دستورات خدا را به همگان ابلاغ کرد و از مردم خواست که از پیروی هوای نفس و آیین‌های باطل دست بردارند و تنها از دین خدا پیروی کنند. اما مشرکان مکه می‌گفتند: چه ضرورتی دارد که ما دست از آیین پدران خود برداریم و به دین اسلام ایمان بیاوریم؟ در این شرایط، سوره مبارکه «تین» نازل شد و با اشاره به برتری دین خدا و اثر آن در سعادت انسان، به اهمیت و ضرورت پیروی از اسلام اشاره نمود. سوره «تین» از دو گفتار و یک نتیجه تشکیل شده است.

گفتار اول

پرورش استعداد های انسان در پرتو دین خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوند با برانگیختن پیامبران در زمان‌های مختلف و از مکان‌های متفاوت، دین خود را برای همگان تبیین کرده تا انسان‌ها با پیروی از دین خدا، به سعادت و کمال دست یابند. آری! «سوگند به کوهستانی که پوشیده از درختان انجیر است» و نزدیک شهر دمشق قرار دارد و حضرت نوح به عنوان نخستین پیامبر دارای شریعت، از آنجا به رسالت مبعوث شد. «و سوگند به کوهستانی که دارای درختان زیتون است» و شهر بیت المقدس در دامنه آن قرار دارد و حضرت ابراهیم از آنجا به رسالت مبعوث شد. ﴿١﴾ «و سوگند به کوه سینا» که حضرت موسی از آنجا به رسالت مبعوث شده. ﴿٢﴾

«و سوگند به این سرزمین امن» یعنی مکه؛ که پیامبر اسلام از اینجا به رسالت برانگیخته شده است. ﴿٣﴾ که «ما نهاد انسان را به بهترین شکل ممکن آفریدیم» ﴿٤﴾ و در او، عقل خداجو و قنطرت کمال طلب را قرار دادیم تا در پرتو شریعتی که توسط پیامبران خدا در همه زمان‌ها و مکان‌ها به جامعه بشری ابلاغ شده است، به سعادت و نیکی‌ختی راه یابد.

گفتار دوم

دین خدا مانع هلاکت و عامل نجات انسان

تنها راه سعادت و کمال انسان پیروی از دین خداست، و پیمودن هر راهی به جز راه خدا در زندگی، باعث دور شدن انسان از مقام جایگاه واقعی خود می‌شود. از این رو با آنکه انسان برترین مخلوق خداست، اما اگر در مخالفت با قوانین دین اصرار نماید، از مقام انسانی تنزل کرده و بر اساس سنت الهی، «او را از هر موجودی پست‌تر می‌گردانیم». ﴿٥﴾ بنابراین «تنها کسانی که به خدا ایمان آورده و اعمالی که شایسته مقام بندگی خداست انجام دهند، به سعادت دست یافته و از اجر و پاداش بی‌پایان خدا در دنیا و آخرت بهره‌مند می‌شوند». ﴿٦﴾

نتیجه

نادستی مخالفت با دین خدا

از آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که تنها راه پرورش استعداد های انسانی و کسب کمال معنوی این است که انسان به‌طور کامل به شریعت الهی و قوانین و دستورات دینی عمل کند. از این رو باید از کسانی که در زندگی خود به احکام دینی توجه نمی‌کنند پرسید: به راستی «چه چیزی تو را به مخالفت با دین خدا برمی‌انگیزاند؟» ﴿٧﴾

آیا فکر می‌کنی قانون و برنامه‌ای بهتر از دین خدا وجود دارد که با آن بتوان سعادت و کمال انسان را تضمین کرد؟ «مگر نه این است که خداوند بهترین داور و قانونگذار است» و چون بهتر از هر کس از آفرینش انسان و نیازهای او آگاه است، بهترین قانون را برای او وضع می‌کند؟ ﴿٨﴾

تین

دین خدا، عامل سعادت انسان

گفتار دوم:

دین خدا مانع هلاکت
و عامل نجات انسان

(۵-۶)

نکته اول

استعداد انسان برای
تبدیل شدن به پست
ترین موجودات
(۵)

نکته دوم

عمل به دین خدا،
راه رسیدن به
رستگاری ابدی
(۶)

گفتار اول:

پرورش استعداد های انسان
در پرتو دین خدا

(۱-۴)

نکته اول

سوگند به
مکان های نزول
دین خدا
(۱-۳)

نکته دوم

آفرینش انسان با
استعداد دستیابی به
برترین کمالات
(۴)

نتیجه

نادرستی مخالفت
با دین خدا

(۷-۸)

سُورَةُ الْحَاقِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَفَرَأَيْتَ لِسِيرَتِكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَفَرَأَوْ رَبَّكَ الْأَكْثَرُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿٦﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿٩﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا نُطْعُهُ وَأَسْجُدُ ﴿١٩﴾ وَاقْتَرِبُ ﴿٢٠﴾

سوره حلق

دعوت به بندگی پروردگار

معرفی سوره

سوره مبارکه علق در مکه نازل شده است. پیامبر اسلام (ص) سه سال قبل از آنکه به رسالت مبعوث شوند، به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خدا رسیده بودند. از جمله سوره حمد بر ایشان نازل شده و پیامبر در نماز خود آن را قرائت می‌کردند. برخی مشرکان که نماز خواندن پیامبر را مشاهده می‌کردند، به مخالفت با ایشان برخاسته، مانع نماز خواندن پیامبر می‌شدند. در این هنگام، خداوند سوره علق را نازل کرد و به پیامبر مأموریت داد تا خدایی را که عبادت می‌کند، به مردم معرفی نماید و همگان را به بندگی او فرا خواند و از مخالفان نهراسد.

کشاف اول

معرفی پروردگار به انسان ها

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! تو در گام نخست مأموریت داری خدایی را که می‌پرستی، به مردم معرفی کنی و برتری او را نسبت به خدایان باطلی که مشرکان می‌پرستند نشان دهی. به این منظور «اسماء و صفات پروردگارت را بر مردم بخوان؛ همان پروردگاری که انسان را آفریده است.» ﴿١﴾

«او انسان را از علق که نخستین مرحله شکل‌گیری جسم انسان در رحم مادر است، آفریده است.» ﴿٢﴾

آری، «صفات خدا را بر مردم بخوان، زیرا پروردگار تو از هر ریی کریم‌تر و کامل‌تر است» و در آفرینش و پرورش انسان‌ها، همه نیازهای آنها را در نظر گرفته است. ﴿٣﴾

از جمله آنچه را انسان بدان نیاز داشت، به او یاد داد و «بسیاری از دانش‌ها را به‌وسیله قلم و انتقال از نسلی به نسل دیگر، به آدمی تعلیم داد.» ﴿٤﴾ و آنچه را انسان از طریق قلم نمی‌توانست بیاموزد، از طریق پیامبران به او آموخت و بدین ترتیب، «هر آنچه را انسان نمی‌دانست، به او یاد داد.» ﴿٥﴾

کشاف دوم

نادرستی سرکشی در برابر پروردگار

با آنکه خدای بزرگ انسان را آفریده، او را پرورش داده است، اما برخی انسان‌ها در برابر فرمان خدا سرکشی می‌کنند. ﴿٦﴾ اگر انسانی در برابر فرمان خدا سرکشی کند، برای این است که به این نکته

توجه ندارد که همه وجودش وابسته به خداست و «می‌پندارد که از خدا بی‌نیاز است.» ﴿٧﴾

اما این رفتار به دو دلیل درست نیست: نخست آنکه «بازگشت انسان به‌سوی

خداست» ﴿٨﴾ و اوست که همه نیازهای انسان را برآورده کرده است و در روز قیامت، انسان باید در برابر او پاسخگوی اعمال خود باشد.

دوم آنکه طغیان در برابر خدا و نافرمانی از دستورات او، فرجامی جز خواری و ذلت ندارد. ازاین‌رو باید از کسانی که حاضر به بندگی خدا نبوده، مانع نماز خواندن پیامبر می‌شوند پرسید: «آیا سرانجام کسی را که طغیان و سرکشی در مقابل خدا را به آنجا رسانیده که از عبادت و نماز خواندن بنده خدا جلوگیری می‌کند می‌دانی؟» ﴿٩﴾ ﴿١٠﴾

«آیا می‌دانی اگر آن بنده نمازگزار بر طریق هدایت باشد و کسی باشد که دیگران را به تقوا و پیروی از فرمان خدا بخواند، چه فرجام شومی در انتظار تو است؟» ﴿١١﴾ ﴿١٢﴾

«آیا می‌دانی اگر انسان خدا را انکار کند و از عمل کردن به فرمان خدا رو برگرداند، خدا چگونه او را مجازات می‌کند؟» ﴿١٣﴾ به‌راستی کسی که چنین رفتار زشتی را مرتکب می‌شود، «آیا نمی‌داند که خداوند همه اعمال او را می‌بیند و به‌زودی او را مجازات خواهد کرد؟» ﴿١٤﴾

مجازات چنین شخص هتاک و گستاخی که مانع از عبادت و بندگی خدا می‌شود، این است که «اگر دست از این کار برندارد، موی پیشانی‌اش را می‌گیریم و با ذلت و حقارت، او را به‌سوی دوزخ می‌کشانیم.» ﴿١٥﴾ آری! «حتماً موی پیشانی آن دروغگوی گناهکار را خواهیم گرفت.» ﴿١٦﴾ در این هنگام، هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی عذاب او را بگیرد. ولی اگر او بخواهد،

«می‌تواند یاران همدل و افراد قبیله‌اش را به کمک فرا خواند.» ﴿١٧﴾ اما این کار هیچ سودی ندارد، زیرا «ما هم مأموران دوزخ را که بسیار قوی و فرمانبردارند، فرا می‌خوانیم» و او و یارانش را به دوزخ می‌افکنیم، ﴿١٨﴾

ای پیامبر! با توجه به اینکه خدای تو از همه خدایان دروغین برتر است و مخالفان تو در گمراهی و ضلالتند، پس «هرگز از راه و روش مخالفان پیروی نکن، بلکه پیرو فرمان خدا باش و به درگاه او سجده کن و با پیروی از فرمان خدا، به او نزدیک شو.» ﴿١٩﴾

خلق

دعوت به بندگی پروردگار

گفتار دوم

نادرستی سرکشی در برابر پروردگار

(۶-۱۹)

دلیل اول

وابستگی همه امور
انسان به خدا

(۶-۸)

دلیل دوم

خواری و ذلت،
سرانجام سرکشی
در برابر خدا

۱. نمونه‌هایی از سرکشی در برابر خدا
۲. مجازات سرکشی در برابر خدا

(۹-۱۸)

نتیجه

تنها بندگی خدا
را به جا آور

(۱۹)

گفتار اول

معرفی پروردگار به انسان‌ها

(۱-۵)

نکته اول

مأموریت پیامبر
در معرفی پروردگار
به مردم

(۱-۳)

نکته دوم

نشانه‌های برتری
خدا بر سایر خدایان

۱. آفرینش انسان
۲. تدبیر انسان از مرحله خلق
۳. برتری ذاتی خداوند بر همگان
۴. آموزش همه علوم به انسان

(۱-۵)

سُورَةُ الْقَدْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ نَزَّلَ الْمَلَكُ وَالرُّوحُ
 فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ ﴿٤﴾ سَلَّمَ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

سوره قدر

اهمیت و ویژگی های شب قدر

معرفی سوره

سوره قدر در مکه نازل شده است. «قدر» به معنای اندازه و ارزش است.

سوره قدر به بیان اهمیت و منزلت شب قدر می پردازد و ضمن آنکه مؤمنان را به عبادت و بندگی خدا در آن شب دعوت می کند، الطاف ویژه خدا به مسلمانان را خاطرنشان می سازد که چگونه خداوند برای امت پیامبر اسلام فرصتی را فراهم کرده است که در یک شب، به ثواب و پاداش عبادت هزار ماه که برابر با یک عمر است برسند. در این سوره ارزش شب قدر از چهار جهت بیان می شود:

جزء ۳۰

سوره قدر

ویژگی سوم

تعیین سرنوشت

یکی دیگر از ویژگی های استثنایی شب قدر این است که در این شب، آنچه تا سال آینده باید رخ دهد، مشخص می گردد. از جمله مقدار رزق و روزی، مرگ ها و تولدها و حوادث طبیعی، و حتی مقدار توفیق افراد در اطاعت و بندگی خدا مشخص و مقدر می شود. زیرا «در این شب همه فرشتگان و روح [که موجودی برتر از فرشتگان است]، به اذن پروردگارشان فرود می آیند تا هر امری را تدبیر کنند.» ﴿٤﴾

ویژگی چهارم

جلب رحمت خدا

آخرین ویژگی شب قدر این است که از ابتدا تا پایان آن، بندگان مورد عنایت و توجه خاص خداوند سبحان قرار دارند و «آن شب تا دمیدن سپیده، برای بندگان که به خدا روی می آورند، شب برکت و دریافت رحمت اوست.» ﴿٥﴾

ویژگی اول

نزول قرآن

به نام خداوند بخشنده مهربان

از نشانه های اهمیت و ارزشمندی شب قدر این است که در آن، هر ساله قرآن کریم با همه حقیقتش نازل می شود. آری، «ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.» ﴿١﴾ «و تو چه می دانی که شب قدر چیست و چه عظمتی دارد؟» ﴿٢﴾

ویژگی دوم

کمال یابی

در عظمت و بزرگی شب قدر همین بس که «شب قدر از هزار ماه بهتر است.» ﴿٣﴾

قدر

اهمیت و ویژگی‌های شب قدر

شب قدر،
شب نزول قرآن

ویژگی اول:
نزول قرآن
(۱-۲)

عبادت شب قدر،
برتر از هزار ماه

ویژگی دوم:
کمال یابی
(۳)

شب قدر، شب
تقدیر همه امور

ویژگی سوم:
تعیین سرنوشت
(۴)

شب قدر تا به صبح،
شب رحمت است

ویژگی چهارم:
جلب رحمت خدا
(۵)

سُورَةُ الْبَيِّنَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمَ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝۱ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۝۲ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ۝۳ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝۴ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ۝۵ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝۶ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝۷ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۝۸

سوره بینه

اتمام حجت با مخالفان اسلام

معرفی سوره

سوره مبارکه بینه در حدود سال هفتم هجرت در مدینه نازل شده است. «بینه» به معنای دلیل روشن و آشکار است. هدف اصلی سوره مبارکه بینه، بیان این حقیقت است که حجت بر مخالفان قرآن و پیامبر اسلام، اعم از اهل کتاب و مشرکان تمام شده است و آنان با آنکه حق را تشخیص داده‌اند، اما از ایمان آوردن به آن اجتناب می‌کنند. سوره بینه از دو گفتار اصلی تشکیل شده است.

سوره
بینه

آنها به‌خاطر ایمان نیاوردن به پیامبر خدا، مستحق نکوهش و ملامت هستند. به‌راستی چرا آنها به این آیین الهی ایمان نیاوردند، «در حالی که تنها دستوری که به آنها داده شده بود، این بود که خدا را پرستند و بدون آنکه از راه اعتدال منحرف شوند، تنها از خدا اطاعت کنند و نماز را برپا دارند و زکات ببردارند. و بی‌شک این آیین، همان دینی است که سعادت جامعه انسانی را تضمین می‌کند.» ۵

گفتار دوم

فرجام مخالفت با حجت خدا

کسانی که با لجاجت و سرکشی در برابر پیامبر خدا صف‌آرایی کردند و از ایمان آوردن به او سر باز زدند، باید بدانند که «جایگاه همه کسانی که با دین خدا مخالفت کردند، اعم از اهل کتاب و مشرکان، در آتش دوزخ است و تا ابد در آنجا خواهند ماند» و آنان با این کار خود، به بدترین مخلوقات خدا تبدیل شده‌اند. ۶
زیرا همه موجودات در راستای هدفی که برای آن آفریده شده‌اند گام برمی‌دارند، اما آنها آگاهانه برخلاف هدف اصلی آفرینش خود که بندگی خداست، حرکت کرده، عقل و فطرت خود را پایمال کردند.
اما «کسانی که به حقیقت انسانی خود پایبند بوده و به خدا و رسولش ایمان آورده، کارهای شایسته کرده‌اند، بهترین مخلوقات خداوند می‌باشند.» ۷
«پادشاه آنان نزد پروردگارشان، بوستان‌های پایدار بهشتی با درختان انبوهی است که از زیر آنها نهرها روان است. در آنجا برای همیشه ماندگارند.» در آنجا خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند. «این همه نعمت مادی و معنوی برای کسی است که مقام پروردگار در نظرش بزرگ است» ۸ و با فرمان و شریعت او مخالفت نمی‌کند.

گفتار اول

مخالفت اهل کتاب و مشرکان با حجت خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان
یهودیان و مسیحیان و بت‌پرستانی که با تعالیم قرآنی مخالفت کرده و رسالت پیامبر اسلام را انکار می‌کردند، ادعا می‌کنند که آیین آنها حق است، در حالی که «اهل کتاب و مشرکان که به اسلام کافر شده‌اند، هیچ‌گاه از عقاید شرک‌آمیز خود دست برنداشتند [و به پیروی از هوای نفس، در دین خدا بدعت‌های زیادی ایجاد کردند] تا آنکه دلیلی روشن و غیر قابل انکار برای آنها آمد.» ۱
«آن دلیل آشکار، فرستاده‌ای است از جانب خدا که صحیفه‌های پاک قرآن را بر آنان تلاوت می‌کند.» ۲
«در آن صحیفه‌ها نوشته‌هایی است که احکام و معارف الهی را که برپا دارنده امور جامعه انسانی است، بیان می‌کند.» ۳
با ارسال چنین دلیل روشن و هدایتگری، انتظار می‌رفت همه یهودیان و مسیحیان و مشرکان به رسول خدا ایمان بیاورند. اما آنها به دو گروه تقسیم شدند و بیشتر آنها با آنکه حق را تشخیص داده بودند، به مخالفت با آن پرداختند و تنها تعداد اندکی از آنها به رسول خدا ایمان آوردند؛ با آنکه همه آنها قبل از آمدن پیامبر بر حقانیت او اتفاق نظر داشتند و منتظر ظهور پیامبر اسلام و بعثت او بودند. آری! «کسانی که شریعت و کتاب آسمانی به آنان داده شد، به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم نشدند، مگر پس از آنکه

جزء
۳۰

بینه

اتمام حجت با مخالفان اسلام

گفتار دوم:

فرجام مخالفت
با حجت خدا
(۶-۸)

نکته اول

جایگاه دشمنان
حق جهنم است
(۶)

نکته دوم

جایگاه اهل ایمان
بهشت است
(۷-۸)

گفتار اول:

مخالفت اهل کتاب
و مشرکان با حجت خدا
(۱-۵)

نکته اول

پافشاری اهل کتاب
و مشرکان بر
کفر خود پس از
بعثت پیامبر
(۱-۴)

نکته دوم

حقانیت تعالیمی
که اهل کتاب
و مشرکان با آن
مخالفت کردند
(۵)

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ وَقَالَ الْإِنْسَانُ
مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ
النَّاسُ أَشْنَا ۝ لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا
يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝

سوره زلزال

گواهی زمین بر اعمال انسان

معرفی سوره

سوره زلزال در مدینه نازل شده است. «زلزال» به معنای لرزش بسیار شدید و بی‌دربی است. سوره زلزال زمین را به عنوان یکی از شاهدان اعمال معرفی می‌کند و با بیان این حقیقت، تأثیر بسزایی در مخاطبان خود به جا می‌گذارد، زیرا اگر کسی به این حقیقت توجه کند که زمینی که بر آن ایستاده، همچون چشمانی بیدار همه حرکات و افکار او را ثبت می‌کند و روزی علیه او گواهی خواهد داد، هیچ‌گاه خود را تنها نمی‌یابد و به راحتی به خود جرأت گناه نمی‌دهد. سوره زلزال از دو گفتار تشکیل شده است.

جزء
۳۰سوره
زلزال

در مرحله سوم، زمین به فرمان خدا به سخن در می‌آید و به عنوان یکی از شاهدان اعمال، «خبرهای خود را درباره اعمال خوب و بد انسان‌ها بازگو می‌کند». ۴
البته باید توجه داشت که اگر زمین اعمال انسان را ثبت می‌کند و در آخرت علیه انسان گواهی می‌دهد، همه «به‌خاطر این است که پروردگارت به او فرمان داده که چنین کند» ۵ و او بدون اجازه خداوند، هیچ کاری را انجام نمی‌دهد.

گفتار دوم

پیامدهای گواهی زمین بر اعمال انسان

پس از آنکه زمین و سایر شاهدان نسبت به اعمال انسان گواهی دادند و محاکمه انسان‌ها به پایان رسید، «کسانی که برای رسیدگی به اعمال خود در دادگاه عدل الهی گرد آمده بودند، دسته دسته پراکنده می‌شوند تا حقیقت اعمالشان به آنها نشان داده شود». ۶

آن‌گاه زمان مشاهده حقیقت اعمال به صورت نعمت‌های بهشتی یا عذاب دوزخی فرا می‌رسد. در این هنگام هیچ یک از اعمال انسان، هر چند کوچک و به ظاهر بی‌ارزش باشد، از قلم نمی‌افتد؛ زیرا زمین همه آنها را ثبت کرده است. حتی محاسبه نفس‌های انسان و تعداد لحظاتی که نیت خالص یا انگیزه گناه داشته است، همگی با دقت فوق‌العاده محاسبه و جزا داده می‌شود. در نتیجه، «هرکس به اندازه ذره‌ای کار نیک کند، آن را خواهد دید» ۷ «و هرکس به اندازه ذره‌ای بدی کند، آن را خواهد دید». ۸

گفتار اول

مراحل فرا رسیدن زمان گواهی زمین بر اعمال انسان

به نام خداوند بخشنده مهربان

یکی از شاهدان اعمال در قیامت، زمین است. خداوند سبحان در زمین ویژگی خاصی قرار داده است که هر عملی را که انسان بر روی آن انجام دهد، با دقت فوق‌العاده‌ای ثبت و ضبط می‌کند. برای آنکه زمین در دادگاه عدل الهی حاضر شده، بر اعمال انسان شهادت دهد، مراحل را طی می‌نماید.

مرحله نخست هنگامی است که «زمین با شدت فوق‌العاده‌ای به لرزش در آید». ۱ با وقوع این زلزله، هر چه روی زمین است، نابود و متلاشی می‌شود و همه کوه‌ها و دریاها و جنگل‌ها از بین می‌روند.

در مرحله دوم، «زمین سنگینی خود را بیرون می‌ریزد» و به شکل دیگری در می‌آید که با وضعیت فعلی کاملاً متفاوت است. ۲

در این هنگام با مشاهده وضعیت عجیب و بی‌سابقه زمین، «انسان از خود می‌پرسد: زمین را چه شده است» و در پی این تغییرات گسترده، چه اتفاقی برای زمین رخ خواهد داد؟ ۳

زلزله

گواهی زمین بر اعمال انسان

گفتار دوم:

پیامدهای گواهی زمین
بر اعمال انسان
(۶-۸)

پیامد اول

بازگشت از دادگاه
عدل الهی برای
مشاهده اعمال
(۶)

پیامد دوم

مشاهده حقیقت
کوچک ترین
اعمال نیک و بد
(۷-۸)

گفتار اول:

مراحل فرارسیدن زمان
گواهی زمین بر اعمال انسان
(۱-۵)

مرحله اول

لرزش بزرگ زمین
و از بین رفتن نظم
فعلی آن
(۱)

مرحله دوم

تبدیل شدن زمین
دنیا به زمین قیامت
(۲-۳)

مرحله سوم

گواهی زمین
بر اعمال انسان
(۴-۵)

سُورَةُ الْعَادِيَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَدِيَّتِ صَبَحًا ۝۱ فَالْمُورِيَّتِ قَدَحًا ۝۲ فَالْمَغِيرَتِ صُبْحًا ۝۳ فَأَثَرُنَ بِهِ
 نَقْعًا ۝۴ فَوْسَطْنَهُ جَمْعًا ۝۵ إِنَّ إِلَيْنَا لَنَسْنَأْ لِرَبِّهِ لَكُنُودٌ ۝۶ وَإِنَّهُ عَلَى
 ذَلِكَ لَشَهِيدٌ ۝۷ وَإِنَّهُ لِحَبِيبِ آلَخَيْرِ لَشَدِيدٌ ۝۸ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ
 مَا فِي الْقُبُورِ ۝۹ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ۝۱۰ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ۝۱۱

سوره عادیات

راه‌های درمان سستی انسان در بندگی خدا

معرفی سوره

سوره عادیات در مکه و در سال نخست بعثت نازل شده است. «عادیات» به معنای کسانی است که تلاش بسیار می‌کنند.

هر انسانی به دنبال سعادت و کمال خود است. بی‌شک سعادت انسان در گرو پیروی از فرمان خدا و اطاعت و بندگی اوست، اما بسیاری از انسان‌ها با دل بستن به لذت‌های دنیای فانی، حاضر نیستند با بندگی خدایی که آنها را آفریده و پرورش داده، برای سعادت خود گام بردارند. سوره عادیات با نكوهش کسانی که در راه بندگی خدا سستی و کوتاهی می‌کنند، دو راهکار را برای ایجاد انگیزه و همت لازم در آنان بیان می‌کند.

راهکار اول

توجه به تلاش مجاهدان راه خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

یکی از راه‌های ایجاد انگیزه برای واداشتن انسان‌ها به تلاش در راه کسب سعادت و بندگی خدا، این است که آنها را به مطالعه زندگی مردان خدا تشویق کنیم تا با مشاهده سخت‌کوشی آنها، به وظیفه خود در برابر خدا پی ببرند. از این رو قرآن کریم به انسان‌هایی سوگند می‌خورد که با همه وجود تلاش می‌کنند تا موانع و مشکلات را برطرف نموده، با غلبه بر دشمنان دین خدا یا مجاهده با نفس، به وظیفه خود در راه بندگی خدا عمل نمایند و می‌فرماید: «سوگند به کسانی که در گام نخست تلاش و مبارزه خود با همه وجود سعی می‌کنند از تنگناها عبور نمایند.» ۱

در گام دوم، آنها با وجود همه موانع، «آتش تلاش و حرکت را می‌افروزند.» ۲

در گام سوم، از هر فرصتی برای هجوم به دشمن درون یا برون استفاده می‌کنند «و بامدادان، بر دشمن یورش می‌برند.» ۳

در گام چهارم، مجاهدان راه خدا با تلاش شبانه‌روزی خود و بهره‌مندی از همه فرصت‌ها، «اجتماع دشمن را نابود و پراکنده می‌کنند.» ۴

در آخرین گام، پس از آنکه مجاهدان راه حق موفق شدند نظم و استحکام صفوف دشمن را در هم ریزند، «سرانجام به قلب سپاه دشمن راه می‌یابند و آنها را به کلی متلاشی می‌کنند.» ۵

برخلاف این مجاهدان که در راه بندگی خدا با همه وجود تلاش می‌کنند، «بسیاری از انسان‌ها نسبت به بندگی پروردگار خود بی‌توجهند و در این راه کوتاهی می‌کنند.» ۶

غفلت و کوتاهی انسان در برابر خدا در حالی است که او هم «می‌داند که سستی در بندگی خدا و کوتاهی در کسب سعادت، امری ناپسند و نکوهیده است» ۷ و هم در نهاد او گرایش به کمالات معنوی قرار داده شده و «او به شدت به نیکی و بندگی خدا علاقه دارد.» ۸

راهکار دوم

توجه به آشکار شدن واقعیت درونی انسان در آخرت

دومین راه برای تشویق انسان‌ها به عبادت و بندگی خدا و پایان دادن به روحیه ناسپاسی آنها، این است که انسان توجهی عمیق و آگاهانه به روز رستاخیز و آشکار شدن واقعیت درونی خود در آن روز ننماید. برای متوجه کردن انسان کاهل به این حقیقت، باید از او پرسید که آیا «نمی‌داند رویگردانی از بندگی خدا چه پیامد ناگواری دارد؟»

و سپس به او یادآور شد «آن روز که دفن‌شدگان در گورها برانگیخته می‌شوند» ۹ «و واقعیت درونی انسان آشکار گردد» و هر انسانی به کیفر اعمال خود می‌رسد؛ در این هنگام انسان متوجه خواهد شد سستی و غفلت در بندگی خدا چه عواقب شومی برای او به دنبال داشته است. ۱۰

اگر کسی بپرسد در آن روز چه کسی از باطن انسان خبر دارد تا بر اساس آن او را کیفر دهد، باید به او گفت: «به یقین، آن روز پروردگار انسان‌ها به آنان کاملاً آگاه است.» ۱۱

مباحثات

راه‌های درمان سستی انسان در بندگی خدا

راهکار دوم:

توجه به آشکار شدن واقعیت
درونی انسان در آخرت
(۹-۱۱)

نکته اول

آشکار شدن باطن
انسان در روز قیامت
(۹-۱۰)

نکته دوم

آگاهی خدا از باطن
انسان‌ها
(۱۱)

راهکار اول:

توجه به تلاش
مجاهدان راه خدا
(۱-۸)

نکته اول

سوگند به مجاهدان
راه خدا
(۱-۵)

نکته دوم

کوتاهی انسان‌ها
در راه بندگی خدا
(۶-۸)

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ۱ مَالْقَارِعَةُ ۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ۳ يَوْمَ يَكُونُ
النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ۴ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ
الْمَنْفُوشِ ۵ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۶ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ
۷ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۸ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۹ وَمَا أَدْرَاكَ
مَا هِيَ ۱۰ نَارُ حَامِيَةٍ ۱۱

سوره قارعه

اعمال ارزشمند، معیار سعادت‌مندی در سرای دیگر

معرفی سوره

جزء
۳۰سوره
قارعه

آن چنان سهمگین است که باعث درهم ریختن سخت‌ترین پدیده‌های طبیعی، یعنی کوه‌ها می‌شود. در آن روز «کوه‌ها مانند پشم زده شده تلاشی می‌گردند» ۵

گفتار دوم

بر پاشدن نظام جدید و تغییر معیار سعادت‌مندی

با برپایی روز رستاخیز، همه مناسبات مادی و انسانی به هم می‌ریزد و معیارهای جدیدی برای ارزشیابی شخصیت و جایگاه انسان‌ها تعیین می‌گردد. در روز رستاخیز انسان‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول «کسانی هستند که با بندگی خدا، دارای شخصیتی ارزشمند و نامه عمل سنگین هستند» ۶ فرجام چنین کسی که اعمال و افکار پاک و خالص دارد، این است که «در آخرت، از زندگی خوش و پسندیده‌ای برخوردار خواهد بود» ۷

گروه دوم «کسانی هستند که دارای شخصیتی بی‌ارزش و پست بوده، نامه عمل آنها از کارهای نیک تهی است» ۸ فرجام چنین کسی که از بندگی خدا فاصله گرفته، این است که «به پست‌ترین جایگاه دوزخ سقوط می‌کند» ۹ «آیا می‌دانید آن جایگاه پست و آن گودال عمیق چگونه است؟» ۱۰

انجا تنها پرتگاهی نیست که آدمی در آن پرتاب شود و بمیرد و همه چیز پایان پذیرد، هرگز! بلکه «آن، آتشی افروخته و بس سوزان است» که تا ابد انسان گناهکار را عذاب می‌دهد. ۱۱

سوره مبارکه قارعه در مکه نازل شده است. «قارعه» به معنای «کوبنده»، یکی از اسامی روز قیامت است.

سوره مبارکه قارعه با یادآوری ویژگی درهم کوبندگی روز قیامت، به این حقیقت مهم اشاره می‌کند که با فرا رسیدن روز رستاخیز، نظام دیگری برپا خواهد شد. در این نظام، ارزش و جایگاه انسان‌ها نه بر اساس موقعیت اجتماعی و اقتصادی، بلکه بر اساس اعمال و عقاید آنها تعیین می‌شود. سوره قارعه از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

درهم کوبیده شدن نظام دنیا در آستانه روز قیامت

به نام خداوند بخشنده مهربان

پیش از برپا شدن قیامت، زلزله سهمگینی در زمین رخ می‌دهد و هر چه در زمین است، در هم کوبیده می‌شود. آری، «آن حادثه در هم کوبنده» حتماً واقع می‌شود. ۱ به‌راستی «آن حادثه در هم کوبنده چیست؟!» ۲ «و تو چه می‌دانی که آن حادثه کوبنده چیست؟» ۳

آن حادثه کوبنده، نظام حاکم بر جامعه انسانی را کاملاً تغییر می‌دهد و همه انسان‌ها، اعم از فقیر و غنی و حاکم و محکوم را در برابر خود ناتوان و درمانده می‌کند. «در آن روز، مردم توان هرگونه حرکت و تصمیم‌گیری را از دست می‌دهند و همچون پروانه‌های پراکنده‌ای که به زمین چسبیده‌اند، در جای خود می‌خکوب شده، به زمین می‌چسبند» ۴

تأثیر دیگری که حادثه هولناک «قارعه» بر جای می‌گذارد، فروپاشی نظام طبیعت و از بین رفتن همه آثار حیات در زمین است. این حادثه

قارعه

اعمال ارزشمند، معیار سعادتمندی در سرای دیگر

گفتار اول:

درهم کوبیده شدن نظام
دنیا در آستانه روز قیامت

(۱-۵)

نکته اول

اهمیت توجه به
جنبه درهم کوبندگی
روز رستاخیز
(۱-۳)

نکته دوم

به هم ریختن
روابط انسانی
(۴)

نکته سوم

درهم کوبیده شدن
نظام طبیعت
(۵)

گفتار دوم:

برپا شدن نظام جدید
و تغییر معیار سعادتمندی

(۶-۱۱)

نکته اول

آسایش و رضایت
کسانی که دارای
اعمال ارزشمند
هستند
(۶-۷)

نکته دوم

عذاب و حقارت
کسانی که دارای
اعمال بی ارزش
هستند
(۸-۱۱)

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَيْكُمُ التَّكْوِيْنُ ۱ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۲ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳
 ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۴ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ۵ لَتَرَوُنَّ
 الْجَحِيْمَ ۶ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ۷ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ
 النَّعِيْمِ ۸

سوره تکوین

نکوهش دنیاگرایی

معرفی سوره

سوره تکوین از سوره‌های مکی قرآن است. «تکوین» به معنای افزودن خواهی و ثروت‌اندوزی، بدون اندیشه و هدف عقلایی است. سوره تکوین انسان‌ها را به‌خاطر ثروت‌اندوزی و توجه بیش از اندازه به امور مادی و سرگرمی‌های دنیوی نکوهش می‌کند و پیامدها و آثار آن را بر می‌شمارد. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

نتیجه دنیاگرایی

به نام خداوند بخشنده مهربان

این انسان‌های غافل و دنیاپرست! دنیا محل آماده شدن انسان برای زندگی در جهان دیگر است، اما شما این حقیقت مهم را به فراموشی سپرده، کاملاً شایسته زندگی دنیا شده‌اید. آری! «دنیاطلبی و زیاده‌خواهی، شما را سرگرم کرده و از مقصد باز داشته است.» ۱

گرایش افراطی و شدید شما به دنیاگرایی و ثروت‌اندوزی به حدی است که هیچ نصیحتی در شما کارساز نیست و تنها چیزی که می‌تواند آتش حرص و طمع‌تان را خاموش کند، خاک سرد گور است. آری، «شما تا زمانی به افزودن طلبی خود ادامه خواهید داد که مرگ شما فرا رسد و به گورستان بروید.» ۲

گفتار دوم

آگاه شدن انسان از فرجام شوم دنیاگرایی

شما دنیاگرایان خیال می‌کنید روشی که در زندگی پیش گرفته‌اید،

روشی پسندیده و درست است، از این‌رو به نصیحت‌های خدا و پیامبر توجهی نمی‌کنید. اما «به‌زودی خواهید دانست که فرجام شوم این افزودن طلبی چیست.» ۳ آری! به شما هشدار می‌دهم که «چنین نکنید! به‌زودی خواهید دانست که فرجام شوم این افزودن طلبی چیست!» ۴ شما انسان‌های دنیاطلب به دو صورت ممکن است به نادرستی اعمال خود پی ببرید: نخست آنکه با مطالعه و دقت در بی‌وفایی دنیا و نزدیک بودن مرگ، «با علمی یقین‌آور به اهمیت آخرت و نادرستی دنیاطلبی پی ببرید.» ۵ راه دیگر این است که آن‌قدر به غفلت و بی‌خیالی خود ادامه دهید تا با چشم خود، دوزخ را مشاهده کنید. ۶ «آری، در روز قیامت دوزخ را به یقین مشاهده خواهید کرد.» ۷ آن‌گاه به فرجام شوم دنیاپرستی پی خواهید برد.

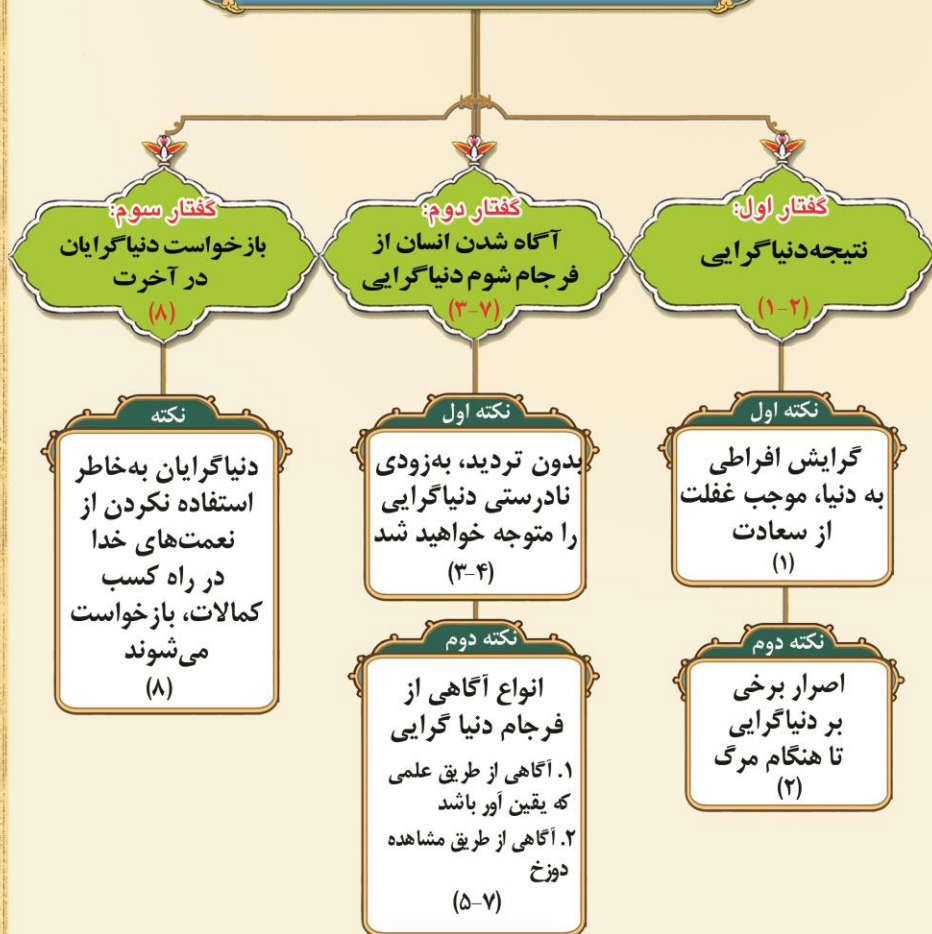
گفتار سوم

بازخواست دنیاگرایان در آخرت

وقتی دوزخ را مشاهده کردید، با همه وجود به نادرستی دنیاگرایی و غفلت از آخرت پی خواهید برد. آن‌گاه زمان آن فرا می‌رسد که پاسخگوی نعمت‌هایی باشید که خداوند در دنیا به شما داده بود تا با کمک آنها، راه کمال را طی کنید؛ اما شما آنها را صرف دنیاطلبی و شهواترانی خود کردید. «آری! آن روز درباره هر نعمتی که به شما داده شده است، از شما سؤال خواهد شد.» ۸ که آن را در چه راهی به کار بردید.

تکاثر

نکوهش دنیا گرایی



سُورَةُ الْعَصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

سوره عصر

ایمان واقعی، تنها راه جلوگیری از تباهی انسان

معرفی سوره

سوره عصر در مکه و در حدود سال اول بعثت نازل شده است. «عصر» در لغت به معنای فشردن و تحت فشار قرار دادن است و به بخشی از زمان هم گفته می‌شود.

این سوره در زمانی نازل شد که دشمنان اسلام فشار بسیاری بر مسلمانان وارد می‌کردند و آنها را تحقیر کرده، مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. با آنکه سران قریش با این اقدام سعی داشتند مسلمانان را از آیین خود بازگردانند، اما تحمل این فشارها موجب ساخته شدن آنان و رشد و کمال معنوی‌شان می‌شد. سوره عصر به درستی راه مؤمنان اشاره کرده، آنها را به تحمل سختی‌ها و حفظ ایمان دعوت می‌کند و در مجموع به سه نکته مهم اشاره می‌کند.

نکته اول

سوگند به سختی‌های راه ایمان

به نام خداوند بخشنده مهربان

سوره مبارکه عصر با سوگند به سختی‌ها و فشارهایی که اهل ایمان، به‌ویژه مسلمانان صدر اسلام در مسیر توحید و حق‌پرستی تحمل می‌کردند، آغاز می‌شود و می‌فرماید: «سوگند به فشارها و سختی‌هایی که به اهل ایمان وارد می‌شود.» ﴿١﴾

نکته دوم

قرار گرفتن انسان‌ها در مسیر خسران و تباهی

معمولاً انسان‌ها حاضر نیستند سختی‌ها و فشارها را تحمل کنند

تا به کمال برسند، بلکه خود را سرگرم زندگی روزمره می‌کنند و به‌جای رعایت تقوا، از امیال زودگذر و شهوات خود پیروی می‌کنند همین امر موجب می‌شود که بیشتر «انسان‌ها در زیانکاری به‌سر می‌برند و سرمایه عمرشان رو به تباهی می‌رود.» ﴿٢﴾

نکته سوم

راه نجات از تباهی

تنها راه رهایی از خسران و جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه انسانی، این است که انسان به برنامه‌ای که خدا برای کمال و سعادت وی در نظر گرفته، عمل کند و خود را به چهار ویژگی آراسته نماید: نخست آنکه «به خدای بزرگ و روز قیامت ایمان بیاورند.» دوم آنکه «کارهایی که شایسته بندگی خداست انجام دهند.» سوم آنکه «یکدیگر را به پیروی از حق سفارش کنند؛» یعنی بر ایمان خود به خدا محکم و استوار باشند و تزلزلی در ایمانشان وارد نشود، و دیگران را نیز به پیروی از حق دعوت و سفارش کنند. چهارمین و آخرین ویژگی این است که «یکدیگر را به صبر و استقامت در راه خدا سفارش کنند؛» ﴿٣﴾ یعنی هم خود در برابر موانعی که در مسیر عمل به حق و ترویج آن به وجود می‌آید مقاوم باشند، و هم سایر دینداران را به حفظ ایمان و استقامت در برابر مشکلات سفارش کنند.

لحذر

ایمان واقعی، تنها راه جلوگیری از تباهی انسان



سوره
۱۰۳

انسان برای نجات از
خسران و تباهی باید
چهار ویژگی را دارا باشد

۱. ایمان
۲. عمل صالح
۳. توصیه به حق
۴. توصیه به صبر

جزء
۳۰

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾
 كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ ﴿٦﴾
 الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْقِ دُونَ ﴿٧﴾ إِنَّمَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُّتَدَدَةٍ ﴿٩﴾

سوره همزه

نکوهش عیب جویان فخر فروش

معرفی سوره

سوره مبارکه همزه در مکه نازل شده است. «همزه» به معنای عیب جو و طعنه زننده است.

در سال های نخست بعثت، مشرکان به روش های مختلف به آزار و اذیت پیامبر و مسلمانان می پرداختند تا شاید آنان را از پرستش خدا و آیین اسلام باز دارند. یکی از اقدامات آنها این بود که دائم به مسلمانان زخم زبان زده، با عبارات کنایه آمیز، به تحقیر آنان می پرداختند و در هر مجلسی از آنان غیبت می کردند و اگر آنها را در جایی مشاهده می نمودند، به استهزای آنان می پرداختند.

سوره مبارکه همزه به نکوهش کسانی می پردازد که همه ارزش انسان را در ثروت و جایگاه اجتماعی او خلاصه می کنند و به خود اجازه می دهند مؤمنان تهیدست را تحقیر و استهزا کنند. این سوره از سه گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

رفتارهای فخر فروشان

به نام خداوند بخشنده مهربان

افراد خودخواه و فخر فروش در همه حال، اهل ایمان را تمسخر کرده، از هر فرصتی برای تحقیر و عیب جویی کردن از آنها استفاده می کردند. «هلاکت و عذاب خدا بر کسانی باد که پشت سر دیگران غیبت می کنند و پیش روی آنان به تمسخر و عیب جویی می پردازند.» ﴿١﴾

گفتار دوم

ریشه های فکری فخر فروشان

آدم عیب جو به دو دلیل اهل ایمان را تمسخر و استهزا می کند:

سوره همزه

گفتار سوم

فرجام ذلت بار فخر فروشان

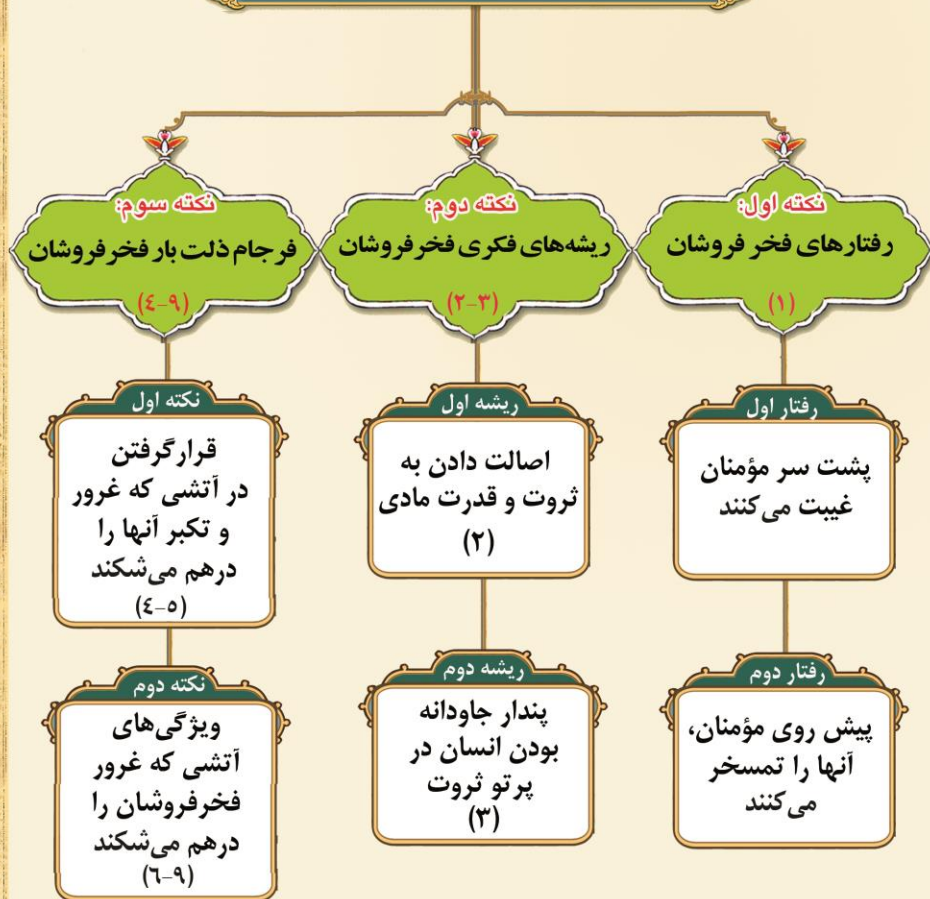
این انسان فخر فروش باید بداند همه اندیشه ها و پندارهای مغرورانه اش نادرست است و «چنین نیست که مال و ثروت، باعث نجات او شود. او قطعاً در آتشی خردکننده افکنده خواهد شد.» ﴿٤﴾ «و تو چه می دانی آن آتش خردکننده چه عذابی است؟» ﴿٥﴾

این عذاب چهار ویژگی دارد: نخست آنکه «از خشم خدا برافروخته شده است.» ﴿٦﴾ دوم آنکه «این آتش از درون انسان زیانه می کشد و ابتدا روح و جان آدمی را خرد می کند.» ﴿٧﴾

ویژگی سوم این آتش آن است که «کاملاً بر دوزخیان احاطه دارد و آنان هیچ راه فراری از آن ندارند.» ﴿٨﴾ و آخرین ویژگی آتش دوزخ این است که «شعله های سوزان آن به صورت ستون های کشیده و طولانی بر آنها مسلط می شود» و آنان در دوزخ، جز آتش و عذاب، چیز دیگری نمی بینند. ﴿٩﴾

همزه

نکوهش عیب جویان فخر فروش



سُورَةُ الْفِيلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ
فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِمْ
بِحِجَارٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

سوره فیل

قدرت خدا در سرکوب دشمنان دین

معرفی سوره

جزء
۳۰سوره
فیل

همان گونه که سپاه فیل نتوانست به اهداف خود برسد. آنها همه توان نظامی خود را بسیج کردند و با فیلان قدرتمند به سوی خانه خدا هجوم آوردند. اما «دیدنی پروردگارت با آن فیل سواران چه کرد» و چگونه آنها را خوار و ذلیل نمود؟ ﴿۱﴾

انها برای از بین بردن دین خدا، مدت ها برنامه ریزی کرده، نقشه کشیدند، اما «دیدنی خداوند چگونه نقشه ها و توطئه های آنها را خنثی کرد؟» ﴿۲﴾

گفتار دوم

روش خدا در سرکوب دشمنان

خداوند برای سرکوب دشمنان دین نیازی به افراد و امکانات گسترده ندارد، همان گونه که برای شکست دادن لشکر تا دندان مسلح ابرهه، از پرنده گان کوچکی استفاده کرد که اصلاً به حساب نمی آمدند و «خدا پرنده گانی را که دارای جثه ای کوچک بودند، به صورت گروه های پراکنده به سوی آنها فرستاد.» ﴿۳﴾

هر یک از این پرنده گان دو سنگ از خاک فشرده (کلوخ) در پنجه ها و یک سنگ در منقار داشتند. «آنان این سنگ های گلی را بر سر سربازان دشمن می افکندند» و آنها را از پای در می آوردند. ﴿۴﴾

سرانجام خداوند به وسیله این سربازان کوچک و سلاح های نظامی به ظاهر اندک آنها، سپاه تا دندان مسلح ابرهه را در هم کوبید و «آنان را همچون کاهی که خرد و ریز شود، نابود و پراکنده ساخت.» ﴿۵﴾

سوره مبارکه فیل حدود سال دوم بعثت در مکه نازل شد. در سال های نخست بعثت، سران شرک که خود را در اوج قدرت می دیدند، می پنداشتند با تکیه بر امکانات و قدرت سیاسی و اجتماعی خود، به راحتی می توانند مانع گسترش دین خدا بشوند و هیچ قدرتی نمی تواند بر آنها غلبه کند. از این رو با همه توان، سعی در مقابله با نهضت توحیدی پیامبر داشتند.

سوره مبارکه فیل در چنین فضایی نازل شد و با اشاره به شکست همه جانبه لشکر فیل که قصد تخریب خانه خدا و جلوگیری از گسترش دین را داشتند، به کافران یادآور شد در برابر قدرت خدا، هیچ شانس برای پیروزی ندارند و وقتی خدا بخواهد دشمنان دین را سرکوب کند، از افراد و امکاناتی استفاده می کند که کافران به هیچ وجه فکرش را هم نمی کنند. سوره فیل از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

نا توانی دشمنان دین در برابر قدرت خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! کسانی که با تکیه بر قدرت و امکانات خود قصد ضربه زدن به دین خدا را دارند، هیچگاه به اهداف پلید خود نمی رسند؛ نه قدرت اقتصادی و نظامی، و نه طرح ها و برنامه ریزی های گسترده شان نمی تواند آنها را در این راه یاری کند.

فیصل

قدرت خدا در سرکوب دشمنان دین

گفتار دوم:

روش خدا
در سرکوب دشمنان

(۳-۵)

نکته اول

استفاده

از موجوداتی که به
نظر نمی آیند
(مانند پرندگان کوچک)
(۳)

نکته دوم

استفاده

از امکاناتی که به
نظر نمی آیند
(مانند سنگ های گلی)
(۴)

نتیجه

درهم شکسته شدن
قدرت دشمنان
(۵)

گفتار اول:

ناتوانی دشمنان در برابر
قدرت خدا

(۱-۲)

مرحله اول

ناکارآمدی

ساز و برگ نظامی
دشمنان
(مانند فیل های قدرتمند)
(۱)

مرحله دوم

بی اثر شدن

نقشه ها و تدبیرهای
دشمن
(۲)

سُورَةُ قُرَيْشٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلْفِ قُرَيْشٌ ۝۱ لِّلْفِهِمْ رِحْلَةَ الْشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝۲ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۝۳ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝۴

سوره قریش

بندگی خدا به شکرانه نعمت های اجتماعی

معرفی سوره

به این ترتیب، وجود خانه خدا در منطقه حجاز در درجه نخست، موجب اتحاد و انسجام قبایل پراکنده شد و در مرحله بعد، موجب راه افتادن کاروان های تجاری در زمستان و تابستان شد و این امر، به حل مشکلات اقتصادی آنها کمک شایان توجهی نمود. آیات نخست سوره قریش به دو نعمت خدا بر قبیله قریش اشاره کرده، چنین می فرماید: «قبیله قریش به خاطر نعمت یکپارچگی جامعه شان،» ۱ «به یوزه به خاطر حفظ این الفت و یکپارچگی در پرتو کاروان های تجاری زمستانی و تابستانی،» ۲ باید به وظیفه خود در برابر خدا عمل کند.

سوره
قریشجزء
۳۰

نکته اول

نعمت اجتماعی خدا به قریش

به نام خداوند بخشنده مهربان

سرزمین حجاز سرزمینی خشک و بی حاصل بود. قبایل ساکن در این منطقه مجبور بودند برای تأمین مواد غذایی، پیوسته از جایی به جای دیگر کوچ کنند و برای جای گرفتن در سرزمین های مساعد، در حال جنگ و غارت به سر برند. تا آنکه به فرمان خدا و به دست ابراهیم خلیل و فرزندش، کعبه در میان قبایل پراکنده و متوحش عرب ساخته شد. بنای کعبه و احترام قبایل دور و نزدیک به آن و رفت و آمد برای انجام مناسک، از وحشت و نفرت قبایل نسبت به یکدیگر کاست، تا آنجا که بدون بیم و هراس، فرآورده ها و کالاهای خود را به بازارهای موسمی اطراف مکه حمل می کردند و بعد از انجام حج، به خرید و فروش آنها می پرداختند. این امر رونق اقتصادی مکه را به دنبال داشت. پس از مدتی، قبیله قریش به این فکر افتاد که تجارت خود را به کشورهای دیگر گسترش دهد.

کاروان های قریش در فصل زمستان به سوی سرزمین های گرم جنوب و اطراف یمن کوچ می کردند و محصولات یمن را به مکه حمل کرده، پس از فروش قسمتی از آنها در بازارهای موسمی حج و رفع نیازمندی های خود، قسمت های دیگر را در فصل تابستان به شام می بردند و کالاهایی که در بازارهای جنوب مشتری داشت یا خود احتیاج داشتند، می خریدند و به مکه برمی گشتند. این تجارت ها و کوچ ها، سود بسیاری را برای قبیله قریش به دنبال داشت.

نکته دوم

وظیفه قریش در برابر نعمت خدا

وظیفه قریش در قبال نعمتی که خداوند به آنها داده، این است که «باید خدای این خانه را عبادت کنند.» ۳ زیرا قریشیان هر چه دارند، از لطف خداوندی است که این خانه مقدس را در این سرزمین دور افتاده قرار داد.

نکته سوم

برکات نعمت اجتماعی خدا به قریش

خدای سبحان با قرار دادن خانه کعبه در شهر مکه، ساکنان این شهر را از دو نعمت مهم بهره مند ساخت: نخست آنکه در سرزمین بی آب و علف حجاز، زمینه اشتغال و تجارت آنها را فراهم کرد و بدین ترتیب، «آنها را از گرسنگی نجات داد.» دوم آنکه به خاطر احترامی که خانه خدا نزد همگان داشت، راهزنان نه به شهر مکه هجوم می آوردند، و نه به کاروان های مکه حمله می کردند به این ترتیب خداوند «آنها را از ترس دشمنان ایمنی داد» ۴ و امنیت را در شهر مکه حاکم کرد.

قریش

بندگی خدا به شکرانه نعمت های اجتماعی

نکته اول:

نعمت اجتماعی خدا
به قریش

(۱-۲)

یکپارچگی و بقای
قبیله قریش،
به ویژه در
سفرهای تجارتي

نکته دوم:

وظیفه قریش در برابر
نعمت خدا

(۳)

عبادت و بندگی
خدای کعبه

نکته سوم:

برکات نعمت اجتماعی
خدا به قریش

(۴)

۱. رهایی از فشار
اقتصادی
۲. ایمنی از دشمنان

سوره
۱۰۶

جزء
۳۰

سُورَةُ الْمَاعُونِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ أَلِيَّتَهُ
وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿٢﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٣﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ
صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٥﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٦﴾

سوره ماعون

نشانه‌های مدعیان دروغین ایمان

معرفی سوره

سوره ماعون از سوره‌های مکی قرآن است که حدود سال دوم بعثت نازل شده است. «ماعون» به معنای چیز کم‌ارزشی است که مورد نیاز دیگران است.

در سال‌های نخست دعوت پیامبر، گروهی از مردم با شنیدن ندای توحید به ایشان ایمان آوردند و خود را مسلمان نامیدند، اما برخی از آنان پس از مسلمانی، تغییر چندانی در رفتار خود نمی‌دادند و یا در انجام دستورات دینی کوتاهی می‌کردند. سوره ماعون به این حقیقت مهم اشاره می‌کند که دینداری تنها اعتراف به وجود خدا نیست، بلکه باید همراه با اعمال صالح و شایسته و ترک زشتی‌ها و اعمال ناشایست باشد. در این سوره «نشانه‌های مدعیان دروغین ایمان» در سه بخش بیان شده است.

مقدمه

پایبند نبودن برخی به وظیفه مسلمانی

به نام خداوند بخشنده مهربان

متأسفانه در میان مسلمانان، گروهی مشاهده می‌شوند که در عمل، پیرو مقررات الهی نیستند و هنوز دین خدا را به‌درستی باور نکرده‌اند. اکنون به من بگو «آیا نشانه‌های کسی که به حقیقت، دین خدا را باور نکرده است و در عمل آن را تکذیب می‌کند، می‌دانی؟» ﴿١﴾ این افراد سه نشانه رفتاری دارند.

نشانه اول

رعایت نکردن حقوق اقشار ضعیف جامعه

نخستین نشانه رفتاری کسی که واقعاً به دین خدا ایمان نیاورده است، این است که در خود هیچ‌گونه احساس مسئولیتی نسبت به حل مشکلات اجتماعی مسلمانان، به‌ویژه رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر و ناتوان جامعه نمی‌کند.

«چنین کسی یتیم را به‌شدت از خود می‌رانند.» ﴿٢﴾ و هیچ توجهی به

مشکلات و درد و رنج کسانی که در فقر شدید به سر می‌برند، ندارد و نه خود به آنها کمک می‌کند، و «نه دیگران را برای غذا دادن به این افراد مسکین و درمانده تشویق می‌کند.» ﴿٣﴾

نشانه دوم

رعایت نکردن حق عبادت خدا

دومین نشانه رفتاری کسی که واقعاً به دین خدا ایمان نیاورده، این است که نسبت به عبادت خدا، به‌ویژه نماز بی‌توجه است و در بهجا آوردن آن کوتاهی و سهل‌انگاری می‌کند. «پس وای بر نمازگزارانی [که به ظاهر خدا را عبادت می‌کنند!].» ﴿٣﴾ برخورد این افراد با نماز که رکن دین و مهم‌ترین نشانه مسلمانی است، چنین است که هیچ توجهی به آن ندارند. گاهی نماز می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند «و درباره نماز سهل‌انگاری می‌کنند.» ﴿٥﴾ رفتار دیگر این افراد به ظاهر مسلمان، در مسایل عبادی این است که «نماز و سایر تکالیف دینی خود را تنها برای جلب نظر مردم و از روی ریا به‌جا می‌آورند.» ﴿٦﴾

نشانه سوم

بی توجهی به نیاز دیگران

سومین نشانه رفتاری مدعیان مسلمانی، به روش مواجهه آنان با نیازهای دیگران مربوط می‌شود. رفتار آنها با دوستان و آشنایان و کسانی که از آنها کمترین درخواستی دارند، بسیار خودخواهانه و همراه با بخل است. چنین افرادی «حتی اموال کم‌ارزش خود - مانند مقداری نمک - را از دیگران دریغ می‌کنند.» ﴿٧﴾

ماخون

نشانه‌های مدعیان دروغین ایمان

مقدمه

پایبند نبودن برخی به وظیفه مسلمانی
(۱)

نشانه سوم:

بی توجهی
به نیاز دیگران
(۷)

سوره
۱۰۷

نکته اول

اموال کم ارزش
خود را نیز از
دیگران دریغ
می‌کند
(۷)

نشانه دوم:

رعایت نکردن حق
عبادت خدا
(۴-۶)

رفتار اول

سهل انگاری
در نماز
(۴-۵)

رفتار دوم

ریا در نماز
و سایر عبادات
(۶)

نشانه اول:

رعایت نکردن حقوق
اقشار ضعیف جامعه
(۲-۳)

رفتار اول

دور کردن یتیمان
از خود
(۲)

رفتار دوم

تشویق نکردن
دیگران به اطعام
مساکین
(۳)

جزء
۳۰

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾
إِلَٰهَ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

سوره کوثر

ناکامی دشمنان پیامبر اسلام در پرتو عطایای خدا

معرفی سوره

سوره مبارکه کوثر از سوره‌های مکی قرآن است. این سوره در سال اول یا دوم بعثت نازل شده است. «کوثر» به معنای خیر و برکت بسیار زیاد است.

هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به رسالت مبعوث شد، اعلام نمود که خداوند اراده کرده این دین جهانی شود و سرانجام، آیین اسلام در همه دنیا منتشر خواهد شد. اما سران شرک مانند عاص بن وائل، امیه بن خلف و دیگران، به تمسخر پیامبر پرداخته، می‌گفتند: آیین اسلام از مکه هم بیرون نمی‌رود و به‌زودی پیامبر و یارانش در برابر فشارهای روزافزون مشرکان تسلیم خواهند شد. در همین ایام بود که دومین پسر رسول خدا به نام عبدالله در سن طفولیت از دنیا رفت. این رویداد بهانه تازه‌ای به‌دست مخالفان پیامبر داد تا بر حجم تبلیغات خود علیه پیامبر افزوده، بگویند: محمد دیگر فرزند پسری ندارد که پس از او آیین وی را حفظ کند، بنابراین به‌زودی با رحلت پیامبر، آیین اسلام نیز از بین خواهد رفت، همان‌گونه که نسل او از بین خواهد رفت. در این هنگام سوره مبارکه کوثر نازل شد و به همه یابوهرایی‌های دشمنان پیامبر پاسخ گفت. در این سوره به سه نکته مهم اشاره شده است.

نکته اول

عطایای فراوان خدا به پیامبر

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! از تهمت‌ها، مخالفت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان اندوهگین نشو، زیرا خداوند تاکنون برای حمایت از تو و آیین اسلام، عنايت‌ها و عطاهاي ویژه‌ای به شما نموده است؛

از جمله حضرت فاطمه (س) را به تو عطا کرده است. آری، «ما به تو خیر و برکت بسیار فراوان دادیم.» ﴿١﴾

نکته دوم

وظایف پیامبر در برابر عطایای الهی

ای پیامبر! به شکرانه این نعمت‌ها، تو نیز به وظیفه خود در برابر خدا عمل کن و به عبادت و بندگی خدا بپرداز و «نماز بخوان» و از بهترین و از دوست داشتنی‌ترین اموال خود در راه خدا انفاق کرده، «شتر قربانی کن.» ﴿٢﴾

نکته سوم

ناکام ماندن دشمنان پیامبر

ای پیامبر! اگر به وظیفه خود در برابر خدا عمل کنی، خداوند باز هم از تو حمایت کرده، برخلاف خواسته دشمنان، آیین اسلام را بر شرک و کفر پیروز خواهد کرد و نسلت را بابرکت خواهد نمود تا به این ترتیب، «دشمن تو ناکام ماند و به اهداف خود نرسد.» ﴿٣﴾

کوثر

ناکامی دشمنان پیامبر اسلام در بر تو عطایای خدا



سوره
۱۰۸

جزء
۳۰

وظیفه اول

عبادت و بندگی خدا
(۲)

وظیفه دوم

انفاق بهترین اموال
(۲)

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَتَّيْنَاهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

سوره کافرون

جدا بودن راه پیروان اسلام ناب از راه کافران

معرفی سوره

جزء
۳۰

تکفیر اول

تفاوت خدای مسلمانان و کافران

نخستین تفاوت مسلمانان و مشرکان، در معبود و خدایی است که می‌پرستند. مسلمانان خدای واحد را می‌پرستند و آنها معبودهای خیالی یا هواهای نفسانی خود را. از این رو مسلمانان هیچ‌گاه نمی‌توانند خدای کافران را پرستند و پیامبر باید به آنها بگوید: «نه من آنچه را شما می‌پرستید، خواهم پرستید»، ﴿٢﴾ «و نه شما هرگز کسی را خواهید پرستید که من او را می‌پرستم»، ﴿٣﴾

مشرکان به پیامبر می‌گفتند: تو پیش از اعلام رسالت کاری به بت‌های ما نداشتی و ظاهراً هر دو پیرو یک آیین بودیم، اکنون چه شده است که خدای دیگری را می‌پرستی؟ پیامبر در پاسخ آنها فرمود: «من در گذشته نیز هیچ‌گاه خدایی را که شما عبادت می‌کنید، نپرستیده‌ام»، ﴿٤﴾ «همان گونه که شما نیز هیچ‌گاه از خدایی که من اکنون می‌پرستم، پیروی نکرده و او را نپرستیده‌اید»، ﴿٥﴾

تکفیر دوم

تفاوت شریعت مسلمانان با دین کافران

ای پیامبر! راه و روش کافران نه تنها در جنبه اعتقادی و پرستش خدا با مسلمانان تفاوت دارد، بلکه در جنبه عملی و احکام و قوانین دینی نیز کاملاً با آیین اسلام متفاوت است. از این رو در ادامه به آنها بگو: «شما پیرو دین و قوانینی هستید که خود ساختهاید و من پیرو دین و شریعتی هستم که خدا به من آموخته است» و این دو، هیچ تناسبی با هم ندارند. ﴿٦﴾

سوره مبارکه کافرون در سال اول یا دوم بعثت در مکه نازل شده است. منظور از «کافرون»، مخالفان پیامبر و منکران توحید است.

مشرکان قریش از نسل حضرت ابراهیم بوده، خود را پیرو آیین او می‌دانستند، ولی انحرافات بسیاری در آیین پاک و توحیدی ابراهیم به وجود آورده بودند، تا آنجا که عقاید و آداب و رسوم آنها تنها شباهتی ظاهری با آیین حضرت ابراهیم داشت و از روح توحید در آن، هیچ خبری نبود.

سران قریش وقتی پیشرفت روزافزون اسلام و گرایش مردم به آیین توحیدی را مشاهده کردند، به پیامبر پیشنهاد دادند که با توجه به شباهت‌های ظاهری میان اسلام و عقاید انحرافی آنان، پیامبر دین التقاطی و شرک‌آمیز کافران را بپذیرند و آنان نیز دین اسلام را به رسمیت بشناسند. در این هنگام سوره کافرون نازل شد و اعلام نمود هیچ نقطه اشتراکی بین عقاید شرک‌آلود کافران و آیین توحیدی اسلام وجود ندارد. این سوره به ما می‌آموزد که مؤمنان باید خط فکری خود را از خطوط التقاطی و غیرتوحیدی جدا کنند و بدانند شباهت‌های ظاهری ادیان و مذاهب، دلیل حقانیت همه آنها نیست.

مقدمه

مأموریت پیامبر برای اعلام برائت از عقاید کافران

به نام خداوند بخشنده مهربان

هنگامی که سوره کافرون نازل شد، پیامبر اکرم (ص) به مسجدالحرام آمد. در حالی که جمعی از سران قریش در آنجا جمع شده بودند، بالای سر آنها ایستاد و گفت: خداوند به من فرموده است که به شما بگویم: «ای کسانی که منکر خدا هستید و به او کفر می‌ورزید!»، ﴿١﴾ دین توحیدی اسلام از دو جهت با آیین خرافی شما تفاوت دارد.

کافرون

جدا بودن راه پیروان اسلام ناب از راه کافران

مقدمه:

مأموریت پیامبر برای برانست از عقاید کافران
(۱)

گفتار دوم:

تفاوت شریعت مسلمانان
با دین کافران
(۶)

سوره
۱۰۹

نکته اول

کافران پیرو دینی
هستند که خود
ساخته اند
(۶)

نکته دوم

پیامبر
پیرو دین خداست
(۶)

گفتار اول:

تفاوت خدای مسلمانان
و کافران
(۲-۵)

جزء
۳۰

نکته اول

هیچ گاه خدای
مسلمانان و کافران
یکی نخواهد بود
(۲-۳)

نکته دوم

در گذشته هیچگاه
خدای مسلمانان
و کافران یکی
نبوده است
(۴-۵)

سُورَةُ النَّصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝^۱ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝^۲ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝^۳

سوره نصر

در موفقیت‌های بزرگ خدا را فراموش نکنید

معرفی سوره

سوره مبارکه نصر در مدینه و در سال هشتم هجرت نازل شده است. «نصر» به معنای یاری دادن می‌باشد.

در سال هشتم هجرت تمام شرایط برای فتح مکه و برچیدن این کانون بت‌پرستی و شرک فراهم شده بود، از این رو پیامبر به فرمان خدا آماده حرکت به سوی مکه شد. فتح مکه با همه دستاوردهای مهمی که برای مسلمانان به دنبال داشت، می‌توانست تهدید بزرگی برای آنان به حساب آید، زیرا چه بسا مسلمانان پس از این پیروزی بزرگ، دچار غرور شده، تلاش و همت خود را عامل اصلی پیروزی بدانند و سرمست از باده پیروزی، از احکام و قوانین الهی تجاوز کنند و وظایف خود را در برابر خدا به فراموشی سپرده، از شکر این نعمت مهم بازمانند.

سوره نصر به همه مسلمانان یادآور می‌شود که مبدا با دستیابی به موفقیت‌ها و پیروزی‌های بزرگ، خدا را فراموش ننمایید و یاری و نصرت الهی را نادیده انگارید، بلکه هر موفقیتی باید مقدمه‌ای برای بندگی خدا و توجه بیشتر به ذات پاک الهی شود. سوره نصر این مطلب را در دو گفتار بیان می‌کند.

گفتار اول

بشارت پیروزی بزرگ (فتح مکه)

به نام خداوند بخشنده مهربان

در ابتدای این سوره، خداوند سبحان به پیامبر بزرگوارش بشارت

سوره نصر

فرارسیدن پیروزی بزرگ، یعنی فتح مکه را می‌دهد و به ایشان یادآور می‌شود این فتح و پیروزی در اثر یاری خداست و می‌فرماید: «به‌زودی یاری خدا و فتح مکه فرا می‌رسد.» ﴿۱﴾

از آنجا که ساکنان جزیره‌العرب معتقد بودند تنها کسی که مورد تأیید خداوند باشد، می‌تواند مکه را فتح کند، از این رو «به دنبال این پیروزی بزرگ، خواهی دید که مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند» و مسلمانان بر سراسر جزیره‌العرب حاکم خواهند شد. ﴿۲﴾

گفتار دوم

وظایف پیامبر و مسلمانان پس از پیروزی

پس از فتح مکه، پیامبر اکرم و سایر مسلمانان دو وظیفه مهم را بر عهده دارند: نخست آنکه باید این پیروزی بزرگ را از خدا دانسته، «با ذکر کمالات خدا، او را از هر عیب و کاستی پیراسته بدانند.»

دیگر آنکه با پیروی از فرمان خدا و پرهیز از گناهان، زمینه جلب رحمت الهی را فراهم کنند و اگر خطایی مرتکب شدند، «از خدا آمرزش بخواهند، زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر است و گناهان آنها را می‌بخشد.» ﴿۳﴾

جَنُودٌ ۳۰

نصر

در موفقیت های بزرگ، خدا را فراموش نکنید

گفتار دوم:
وظایف پیامبر و مسلمانان
پس از پیروزی
(۳)

وظیفه اول

توجه به اینکه همه
پیروزی ها از خدای
سبحان است
(۳)

وظیفه دوم

پیروی از فرمان خدا
و طلب آمرزش
از گناهان
(۳)

گفتار اول:
بشارت پیروزی بزرگ
(فتح مکه)
(۱-۲)

نکته اول

فرا رسیدن پیروزی
بزرگ با یاری خدا
(۱)

نکته دوم

استقبال گسترده
مردم از دین
اسلام، در پی
فتح مکه
(۲)

سُورَةُ الْمَسَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝^۱ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا
كَسَبَ ۝^۲ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝^۳ وَامْرَأَتُهُ
حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝^۴ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝^۵

سوره مسد

هماهنگی عذاب و صورت دوزخیان با گناهانشان

معرفی سوره

سوره مبارکه مسد مکی است، و در سال اول بعثت نازل شده است. «مسد» به معنای ریشمانی است که از برگ‌های درخت خرما می‌یافتند.

سوره مسد به یکی از واقعیت‌های روز رستاخیز، یعنی محشور شدن انسان‌ها با قیافه و صورتی متناسب با اعمال و روحیاتشان می‌پردازد و کیفیت محشور شدن دو نفر از دشمنان کینه‌توز پیامبر اسلام، یعنی ابولهب و همسرش را بیان می‌کند. این سوره از دو گفتار تشکیل شده است.

سوره
مسدجزء
۳۰

گفتار دوم

هماهنگی صورت دوزخی همسر ابولهب با رفتارهایش

همسر ابولهب «ام جمیل» نام داشت و خواهر ابوسفیان بود. او هر روز بوته‌های خار را بر دوش می‌کشید و بر سر راه پیغمبر اسلام (ص) می‌ریخت تا پاهای مبارکش آزرده شود. سرانجام این زن کینه‌توز در آخرت چنین خواهد بود که با همان وضع حقارت باری که در دنیا علیه پیامبر توطئه می‌کرد، در روز رستاخیز محشور خواهد شد. بدین ترتیب «همسر ابولهب در حالی که هیزم به‌دوش می‌کشد، وارد آتش سوزان جهنم می‌شود.» ^۴ «در آن حال در گردنش طنابی از الیاف خرما آویزان است.» ^۵ آری، در روز رستاخیز هر کس با قیافه‌ای متناسب با گناهش محشور می‌شود. بر اساس روایتی از پیامبر (ص) کسانی که نمام و خبرچینند، به صورت بوزینگانند؛ خورندگان مال حرام صورت گراز دارند؛ کسانی که به همسایگان خویش آزار می‌رسانده‌اند، با پای بریده خواهند بود؛ کسانی که اهل شهوترانی بوده، یا خمس و زکات خود را پرداخت نمی‌کنند، بویی گندتر از لاشه مردگان دارند. (مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۲۳)

گفتار اول

هماهنگی عذاب ابولهب با کینه‌توزی‌هایش

به نام خداوند بخشنده مهربان

ابولهب عموی پیامبر گرامی اسلام (ص) بود. او و همسرش از سخت‌ترین و بدزبان‌ترین دشمنان پیغمبر اکرم (ص) بودند و نه تنها خود ایمان نمی‌آوردند، بلکه با گفتار زشت و رفتارهای غیرانسانی خود، مانع ایمان آوردن دیگران می‌شدند. در آیه نخست، سوره مسد خداوند به‌خاطر رفتارهای عنادآمیز و حق ستیزانه ابولهب او را نفرین کرده و اعلام می‌نماید که هیچ یک از تلاش‌های او برای مقابله با اسلام به نتیجه نمی‌رسد. «دو دست ابولهب [کنایه از همه قدرت اوست] بریده باد! بر خود او نیز هلاکت و عذاب الهی باد!» ^۱ باید توجه داشت که عذاب ابولهب حتمی است و «نه ثروت ابولهب، و نه قدرت و نفوذی که به‌واسطه ثروتش به‌دست آورده، نمی‌تواند او را از عذاب خدا برهاند.» ^۲

هماهنگی عذاب و صورت دوزخیان با گناهانشان

گفتار دوم:

هماهنگی صورت دوزخی همسر
ابولهب با رفتارهایش
(۴-۵)

نکته اول

وارد شدن همسر
ابولهب به دوزخ، در
حالی که هیزم به
دوش می کشد
و ریسمانی از
درخت خرما به
گردن دارد

سوره
III

گفتار اول:

هماهنگی عذاب ابولهب
با کینه توزی هایش
(۱-۳)

نکته اول

ناکامی ابولهب
در مقابله همه جانبه
با اسلام
(۱-۲)

نکته دوم

وارد شدن «ابولهب»
به آتشی که دارای
«لهب» و زبانه است
(۳)

جزء
۳۰

سُورَةُ الْاِخْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

سوره اخلاص

ارکان توحید و یگانگی خدا

معرفی سوره

سوره مبارکه اخلاص یا توحید مکی است. این سوره حدود سال اول یا دوم بعثت نازل شده است. «اخلاص» به معنای گرایش به توحید ناب و پاک کردن اعتقاد از هر گونه شرک است. در حدیثی از پیغمبر اکرم (ص)، سوره اخلاص معادل یک سوم قرآن شمرده شده است.

پیامبر اکرم (ص) از آغاز بعثت خود، مردم را به پرستش خدای واحد دعوت می نمود. مشرکان مکه با اشاره به بت‌های خود می گفتند: این خدایان ماست ای محمد! تو نیز خدایت را توصیف کن تا او را ببینیم و درک کنیم. در پاسخ به درخواست مشرکان، سوره اخلاص نازل شد و در دو بخش به معرفی خدا پرداخت. این سوره به بیان ابعاد و ارکان توحید ناب می پردازد و تصویری جامع و دقیق از نگرش صحیح به توحید و خداپرستی ارائه می دهد.

کفتار اول

اثبات توحید در ذات و صفات خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! در پاسخ کسانی که از صفات و ویژگی‌های پروردگار پرسش می کنند، «بگو: او خداوندی یکتا و یگانه است» و از نظر

ذات و صفات بی همتاست. ۱ و رابطه خدا با سایر موجودات چنین است که «خدا از همه چیز بی نیاز است و هر چیزی به او نیازمند است». ۲

کفتار دوم

نفی شرک در ذات و صفات خدا

با این توصیف خداوند، نادرستی عقاید شرک آمیزی که پیرامون صفات و افعال خدا وجود دارد، مشخص می شود و ثابت می شود که خدا هیچ شریکی ندارد. «خداوند نه فرزندی به وجود آورده، و نه از کسی زاده شده است». ۳

یکی از لغزشگاهها در مسئله توحید این است که موجودات دیگر را در حد و اندازه خدا بدانیم و تصور کنیم که همان گونه که خداوند در جهان تأثیرگذار است، سایرین از جن و فرشتگان گرفته تا انسان ها نیز به طور مستقل، توانایی تصرف در عالم را دارند. اما این طرز تفکر نیز نادرست است و باید دانست «هیچ کس همانند و شبیه خدا نمی باشد». ۴

ا خلاص

ارکان توحید و یگانگی خدا



سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

سوره فلق

پناه بردن به خدا از شر آفریدگان

معرفی سوره

گفتار دوم

شوری که باید از آنها به خدا پناه برد

سوره
فلق

گر چه موجوداتی که خداوند آفریده، همگی در اصل وجودشان خیر هستند، اما به دلیل انحراف از مسیر طبیعی خود یا وارد کردن ضرر و خسارت به انسان، ممکن است به عنوان موجوداتی شر و نامطلوب شناخته شوند. پیامبر و سایر انسان‌های خداپرست وظیفه دارند هنگام مواجهه با هر شری بگویند: «خدا! از شر همه مخلوقات به تو پناه می‌برم.» ﴿۲﴾

موجودات شر و نامطلوب بسیارند، اما مهم‌ترین آنها سه چیز است: اول ظلمت‌ها و تاریکی است که در پوشش آن، حیوانات درنده و گزنده و افراد شرور و ناپاک به دیگران آسیب می‌زنند. از این رو باید پیامبر و سایر مؤمنان بگویند: «از شر هر تاریکی، هنگامی که فرا می‌رسد و انسان را در برمی‌گیرد، به خدا پناه برد.» ﴿۳﴾

گروه دیگری از موجودات که باید از شر آنها به خدا پناه برد، افراد شروری هستند که اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌کنند و موجب افزایش مشکلات مادی و انحرافات معنوی انسان‌ها می‌شوند. در چنین مواردی باید هر انسان مؤمنی همانند پیامبر بگوید: «به خدا پناه می‌برم از شر آنها که در گره‌ها و پیوندها می‌دمند و کینه‌ها و جدایی‌ها را پدید می‌آورند.» ﴿۴﴾ آخرین شری که باید از آنها به خدا پناه برد، افراد حسودی هستند که وقتی آتش حسد در درونشان شعله‌ور شود، به حیوان درنده‌ای تبدیل می‌شوند که جز دریدن طعمه خود، به چیز دیگری نمی‌اندیشد. در چنین مواردی نیز باید انسان مؤمن بگوید: «به خدا پناه می‌برم از شر حسودان، هنگامی که حسدشان برانگیخته شود و قتنه‌ها برپا کنند.» ﴿۵﴾

جزء
۳۰

سوره مبارکه فلق از سوره‌های مکی است. «فلق» در اصل به معنای شکافتن و دو تکه شدن چیزی است و منظور از آن، هر پدیده‌ای است که در اثر شکافته شدن به وجود می‌آید؛ مانند نوری که از شکافته شدن تاریکی پدید می‌آید، یا گیاهی که از شکافتن بذر سر برون می‌آورد.

انسان به طور غریزی هنگام رویارویی با خطرهای و شروری که او را تهدید می‌کند، می‌کوشد تا با پناه جستن به یک قدرت برتر، به آرامش و اطمینان دست یابد. بدین جهت از زمان‌های دور در میان اقوام بشر، آداب و رسوم خاصی برای دفع شرور و آفات وجود داشته است. در سوره فلق، خدای سبحان به پیامبر فرمان می‌دهد از شر همه مخلوقات، تنها به خدا پناه ببرد. این سوره از دو گفتار تشکیل شده است.

گفتار اول

معرفی خدایی که باید به او پناه برد

به نام خداوند بخشنده مهربان

ای پیامبر! هنگام مواجهه با حوادث طبیعی ناگوار و انسان‌ها و موجودات شرور، «بگو: فقط به پروردگاری که آفرینش و تدبیر همه پدیده‌های هستی را به عهده دارد، پناه می‌برم؛ خدایی که موجودات را با شکافتن یا از بین بردن حالت قبلی به وجود می‌آورد.» ﴿۱﴾

فلق

پناه بردن به خدا از شرّ آفریدگان

گفتار دوم:

شروری که باید
از آنها به خدا پناه برد

(۲-۵)

اول

شرّ همه مخلوقات
(۲)

دوم

شرّ تاریکی و ظلمت
(۳)

سوم

افراد شرور
(۴)

چهارم

حسودان
(۵)

گفتار اول:

معرفی خدایی
که باید به او پناه برد

(۱)

جزء

۳۰

سوره
۱۱۳

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾
 مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ
 النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

سوره ناس

پناه بردن به خدا از شر وسوسه‌های شیطانی

معرفی سوره

سوره
ناس

گفتار دوم

ویژگی‌های وسوسه‌گران

اگر انسان وسوسه‌گران را به‌خوبی بشناسد، متوجه می‌شود که برای مبارزه با آنها، هیچ راهی جز پناه بردن به خدا و یاری جستن از او وجود ندارد. وسوسه‌گران سه ویژگی دارند: نخست آنکه همیشه در کمینند و گاه آشکار شده و گاهی پنهان و ناپیدا می‌گردند. از این‌رو باید از شر آنها به خدا پناه برد و گفت: خدایا! «از شر وسوسه‌گری که پس رفته و باز می‌گردد، به تو پناه می‌برم.» ﴿٤﴾

ویژگی دیگر وسوسه‌گران این است که برای گمراه ساختن انسان، ظرفیت درک حقایق و واقعیت‌ها را در او کاهش می‌دهند و برای این کار، «وسوسه‌ها و اندیشه‌های ناروایی را در فکر انسان القا می‌کنند.» ﴿٥﴾

بدین ترتیب طرز برداشت و بینش او را تغییر می‌دهند و جلوی عاقبت‌اندیشی او را می‌گیرند و ارتکاب گناه را برای او آسان می‌نمایند.

آخرین ویژگی وسوسه‌گران این است که در هر قشر و لباسی ظاهر می‌شوند و «از میان جن‌ها و انسان‌ها هستند.» ﴿٦﴾ آری، آنان آشکار و پنهان وسوسه می‌کنند و از هر سو بر انسان هجوم می‌آورند. از این‌رو برای رهایی از آنها، چاره‌ای جز پناه بردن به خدا وجود ندارد.

جزء
۳۰

سوره مبارکه ناس مکی است.

هرکس خواهان سعادت و کمال خود است، دغدغه‌ای همیشگی برای مبارزه با وسوسه‌های گمراه کننده در دل دارد. وسوسه‌ها گاه به صورت شبهات عقیدتی، و گاه به صورت میل نمودن به گناه، و گاه به شکل بی‌میلی به عبادت و بندگی خدا ظاهر می‌شود. سوره مبارکه ناس برای نشان دادن راه رهایی از وسوسه‌های شیطانی، به دو نکته مهم اشاره می‌کند.

گفتار اول

دلایل پناه بردن به خدا

به نام خداوند بخشنده مهربان

انسانی که مورد هجوم وسوسه‌ها قرار می‌گیرد، باید به کسی پناه ببرد که قدرت حمایت از او و توان مقابله با شیاطین وسوسه‌گر را داشته باشد. خدای سبحان به دلیل دارا بودن سه ویژگی مهم؛ یعنی ربوبیت، مالکیت و الوهیت، تنها کسی است که در چنین مواردی می‌توان از او یاری جست. از این‌رو خداوند به پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر کسی بپرسد که در برابر وسوسه‌ها به چه کسی باید پناه برد، «بگو: من به خدایی پناه می‌برم که انسان را پرورش داده، راه کمک به او را می‌شناسد.» ﴿١﴾

«و پادشاه و حاکم مطلق انسان‌هاست» و قدرت مقابله با دشمنان وسوسه‌گر را دارد. ﴿٢﴾

«و معبودی است که انسان‌ها او را می‌پرستند» و برای برآوردن همه نیازهایشان، به او مراجعه می‌کنند. ﴿٣﴾

ناس

پناه بردن به خدا از شرّ وسوسه‌های شیطانی

گفتار دوم:

ویژگی‌های وسوسه‌گران

(۴-۶)

ویژگی اول

همیشه
در کمینند

(۴)

ویژگی دوم

در فکر انسان
وسوسه می‌کنند

(۵)

ویژگی سوم

از گروه جن
و انس هستند

(۶)

گفتار اول:

دلایل پناه بردن به خدا

(۱-۳)

دلیل اول

خدا پرورش دهنده
انسان‌هاست

(۱)

دلیل دوم

خدا فرمانروای
انسان‌هاست

(۲)

دلیل سوم

خدا
معبود انسان‌هاست

(۳)